

## نامه مشاور حقوقی وزارت امور خارجه انگلستان بدفتر دیوان بین‌المللی لاهه

۴ خرداد ۱۳۳۰

از وزارت امور خارجه

لندن ۲۶ مه ۱۹۵۱

محترماً باعطف باعلامیه صادره از طرف انگلستان و ایران دائر بقبول مواد  
اختیاری پیش بینی شده در بند ۲ از ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دادگستری بین المللی و  
بموجب صلاحیتی که بدینطریق بآن دیوان اعطاء شده اینک برطبق بندیک از ماده ۴۰ و  
بند ۲ از ماده ۳۲ آئین نامه دیوان یکبرک عرضحال بدوی بنام دولت بریتانیای کبیر  
و ایرلند شمالی برعلیه دولت شاهنشاهی ایران در قضیه مشروحه ذیل تقدیم میدارد:  
شرح ماوقع ۲ - در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ قراردادی (که رونوشت آن  
با ترجمه انگلیسی که جهت استفاده شرکت تهیه شده و بعنوان ضمیمه الف بیوست باین

عرضحال مییابد) بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس محدود که در انگلستان به ثبت رسید منعقد گردیده است. این قرار داد (که بعداً با اسم قرارداد نامیده میشود) پس از آنکه در تاریخ ۲۸ مه ۱۹۳۳ به تصویب مجلس ایران و در تاریخ ۲۹ می ۱۹۳۳ بصره شاهنشاهی رسید در تاریخ ۲۹ مه ۱۹۳۳ اعتبار یافت. دولت شاهنشاهی ایران بموجب ماده يك قرارداد بشرکت حق انحصاری در قلمرو امتیاز نامه (حقی که در ماده ۲ قرارداد تعریف شده) اعطانموده که نفت را جستجو و استخراج و آنرا تصفیه یا بهر نحو دیگر مورد عمل قرار داده و نفتی را که بدست میآورد برای تجارت مهیا کند. همچنین بشرکت در مجموع خاک ایران حق غیر انحصاری داده شده که نفت را حمل و نقل و تصفیه یا بهر طریق دیگر مورد عمل قرار داده و برای تجارت مهیا کند و همچنین آنرا در ایران بفروشد و صادر کند.

در ماده ۲۶ قرار داد چنین مقرر گردیده است. این امتیاز نامه برای مدت زمانی که از روز اعتبار یافتن آن شروع و در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ منقضی میگردد. بشرکت اعطاء میشود.

قبل از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ این امتیاز نمیتواند خاتمه یابد مگر در صورتیکه شرکت از امتیاز صرف نظر کند (ماده ۲۵) و یا در صورتیکه دیوان داوری ابطال امتیاز نامه را در نتیجه قصور شرکت در اجرای قرار داد حاضر اعلام نماید.

موارد ذیل در حکم قصور بمعنی فوق تلفی خواهد شد:

الف - در صورتیکه مبلغ وجهی بهر عنوان که دیوان داوری در باره ایران قائل شده باشد در مدت یکماه از تاریخ صدور حکم پرداخت نشده باشد.

ب - در صورتیکه تصمیم بانحلال اختیاری یا اجباری شرکت گرفته شود. در کلیه موارد دیگر که یکی از طرفین از این قرار داد تخلف نماید دیوان داوری مسئولیتها را تعیین و نتایج آنرا معلوم خواهد ساخت.

در ماده ۲۱ قرار داد چنین مذکور است: طرفین قرارداد اعلام میدارند که اجرای قرار داد حاضر را بر اصول متقابل حسن نیت و صداقت و بر اساس تفسیر عقلانی مبتنی خواهند داشت و همچنین این امتیاز نامه از طرف دولت لغو نخواهد شد و مقررات مندرجه در آن نه از طریق وضع قانون عمومی یا خصوصی در آینده و نه بوسیله تصمیمات اداری و یا هر گونه اقدام دیگر مقامات اجرائیه تغییر داده نخواهد شد در ماده ۲۲ قرار داد مقرر گردیده است که کلیه اختلافات بین طرفین از هر نوع از طریق داوری قطع و فصل خواهد شد و طرفی که تقاضای داوری میکند باید مراتب را کتبا بطرف دیگر ابلاغ نماید و هر يك از طرفین یک نفر داور تعیین خواهند نمود و دو نفر داور مزبور قبل از شروع بدآوری یک نفر داور ثالث انتخاب خواهند کرد.

همان ماده مقرر میدارد چنانچه در ظرف دو ماه نسبت به شخص داور ثالث توافق حاصل نگردد داور مزبور برحسب تقاضای هریک از طرفین توسط رئیس دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تعیین خواهد شد و چنانچه یکی از طرفین در ظرف شصت روز از تاریخ وصول ابلاغ تقاضای داوری داور خود رامعین ننماید یا تعیین او را بطرف مقابل ابلاغ نکند طرف دیگر حق خواهد داشت از رئیس دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تقاضای تعیین یک نفر داور واحد را بنماید و طریقه داوری همان خواهد بود که در زمان داوری از طرف دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی معمول است و بالاخره رأی داوری مبتنی بر اصول حقوقی مندرج در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی خواهد بود .

۳ - اثر ماده ۲۲ قرار داد این است که کلیه اختلافات از هر نوع حاصله بین طرفین را از صلاحیت دادگاههای ایران خارج ساخته و طریقه داوری مذکور در آن ماده را یگانه راه مراجعه قضائی قرار داده که در صورت بروز این قبیل اختلافات بین طرفین بروی هریک از آنها باز باشد .

۴ - در تاریخ ۱۵ مارس ۱۹۵۱ و بیست مارس ۱۹۵۱ مجلس شورای و سنای ایران بترتیب ماده واحده ای رامبنی بر اعلام ملی شدن صنعت نفت در ایران تصویب نمودند و این ماده واحده بعداً در تاریخ اول مه ۱۹۵۱ بر صحنه شاهشاهی رسید . در ۲۶ آوریل ۱۹۵۱ کمیسیون نفت مجلس شورای طرح قانونی ( تصمیم ) برای اقدام در ملی شدن نفت تهیه نمود و این طرح را مجلس در ۲۸ آوریل ۱۹۵۱ تصویب کرد . در همان روز ( ۲۸ آوریل ۱۹۵۱ ) شرکت نفت انگلیس و ایران بر علیه اقدامیکه در نظر گرفته شده بود بدولت شاهنشاهی ایران اعتراضی نمود که بلا اثر ماند . ( رونوشت این اعتراض نامه بعنوان ضمیمه پیوست این عرضحال میباشد ) قانون اخیر در سی ام آوریل ۱۹۵۱ مورد تصویب مجلس سنا قرار گرفت و در تاریخ اول مه ۱۹۵۱ ب صحنه همایونی رسید . این قانون ( که از این پس بعنوان قانون ملی شدن نفت ایران مورخ اول مه ۱۹۵۱ بان اشاره میشود و ترجمه انگلیسی آن بعنوان ضمیمه ( ج ) پیوست باین عرضحال میباشد ) پیش بینی مینماید که هیئت مختلطی مرکب از پنج نفر سناتور و پنج نفر نماینده مجلس با انتخاب مجلسین و همچنین وزیر دارائی با نماینده او ( ماده ۱ تشکیل شود و دولت شاهنشاهی ایران را مکلف میسازد که بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران تحت نظارت هیئت مختلط ( ماده ۲ ) خلع ید نماید بعلاوه قانون مزبور چنین مقرر میدارد : نظر باینکه از تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ( ۲۰ مارس ۱۹۵۱ ) که ملی شدن صنعت نفت بتصویب سنا نیز رسیده کلیه درآمد حاصله از استخراج نفت و استحصالات آن حق مسلم ملت ایران است لذا دولت مکلف است محاسبات شرکت را تحت نظارت هیئت مختلط میزوی نماید و همچنین هیئت مزبور باید در عمل بهره برداری از تاریخ اجرای این قانون تا تعیین هیئت عامله دقیقاً نظارت کند ( ماده ۴ ) .

۵ - شرکت نفت ایران و انگلیس که قانون اول می ۱۹۵۱ راجع بملی شدن نفت ایران را در حکم الغاء یا تغییر يك جانبه شرایط ۲۱ و ۲۶ قرار داد از طرف دولت ایران میدانست و قرارداد مزبور نیز قبلاً بتصویب مجلس رسیده بود پس از آنکه بشرح مذکور در بند ۴ فوق بر علیه اقدامی که در نظر گرفته شده بود اعتراض کرد و به نتیجه نرسید در تاریخ ۸ می ۱۹۵۱ یادداشتی تسلیم نمود که بموجب آن تقاضا کرد که اختلاف حاصله با دولت شاهنشاهی ایران طبق مفاد ماده ۲۲ قرار داد بدآوری ارجاع گردد . ( يك نسخه از متن یادداشت بعنوان ضمیمه (د) پیوست باین عرضحال میباشد )

۶ - در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۵۱ وزیر دارائی ایران نامه ای بعنوان آقای نماینده شرکت سابق نفت ایران و انگلیس نگاشته ( که ترجمه انگلیسی آن بعنوان ضمیمه (ه) پیوست باین عرضحال می باشد ) و طی آن اشعار داشته که ملی شدن صنعت نفت قابل داوری نبوده و هیچ مقام بین المللی برای رسیدگی باین موضوع صالح نیست . نامه مزبور در دنباله مطلب فوق اشعار میدارد که دولت ایران در وضع فعلی وظیفه دیگری جز اجرای قوانین فوق الذکر ندارد و بهیچوجه بامقادنامه شرکت سابق نفت در باب ارجاع بدآوری موافقت نمی کند . وزیر دارائی تصمیم دولت شاهنشاهی ایران را در رد حل قضیه از طریق داوری مؤکداً خاطر نشان ساخته و از شرکت سابق نفت دعوت نموده که نمایندگان بمنظور اجرای قانون ملی شدن نفت تعیین نماید .

از مفاد نامه وزیر دارائی مستفاد می شود که وضع دولت شاهنشاهی ایران بقرار ذیل است :

اجرای قانون ملی شدن نفت ایران مورخ اول مه ۱۹۵۱ باید صورت گیرد و شرکت هیچگونه راهی ندارد که با توسل بآن بتواند اجرای قانون را متوقف سازد . شرکت نفت انگلیس و ایران پس از وصول این نامه و بررسی مفاد آن عرضحالی بر رئیس دیوان فرستاده و طی آن تقاضا نمود که بموجب بند (د) از ماده ۲۲ قرارداد یک نفر داور واحد برای قطع و فصل اختلاف بین شرکت و دولت شاهنشاهی ایران تعیین نماید .

۷ - همچنین سعی شد که قضیه بطور دوستانه از طریق سیاسی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت انگلیس حل گردد . در تاریخ ۱۹ مه ۱۹۵۱ سفیر کبیر انگلیس در تهران یادداشتی بدولت شاهنشاهی ایران تسلیم نمود که طی آن اظهار امیدواری میکرد که موضوع ممکن است از طریق مذاکره برضایت کلیه طرفین ذی علاقه حل شود و بنام دولت انگلیس پیشنهاد مینمود هیئتی برای مذاکره در باب شرایط يك قرار داد جدید بلافاصله بتهران اعزام گردد . ( رونوشت این یادداشت بعنوان ضمیمه و پیوست باین عرضحال میباشد ) تاکنون هیچگونه چوایی باین یادداشت ازدولت شاهنشاهی ایران واصل نشده است ولی بجای جواب نامه جدیدی از طرف وزیر دارائی خطاب به آقای نماینده رئیس سابق شرکت نفت ایران و انگلیس در تاریخ ۲۴ مه ۱۹۵۱ تسلیم شده است . در این نامه ( که ترجمه انگلیسی آن بعنوان ضمیمه (ز) پیوست باین عرضحال میباشد ) وزیر دارائی اشعار داشته بود چنانچه نمایندگان شرکت در ظرف شش روز حاضر نشوند دولت شاهنشاهی ایران با اجرای قانون

ملی شدن نفت مبادرت خواهد کرد • بنابراین بنظر دولت انگلستان چنین می آید که دولت شاهنشاهی ایران به تقاضای دولت انگلیس دایره بحل قضیه از راه مذاکرات ترتیب اثر نداده است . ۸ - چون این اهتمام بمنظور حل موضوع بطور دوستانه از طریق مذاکرات

مستقیم بین دولتین بهیچ نتیجه نرسیده اکنون اختلافی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت انگلیس وجود دارد که دولت انگلیس اختلاف مزبور را شایسته رجوع بان دیوان میدانند . ۹ - دولت انگلیس با ارجاع این اختلاف بان دیوان عقیده راسخ دارد که :

الف - دولت شاهنشاهی ایران در امتناع از ارجاع اختلاف بین خود و شرکت نفت انگلیس و ایران بدآوری بشرح مذکور در ماده ۲۲ قرارداد منقده سال ۱۹۳۳ بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس ذیحق نیست .

ب - بموجب مقررات قانون ملی شدن نفت ایران مورخ اول مه ۱۹۵۱ دولت شاهنشاهی ایران قصد دارد ابطال یکجانبه یا تغییر مقررات قرارداد منقده سال ۱۹۳۳ بین خود و شرکت نفت انگلیس و ایران را برخلاف نص صریح مواد ۲۱ و ۲۶ آن قرارداد عملی سازد •

ج - باین قصد ابطال یکجانبه یا تغییر مقررات قرارداد منقده سال ۱۹۳۳ بین دولت شاهنشاهی و شرکت نفت انگلیس و ایران محدود برخلاف نص صریح مواد ۲۱ و ۲۶ آن قرارداد دولت شاهنشاهی ایران مرتکب اقدام غیر مشروعی بر علیه شرکت نفت انگلیس و ایران که تابعیت انگلیس را دارد شده است .

د - دولت شاهنشاهی ایران بار دواوری یعنی طریقه ای که ماه ۲۲ قرارداد برای تصفیه کلیه اختلافات حاصله بین طرفین پیش بینی کرده پس از اخطار کتبی شرکت نفت انگلیس و ایران دایره تقاضای داوری بر طبق مقررات آن ماده پگانه مرجع حقوقی را که صریحاً در قرارداد پیش بینی شده رد کرده و یاد در صدد رد آن می باشد .

ه - دولت شاهنشاهی ایران با ابطال یا تغییر یکجانبه مقررات قرار داد منقده با شرکت و بار د یا اهتمام بردیگانه مرجع حقوقی که صریحاً در قرارداد پیش بینی شده چنانچه کماکان در رد این مرجع باقی بماند مسئول استکفاف از دادخواهی در باره یکی از اتباع انگلیس خواهد بود .

و - دولت شاهنشاهی ایران بارویه متخذه خود که در بند های (ب) و (ه) فوق تشریح گردید نسبت بیکدی از اتباع انگلیس بترتیبی رفتار نموده است که موافق با اصول قانون بین المللی نبوده و بالتیجه یک خلاف بین المللی بر علیه دولت انگلیس مرتکب گردیده است صلاحیت دیوان : ۱۰ - مطابق استنتاجات : ولت انگلستان دیوان صلاحیت رسیده گی باین اختلاف بین دولت انگلیس و دولت شاهنشاهی ایران را دارد بدلیل آنکه اختلاف مشمول مقررات اعلامیه است که در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۲ بدیرخانه مجمع اتفاق ملل سپرده شده و بموجب آن دولت شاهنشاهی ایران حق قضاوت دیوان دائمی دادگستری بین المللی را طبق بند ۲ از ماده ۳۶ اساسنامه آن دیوان قبول نموده است . بنا به مقررات آن اعلامیه دولت شاهنشاهی ایران موافقت کرده است که حق قضاوت دیوان را بر اساس

معامله متقابله در قبال هر دولت دیگر درباره کلیه اختلافاتی که پس از تصویب این اعلامیه درباره اوضاع و احوالی که مستقیماً یا غیر مستقیماً مربوط با اجرای عهدنامه ها و قرارداد های مورد قبول ایران بعد از تصویب اعلامیه پیش آید بپذیرد باستثنای موارد ذیل:

الف - اختلافات مربوط بوضع ارضی ایران بانضمام اختلافات مربوط بحقوق حاکمیت او بر جزائر و بنا در خود .

ب - اختلافاتی که در مورد آنها طرفین بین خود قرار طریقه حل مسالمت آمیز دیگری داده باشند یا بدهند .

ج - اختلافات مربوط بمسائلی که طبق حقوق بین الملل منحصر در حدود اختیارات قضائی ایران میباشد .

۱۱- بمقتیده دولت انگلیس اختلاف بین دولت انگلیس و دولت شاهنشاهی ایران مشمول مفاد اعلامیه ای میباشد که از طرف دولت شاهنشاهی ایران در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۲ بدیر خانه مجمع اتفاق ملل سپرده شده است زیرا :

الف - این اختلاف پس از تصویب اعلامیه بوجود آمده است ( بند ۱۲ ذیل )  
 ب - این اختلاف در مورد اوضاع و احوالی است که نسبت با اجرای معاهدات یا قرار دادهای پذیرفته شده از طرف ایران تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم دارد ( بند ۱۳ ذیل )  
 ج - این اختلاف در مورد اوضاع و احوالی است که متعاقب تصویب این اعلامیه بوقوع پیوست ( بند ۱۲ ذیل ) :

د - مستثنیات مشروح در اعلامیه مزبور شامل قضیه حاضر نیست بخصوص تعیین اینکه آیا دولتی از یکی از تعهدات بین المللی خود تخلف نموده یا خیر موضوعی نیست که منحصرأ بصلاحت ملی آندولت اختصاص داشته باشد .

۱۲ - این اختلاف بعد از تصویب اعلامیه ( ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۲ ) بوجود آمده و همچنین اختلافی است که در موضوع اوضاع و احوالی که مؤخر بر تصویب اعلامیه ۱۹۳۲ میباشد پیش آمده زیرا اختلاف و موجبات بروز آن هر دو از عواقب قانون ملی شدن نفت ایران مورخ اول مه ۱۹۵۱ و متعاقب قانون مزبور میباشد .

۱۳ - معاهدات یا قرار دادهای پذیرفته شده از طرف ایران که مستقیماً یا غیر مستقیم در اوضاع و احوال مولد اختلاف مزبور مورد استناد است دو نوعند :

الف - در مرحله اول پاره ای معاهدات و قرار داد ها وجود دارند که بموجب آن ایران موظف است نسبت باتباع انگلیس همان معامله ای را معمول دارد که باتباع دولت کاملة لوداد اعطاء مینماید و پاره ای معاهدات و قرارداد های دیگر وجود دارد که بموجب آن ایران متعهد است نسبت باتباع سایر کشور ها طبق اصول حقوق بین الملل ( بندهای ۱۵ و ۱۴ ذیل رفتار کند .

ب - در مرحله دوم يك تعهد قرار دادی مستقیمی بین ایران و انگلستان وجود دارد که بموجب آن ایران موظف است نسبت باتباع انگلیس طبق اصول حقوق بین الملل رفتار نماید ( بند ۱۷ ذیل ) :

از این گذشته قرار داد ۱۹۳۳ راجع باعطای امتیاز ممکن است با توجه باوضاع و احوال زمان انعقاد آن به منزله قرار دادی بمفهومیکه در اعلامیه دولت شاهنشاهی باین عنوان داده شده و اعلامیه مزبور مربوط به بند ۲ از ماده ۳۶ اساسنامه دیوان است تلقی گردد .

۱۴ - عهدنامه‌ها و قرار دادهاییکه ایران را باعطای معامله دولت کامله الوداد در باره انگلیس مکلف میسازد ( عهد نامه هائیکه در بند الف از ردیف ۱۳ بالا اشاره شده ) بشرح زیر میباشند :

الف - معاهده منعقدہ در پاریس بین انگلستان و ایران مورخ ۴ مارس ۱۸۵۷ که ماده ۹ آن مقرر میدارد :

طرفین متعاهد موافقت نمودند که برقراری و شناسائی سر کنسولها - کنسولها نایب کنسولها و نمایندگان کنسولی هر یک از طرفین در خاک طرف دیگر با موقعیت دولت کامله الوداد استقرار خواهد یافت.

معامله ای که در باره اتباع مربوطه و منافع بازرگانی آنان اعطاء میشود نیز از هر حیث عین معامله ای خواهد بود که اتباع و منافع بازرگانی دولت کامله الوداد از آن بهره مند میشوند .

ب - قرارداد بازرگانی منعقدہ در تهران بین انگلیس و ایران بتاريخ ۹ فوریه ۱۹۰۳ که ماده ۲ آن میگوید :

صریحاً مقرر میشود که اتباع و واردات انگلیس در ایران و همچنین اتباع و واردات ایران در امپراطوری انگلیس کماکان از کلیه جهات از رژیم دولت کامله الوداد خواهد بود -

۱۵ - معاهده اتیکه ایران را متعهد میسازد که نسبت با اتباع پاره از کشور های دیگر بر طبق حقوق بین الملل رفتار نماید ( چنانچه در بند الف از ردیف ۱۳ فوق اشاره شده ) مشتمل بر مضامین ذیل میباشند :

الف - عهدنامه مودت و اقامت منعقدہ در تهران بین ایران و مصر مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۲۸ که ماده ۴ آن مقرر میدارد که اتباع هر یک از طرفین متعاهد در مورد شخص خود و اموال و حقوق و منافع خود از دائمی ترین حمایت و امنیت بر طبق عمومی بین الملل برخوردار خواهند شد.

ب - عهدنامه اقامت منعقدہ در تهران بین ایران و بلژیک بتاريخ ۹ مه ۱۹۲۹ که ماده يك آن چنین مقرر میدارد :

اتباع هر یک از طرفین متعاهد در خاک طرف دیگر از حیث شخص و اموال خود مطابق حقوق عمومی بین الملل پذیرفته با آنها رفتار خواهد شد و در آنجا از دائمی ترین حمایت قوانین و مقامات محلی در مورد شخص خود و اموال و حقوق و منافع خود برخوردار خواهند بود .

ج - عهدنامه اقامت منعقدہ در تهران بین ایران و چکوسلواکی در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۳۰ که ماده یک آن مقرر میدارد: اتباع هریک از دولتین متعاقد در خاک دولت دیگر از حیث شخص و اموال خود بر طبق اصول و معمول حقوق عمومی بین المللی پذیرفته و با آنها رفتار خواهد شد و از دائمی ترین حمایت قوانین و مقامات محلی در مورد شخص و اموال و حقوق و منافع خود برخوردار خواهند شد.

د - قرار داد مودت و اقامت بازرگانی منعقدہ در تهران بین ایران و دانمارک در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۹۳۴ که ماده چهار آن مقرر میدارد که: اتباع هریک از طرفین متعاقد در خاک طرف دیگر از حیث شخص و اموال خود طبق اصول معمول حقوق عمومی بین المللی پذیرفته و با آنها رفتار خواهد شد و در آن کشور از دائمی ترین حمایت قوانین و مقامات محلی در مورد شخص و اموال و حقوق و منافع خود برخوردار خواهند گردید.

ه - قرار داد اقامت منعقدہ بین ایران و سوئیس در برن بتاريخ ۲۵ آوریل ۱۹۳۴ که ماده یک آن مقرر میدارد که: اتباع هریک از طرفین متعاقد در خاک دولت دیگر از حیث شخص و اموال خود طبق اصول معمول حقوق عمومی بین المللی پذیرفته و با آنها رفتار خواهد شد و در آنجا از دائمی ترین حمایت قوانین و مقامات محلی در مورد شخص و اموال و حقوق و منافع خود برخوردار خواهند شد.

و - قرار داد اقامت منعقدہ در تهران بین ایران و آلمان بتاريخ ۷ فوریه ۱۹۲۹ که ماده یک آن مقرر میدارد که اتباع هریک از دولتین متعاقد در خاک دولت دیگر از حیث شخص و اموال خود طبق اصول و معمول حقوق عمومی بین المللی پذیرفته و با آنها رفتار خواهد شد و در آنجا از دائمی ترین حمایت قوانین و مقامات محلی در مورد شخص و اموال و حقوق و منافع خود برخوردار خواهند شد.

ز - قرار داد اقامت منعقدہ در تهران بین ایران و ترکیه بتاريخ ۱۴ مارس ۱۹۳۷ که ماده یک آن مقرر میدارد که: اتباع هریک از طرفین متعاقد در خاک دولت دیگر از حیث شخص و اموال خود طبق حقوق عمومی بین المللی پذیرفته و با آنها رفتار خواهد شد و در آنجا از دائمی ترین حمایت قوانین و مقامات محلی در مورد شخص و اموال و حقوق و منافع خود برخوردار خواهند شد.

ح - یادداشت های متبادله بین ایران و آمریکا راجع بطرز موقت درباره مودت و روابط بازرگانی بتاريخ ۱۴ مه ۱۹۲۸ که ضمن آن وزیر امور خارجه وقت ایران اعلام داشته است که از تاریخ ۱۰ مه ۱۹۲۸ اتباع کشورهای متحده آمریکا در ایران طبق قواعد و معمول حقوق عمومی بین المللی و بر اساس معامله متقابله کامل پذیرفته شده و با آنها رفتار خواهد شد.

ط - یادداشت های متبادله بین ایران و هلند راجع به برقراری طرز عمل موقت در باره مودت و روابط بازرگانی بتاريخ ۲۰ ژوئن ۱۹۲۸ که ضمن آن وزیر امور خارجه وقت ایران اعلام داشته است که اتباع هلند در کشور ایران مطابق قواعد و معمول حقوق عمومی بین المللی پذیرفته و با آنها رفتار خواهد شد.



ی - یادداشت‌های متبادله بین ایران و ایتالی راجع به برقراری طرز عمل موقت در باره تجارت و قضاوت بتاريخ ۲۵ ژوئن ۱۹۲۸ که ضمن آن وزیر امور خارجه وقت ایران اعلام داشته است که اتباع ایتالی در خاک ایران طبق قواعد و معمول حقوق عمومی بین الملل بر اساس معامله متقابله کامل پذیرفته شده و با آنان رفتار خواهد شد .

۱۶ - بطوریکه از بندهای ۱۴ و ۱۵ بالا مستفاد میگردد ایران معاهدات و قراردادهائی منعقد ساخته است که آنرا مقید میسازد نسبت باتباع انگلیس همان طرز رفتاری را قائل شود که نسبت باتباع دولت کامله الوداد مرعی میدارد و همچنین معاهدات و قراردادهائی منعقد ساخته است که آنرا متعهد میسازد باتباع بسیاری از کشورهای دیگر طبق اصول حقوق بین الملل رفتار نماید بنابر این بعقیده دولت انگلستان نتیجه چنین میشود که ایران معاهداتی منعقد ساخته است که آنرا موظف میسازد با اتباع انگلیس موافق اصول حقوق بین الملل رفتار نماید .

۱۷ - بطوریکه در بند ب از ردیف ۱۳ بالا اشعار شده يك تعهد مستقیم قراردادی نیز وجود دارد که دولت شاهنشاهی ایران را ملزم میسازد با اتباع انگلیس طبق اصول حقوق بین الملل رفتار کند و این مسئله ناشی از تعهدی است که دولت شاهنشاهی ایران بوسیله تبادل یادداشت بین خود و دولت انگلیس بتاريخ ۱۰ مه ۱۹۲۸ راجع به الغاء کاپیتولاسیون در ایران برعهده گرفته و یادداشت‌های مزبور مشعر بر این است که من بعد اتباع انگلیس در ایران طبق قوانین و معمول حقوق عمومی بین الملل در خاک ایران پذیرفته شده و با آنها رفتار خواهد شد .

۱۸ - بطوریکه در ردیف ۹ بالا اشعار گردیده استنتاج دولت انگلیس بر این است که دولت شاهنشاهی ایران نسبت به شرکت نفت انگلیس و ایران که شرکت تابع انگلیس است بطرزی رفتار نموده که منطبق با اصول حقوق بین الملل نمیباشد . این طرز رفتار نه فقط تخلف از قوانین و حقوق متداوله بین الملل میباشد بلکه تخلف از تعهداتی نیز هست که دولت نامبرده بموجب قراردادهای برعهده گرفته است . (مراجعه شود به ردیف های ۱۴ الی ۱۷ بالا )

نتیجه چنین میشود که برطبق متن اعلامیه ای که دولت ایران در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۲ بدبیرخانه مجمع اتفاق ملل سپرده و بموجب آن حق قضاوت دیوان دائمی دادگستری بین المللی را طبق بند ۲ از ماده ۳۶ اساسنامه آن دیوان قبول نموده دولت ایران مکلف است بقضاوت دیوان بین المللی دادگستری در این قضیه تسلیم شود .

۱۹ - بنابدلائلی که در ردیف های ۱۱ تا ۱۸ بالا ذکر شده عقیده دولت انگلیس این است که بر اثر اعلامیه مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۲ که توسط دولت شاهنشاهی ایران بدبیرخانه مجمع اتفاق ملل تسلیم شده دیوان برطبق بند ۲ از ماده ۳۶ اساسنامه خود اعمال قضاوت در این قضیه دارد .

۲۰ - مضافاً باینکه خواه دیوان بموجب مفاد اعلامیه دولت شاهنشاهی ایران حق قضاوت در این قضیه داشته باشد یا نداشته باشد دولت انگلیس مطمئن است که ایران بعنوان عضو سازمان ملل متحد که یکی از مقاصد آن عملی ساختن رسیدگی و تصفیه اختلافات یا وضعیت های بین المللی که ممکن است منجر به قطع صلح گردد ( بند یک از ماده اول منشور ) از طریق وسایل مسالمت آمیز طبق اصول عدالت و حقوق بین الملل می باشد و باتوجه باین اصل که اختلافات حقوقی باید بطور کلی توسط طرفین مطابق مقررات اساسنامه دیوان ( بند ۳ از ماده ۳۶ منشور ) بدیوان دادگستری بین المللی ارجاع شود داوطلبانه قبول خواهد کرد که در مقابل دیوان حضور یابد تا دلایل دولت انگلیس در ماهیت امر مورد بررسی متقابل قرار گیرد .

فوروم پروروکاتم - قضیه تنگه کورفو ( ایراد متدمائی )

حکم مورخ ۲۵ مارس ۱۹۴۸ - مجموعه ۱۹۴۷ ( صفحه ۲۷ )

اتخاذ این روش خاصه از این جهت بردوات شاهنشاهی ایران فرض است که اختلاف بمیزان زیادی مربوط بقرداد منقده مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران میباشد که ضمن آن قرارداد طرفین اعلام داشته اند که « اجرای قرارداد حاضر را بر اصول متقابل حسن نیت و صداقت مبتنی میدارند »

### نوع درخواست

۲۱ - بنابراین دولت انگلیس از دیوان درخواست می نماید که طبق بند ۲ از ماده ۴۰ اساسنامه خود عرضحال حاضر را بدولت شاهنشاهی ایران ابلاغ کند و پس از استماع دعاوی طرفین :

الف - اعلام دارد که دولت شاهنشاهی ایران موظف است اختلاف حاصله بین خود و شرکت نفت ایران و انگلیس را طبق ماده ۲۶ قرارداد منقده در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران بدآوری ارجاع نماید و هر رأی را که در نتیجه این داوری صادر شود قبول و اجرا کند .

ب - مضافاً :

۱ - اعلام دارد که اجرای قانون ایران راجع بملی شدن نفت مورخ اول مه ۱۹۵۱ از آنجائی که موضوع قانون مزبور برخلاف مواد ۲۱ و ۲۶ قرارداد مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ منقده بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران عبارت از الغاء یا تغییر یک جانبه مفاد قرارداد نامبرده است عملی برخلاف حقوق بین الملل می باشد و برای دولت شاهنشاهی ایران ایجاد مسئولیت بین المللی مینماید .

۲ - اعلام دارد که ماده ۲۲ قرارداد مزبور کماکان از نظر حقوقی برای دولت شاهنشاهی ایران الزام آور است و یا انکار استفاده جهت شرکت نفت ایران و انگلیس از یگانه راه مراجعه که در ماده ۲۲ قرارداد فوق الذکر پیش بینی شده دولت شاهنشاهی ایران برخلاف حقوق بین الملل مرتکب استنکاف از دادرسی شده است .

۳ - اعلام دارد که دولت ایران نمیتواند قانوناً قرار داد فوق‌الذکر را ملغی نموده یا شرایط آن را تغییر دهد مگر از طریق تراضی یا موافقت شرکت نفت انگلیس و ایران و یا طبق شرایط مقرر در ماده ۲۶ قرارداد .

۴ - بگوید و قضاوت کند که دولت شاهنشاهی ایران در مقابل کلیه اعمالی که نسبت به شرکت نفت ایران و انگلیس معایر با حقوق بین‌الملل یا قرارداد مذکور مرتکب گردیده باید استرضای کامل شرکت را فراهم ساخته و از عهده غرامت برآید و ضمناً معلوم نماید که این استرضای و غرامت بچه طریق باید اعطاء شود .

۲۲ - دولت انگلیس این حق را برای خود محفوظ میدارد که طبق ماده ۴۱ اساسنامه دیوان تقاضا کند کلیه اقدامات تأمینی جهت حفظ حقوق دولت انگلیس تعیین گردد تا تبمه یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران استفاده از حقوقی را که بموجب مفاد قرارداد مذکور متعلق باوست حفظ کند .

۲۳ - امضاءکننده ذیل از طرف دولت انگلیس بسمت عامل آن دولت در این قضیه تعیین شده است .

با تقدیم احترامات امضاء اربک بکت  
مشاور حقوقی وزارت امور خارجه انگلستان

- ضمائم مذکور در عرضحال بشرح ذیل است که به ترتیب پیوست میباشد :
- الف - پیمان مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ ( ۷ خرداد ۱۳۱۲ ) بین دولت شاهنشاهی و شرکت سابق نفت انگلیس و ایران .
- ب - نامه مورخ ۲۸ آوریل ۱۹۵۱ ( ۳۰/۲/۷ ) نماینده شرکت سابق نفت انگلیس و ایران در تهران به نخست وزیر ایران .
- ج - متن قانون مورخ اول مه ۱۹۵۱ ( ۳۰/۲/۱۰ ) راجع به ملی شدن نفت در سراسر کشور .
- د - نامه مورخ ۸ مه ۱۹۵۱ ( ۳۰/۲/۱۷ ) نماینده شرکت سابق نفت انگلیس و ایران به نخست وزیر ایران .
- ه - نامه مورخ ۲۰ مه ۱۹۵۱ ( ۳۰/۲/۲۹ ) وزیر دارایی ایران بنماینده شرکت سابق نفت انگلیس و ایران .
- و - یادداشت مورخ ۱۹ مه ۱۹۵۱ ( ۳۰/۲/۲۸ ) سفیر کبیر دولت پادشاهی انگلیس به نخست وزیر ایران .
- ز - نامه مورخ ۲۴ مه ۱۹۵۱ ( ۳۰/۳/۲ ) وزیر دارایی ایران بنماینده شرکت سابق نفت انگلیس و ایران .

موافقت نامه بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران محدود  
منعقد در تهران بتاريخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳

#### مقدمه

بقصد برقرار کردن امتیاز جدیدی بجای امتیازی که در تاریخ ۱۹۰۱ به ویلیام  
نکس داریسی داده شده بود این امتیاز را دولت ایران اعطاء و کمپانی نفت انگلیس  
و ایران محدود آنرا قبول مینماید .

#### تعاریفات

بعضی اصطلاحات مستعمله در این قرار داد قطع نظر از هر معنی دیگری که  
ممکن است در حال یا در آتی در موارد دیگر داشته باشد در این قرار داد مطابق  
تعاریفات ذیل معنی خواهد شد .

#### دولت

یعنی دولت شاهنشاهی ایران .

#### کمپانی

یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران محدود و تمام شرکتهای تابعه آن .

#### شرکت نفت انگلیس و ایران محدود

یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران محدود یا هر شخص حقوقی دیگری که با  
تصویب دولت ایران مطابق ماده ۲۶ این امتیاز بدو منتقل شود .

#### شرکت تابعه

یعنی هر شرکتی که در آن کمپانی حق تعیین بیش از نصف مدیران را مستقیماً  
یا غیر مستقیم داشته باشد و یا آنکه در آن شرکت بطور مستقیم و یا غیر مستقیم مالک  
یک مقدار سهام باشد که بیش از پنجاه درصد حق رأی در مجمع عمومی شرکت مزبور  
را برای کمپانی تضمین نماید .

#### نفت

یعنی روغن نفت خام و گازهای طبیعی و قیرها (اسفالتها) و مومهای طبیعی  
و تمام مشتقات دیگری که یا از مواد مذکور حاصل میشود و یا بوسیله اختلاط و امتزاج

این مواد ب مواد دیگری بدست می آید .

### عملیات کمپانی در ایران

یعنی تمام عملیات صنعتی و تجارتي و فنی که کمپانی منحصرأ برای اجرای این امتیاز انجام میدهد .

### ماده اول

دولت بر طبق مقررات این امتیاز حق مانع المغير تفحص واستخراج نفت را در حدود حوزه امتیاز به کمپانی اعطاء می کند و همچنین حق انحصاری تصفیه و هر نوع عملی را در نفتی که خود تحصیل کرده و تهیه آن برای تجارت خواهد داشت و همچنین دولت در تمام وسعت خاک ایران به کمپانی حق غیر انحصاری حمل و نقل نفت و تصفیه و هر نوع عملی در آن و تهیه آن برای تجارت و همچنین فروش آن در ایران و صادر کردن آنرا اعطاء می نماید .

### ماده دوم

الف - حدود حوزه امتیاز تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ عبارت خواهد بود از حوزه که واقع است در جنوب خط بنفشی که در روی نقشه که طرفین امضاء کرده و ملزم بقرارداد است رسم شده است .

ب - کمپانی باید منتهی تا ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ در حوزه مذکور در فوق یک یا چندین قطعه زمین را بهر شکل و وسعتی و در هر نقطه که مقتضی می داند انتخاب نماید . مجموع سطح یک یا چند قطعه که انتخاب شده باشد نباید از یکصد هزار میل مربع انگلیسی ( ۱۰۰۰۰۰ میل مربع ) تجاوز نماید - هر میل ساده مطابق است یا یک هزار و ششصد و نه متر .

کمپانی در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ یا قبل از آن یک قطعه یا قطعانی را که بطریق فوق انتخاب کرده کتبا بدولت اطلاع خواهد داد .

بهر اطلاعات و نقشه ها و اطلاعات لازمه برای تشخیص و تجدید قطعه یا قطعات منتخبه از طرف کمپانی ضمیمه خواهد شد .

ج - بعد از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ کمپانی دیگر حق تفحص و استخراج نفت را جز در قطعه یا قطعاتی که مطابق بند ( B ) ( ب ) فوق انتخاب کرده است نخواهد داشت و حوزه امتیاز بعد از این تاریخ عبارت خواهد بود از قطعه یا قطعاتی که بدین طریق انتخاب گردیده و از انتخاب آنها نیز بترتیب مذکور در فوق

بدولت اطلاع داده شده باشد .

### ماده سوم

کمپانی حق غیر انحصاری ساختن و داشتن لوله‌های حمل نفت را خواهد داشت . کمپانی در تعیین محل سیر لوله‌های نفت خود و بکار انداختن آنها مختار است .

### ماده چهارم

الف - هر زمین بایر متعلق بدولت که کمپانی برای عملیات خود در ایران لازم بداند و از برای مقاصد عمومی مورد احتیاج دولت نباشد، می‌تواند بکمپانی واگذار خواهد شد . طریقه تحصیل اراضی مذکور بترتیب ذیل خواهد بود .

هر وقت قطعه از اراضی مذکور مورد احتیاج کمپانی واقع می‌شود باید کمپانی یک یا چندین نقشه که در روی آن زمین مورد احتیاج با رنگ آمیزی مشخص گردیده باشد بوزارت مالیه ارسال بدارد .

دولت در صورتیکه اعتراض نداشته باشد متعهد می‌شود که در ظرف ۳ ماه از تاریخ وصول تقاضای کمپانی موافقت خود را اظهار بدارد .

ب - اراضی دایر متعلق بدولت را که کمپانی احتیاج پیدا میکند بطریقی که در جزء قبل مذکور است از دولت تقاضا خواهد کرد و دولت در ظرف سه ماه موافقت خود را در مقابل تقاضای کمپانی دایر بفروش آن اراضی اشعار خواهد داشت در صورتیکه دولت اعتراضی و احتیاجی باراضی مزبوره نداشته باشد .

قیمت این اراضی را کمپانی تادیه خواهد کرد - قیمت مزبور باید عادلانه باشد و از قیمت متعارفی اراضی که از همان نوع بوده و همان مصرف را داشته و در همان حوزه واقع شده باشد نباید تجاوز نماید .

ج - در صورتیکه دولت در مقابل تقاضاهای پیش بینی شده در جزوهای ( A و B ) ( الف و ب ) مذکور در فوق جوابی ندهد پس از انقضای دو ماه از تاریخ وصول تقاضاهای مزبور کمپانی تذکرنامه جدیدی بدولت خواهد فرستاد چنانچه تذکرنامه مزبور نیز در ظرف یکماه از تاریخ وصول جوابی داده نشود سکوت دولت بمنزله تصویب تلقی خواهد گردید .

د - اراضی را که متعلق بدولت نیست و برای کمپانی لازم باشد با توافق با صاحبان اراضی مزبور و با توسط دولت کمپانی تحصیل خواهد کرد در صورت عدم حصول موافقت در قیمت دولت به صاحبان اراضی مزبور اجازه نخواهد داد که بیشتر از نرخ متعارفی اراضی متشابه مجاور مطالبه نمایند . برای تقویم اراضی مذکور منظوری که کمپانی از مصرف آنها دارد مأخذ قرار داده می‌شود .

ه - اماکن مقدسه و ابنیه تاریخی و محلهایی که جنبه تاریخی دارند و همچنین توابع آنها تا دوپست متر مسافت از مقررات مذکوره مستثنی هستند .

و - کمپانی حق غیر انحصاری خواهد داشت که فقط در حوزه امتیازی نه‌جای دیگر و از هر زمین بایر متعلق بدولت برای مصرف عملیات خود از هر نوع خاک و شن و آهک و سنک گچ و سنک و مصالح ساختمانی دیگر مجاناً استفاده نماید .  
مسلم است که اگر استفاده از مواد مذکوره موجب ضرر شخص ثالثی باشد باید کمپانی جبران خسارات ذوی‌الحقوق را بنماید .

### ماده پنجم

عملیات کمپانی در ایران بطریق ذیل محدود میشود :

۱ - ساختمان هر خط آهن و هر بندر جدیدی موکول بحصول موافقت قبلی بین دولت و کمپانی خواهد بود .

۲ - اگر کمپانی توسعه ارتباط تلفنی و تلگرافی و تلگراف بی سیم و هواپیمائی فعلی خود را در نظر داشته باشد قبل از تحصیل اجازه دولت در این خصوص اقدامی نمیتواند بکند .

اگر دولت برای دفاع ملی یا در موقع یش آمده‌های فوق العاده دیگری احتیاج بوسائط نقلیه و وسائل ارتباطیه کمپانی پیدا کند تعهد مینماید حتی‌الامکان کمتر موجب تضییق عملیات کمپانی بشود و نیز خساراتی را که از این حیث متوجه کمپانی میگردد بطور حقانیت جبران نماید .

### ماده ششم

الف - کمپانی مجاز است که بدون تحصیل جواز مخصوصی آنچه را که منحصرأ برای مصرف اعضاء و مستخدمین خود لازم دارد وارد نموده و حقوق گمرکی و مالیات های معمولی حین ورود را پردازد .

کمپانی تدابیر لازم را اتخاذ خواهد نمود که اجناس وارده باشخصی غیر مستخدمین خودش فروخته یا واگذار نگردد .

ب - کمپانی بدون تحصیل جواز مخصوصی حق خواهد داشت که لوازم و مصالح و آلات طبی و جراحی و ادویه را که برای مریضخانها و مطب‌های خود در ایران لازم دارد وارد نماید و اشیاء و اجناس مذکوره در موقع ورود از تأدیه حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی معاف خواهد بود .

ج - بدون تحصیل هیچگونه جوازی و بدون پرداخت هیچ نوع حقوق گمرکی و مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی کمپانی حق خواهد داشت آنچه را که منحصرأ برای عملیات خود در ایران لازم دارد وارد نماید .

و - صادرات نفطی از پرداخت حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض به

دولت و ادارات محلی معاف خواهد بود .

### ماده هفتم

الف — کمپانی و مستخدمینش از حمایت قانونی دولت بهره‌مند خواهند بود .  
 ب — دولت در حدود قوانین و مقررات مملکتی همه نوع تسهیلات مسکنه را برای عملیات کمپانی می‌ذول خواهد داشت .  
 ج — هر گاه دولت در حوزه امتیازیه باشخاص دیگری امتیازاتی برای بکار انداختن سایر معادن اعطاء کند باید و اداری نماید که احتیاطات لازمه را بعمل آورند که عملیات آنها بمؤسسات و عملیات کمپانی خسارتی وارد نسازد .  
 د — کمپانی مکلف است منطقه را که برای ساختن خانه و دکاکین و سایر بناهای دیگر خطرناک است تعیین کند تا دولت بتواند اهالی را مسبوق و از سکونت در آن محل منع نماید .

### ماده هشتم

کمپانی ملزم نخواهد شد که هیچ قسمتی از وجوه خود و مخصوصاً عواید حاصله از فروش صادرات خود را بیول ایرانی تبدیل نماید .  
 کمپانی فوراً تدارکات خود را خواهد دید که بوسیله یک کمپانی فرعی استخراج نفت ایالت کرمانشاه را شروع و در محل تصفیه نماید .

### ماده نهم

الف — مبالغی که بر حسب این قرار داد از طرف کمپانی باید بدولت تأدییه شود ( علاوه بر مبالغی که در موارد دیگر پیش بینی شده ) به شرح ذیل تعیین میگردد:  
 الف — حق الامتیاز سالیانه که از اول ژانویه ۱۹۳۳ شروع میشود به مبلغ چهار شلینگ برای هر تن نفتی که برای مصرف داخلی در ایران بفروش برسد و یا از ایران صادر شود .

ب — پرداخت مبلغی معادل با بیست در صد  $20\%$  آنچه اضافه بر ۶۷۱۷۲۵۰ لیره بصاحبان سهام عادی کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود توزیع میگردد خواه این توزیع بعنوان سهم منافع ( dividende ) یکی از سنوات بوده یا از وجوه ذخیره همان کمپانی که اضافه بر ذخائری که در ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ بموجب دفاتر خود موجود داشته باشد .

ج — مجموع مبالغی که برای هر سال مسیحی بر حسب جزء های ( الف ) و ( ب ) از طرف کمپانی بدولت ایران تأدییه میشود نباید هرگز از هفتصد و پنجاه هزار لیره استرلینگ ( ۷۵۰۰۰۰ لیره استرلینگ ) کمتر باشد .

۲ — تأدییه وجوه مذکور در این مساده از طرف کمپانی بطریق ذیل بعمل

خواهد آمد :



الف — ۳۱ مارس و ۳۰ ژون و ۳۰ سپتامبر و ۳۱ دسامبر هر سال هر دفعه مبلغ یکصد و هشتاد و هفت هزار و پانصد لیره استرلینک ( تأدییه مربوط به ۳۱ مارس ۱۹۳۳ فوراً پس از تصویب این قرارداد بعمل خواهد آمد ) .

ب — در تاریخ بیست و هشتم فوریه ۱۹۳۴ و منبمد در همین تاریخ در هر سال حق الامتیاز مربوط به سال قبل بابت هر تن نفت بر حسب جزء ( ۱ الف ) پس از وضع مبلغ هفتصد و پنجاه هزار لیره استرلینک ( ۷۵۰۰۰۰ لیره استرلینک ) که مطابق جزء ( ۱ الف ) پس از وضع مبلغ هفتصد و پنجاه هزار لیره استرلینک ( ۷۵۰۰۰۰ لیره استرلینک ) صککه مطابق جزء ( ۲ الف ) قبلاً تأدییه گردیده است .

ج — مبالغ لازم التأدییه بدولت بر حسب جزء ( ۱ ب ) این ماده در موقع تقسیم منافع بسهم عادی پرداخته خواهد شد .

۳ — در موقع انقضای این امتیاز و همچنین در صورت ترك آن از طرف کپانی مطابق ماده ( ۲۵ ) کپانی مبلغی مساوی بیست درصد ( ۲۰٪ ) از بابت‌های ذیل را به دولت ایران تأدییه خواهد کرد .

الف — از تفاضل بین مبالغ کل ذخائری General reserve که کپانی مذکور در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ موجود داشته است .

ب — از تفاضل بین مبالغ موجودی که از طرف کپانی نفت انگلیس و ایران محدود در تاریخ انقضاء یا ترك امتیاز بحساب منقول میشود و موجودیهای که در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ از طرف کپانی مزبور بحساب منقول گردیده است .

پرداخت وجوه لازم التأدییه بدولت بر حسب این جزو یکماه بعد از تاریخ تشکیل مجمع عمومی کپانی که پس از انقضای یا ترك امتیاز تشکیل می شود انجام خواهد گرفت .

۴ — دولت حق خواهد داشت که محاسبات مربوط بجزو ( ۱ الف ) را که منتهی تا ۶۸ فوریه هر سال بابت سال گذشته فرستاده میشود تقشیش و رسیدگی نماید .

۵ — برای جلوگیری از امکان توجه ضرر بدولت در موقع ترقی و تنزل قیمت پول انگلیس طرفین بشرح ذیل توافق حاصل نمودند :

الف — هر گاه موقعی قیمت طلا در لندن از شش لیره استرلینک ( ۶ لیره استرلینک در مقابل يك اونس تروی ( ounce troy ) تجاوز نماید برای هر بنی ( penny ) که علاوه بر شش لیره استرلینک در مقابل يك اونس تروی ( ounce troy ) در روز پرداخت قیمت طلا ترقی نماید بر کلیه مبالغ لازم التأدییه بدولت از طرف کپانی بموجب این قرارداد ( باستثنای مبالغی که بر حسب جزوهای ۱ ب ) و ۳ الف و ب ) از ماده ۲۳ باید بدولت برسد ) بیزان يك هزار و چهارصد و چهلم (  $\frac{1}{1440}$  ) مبالغ مزبوره افزوده خواهد گردید .

ب — هر گاه موقعی دولت تصور کرد باینکه دیگر طلا مبنای عمومی قیمت‌ها و معاملات نیست و طریق تأدییه‌های مذکور در فوق تضمینی را که منظور طرفین است برای

دولت فراهم ننمایند طرفین موافقت مینمایند که وضعیت تضمین مزبور را تغییر دهند و در صورت عدم حصول موافقت قضیه مطابق ماده ۲۲ بحکمیت ارجاع خواهد شد و شرایطی را که باید جانشین تضمین مذکور گردد معین و تاریخ اجرای آن را نیز معلوم خواهد نمود.

۶- هرگاه در پرداخت مبالغ لازم التادیه بدولت مطابق تاریخهای مقرر در این قرارداد اتفاقاً از ناحیه کمپانی تأخیر بعمل آید برای مدت تأخیر از قرار پنج درصد در سال فرع وجوه مزبوره را کمپانی خواهد پرداخت.

### ماده یازدهم

۱- کمپانی برای مدت سی سال اول عملیات خود در ایران از پرداخت هر گونه مالیاتی که بفتح دولت و ادارات محلی فعلاً برقرار و یا درآتی وضع میشود معاف خواهد بود و در عوض مبالغ ذیل را بدولت تأدیه خواهد نمود:

الف- در مدت پانزده سال اول این قرارداد با تاریخ ۲۸ فوریه هر سال و برای اولین مرتبه در ۲۸ فوریه ۱۹۶۴ نه پنس بابت هر تن از شش میلیون تن ( ۶/۰۰۰/۰۰۰ تن ) هفتی که بابت سنه گذشته مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزو ( ۱ الف ) از ماده ( ۱۰ ) میگردد و شش پنس بابت هر تن نفت اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد نمود.

ب- کمپانی تأمین میکند مبالغی را که برطبق جزوهای فوق الذکر تأدیه مینماید هیچوقت از مبلغ دو بیست و بیست و پنج هزار لیبره استرلینگ ( ۲۲۵۰۰۰ لیبره استرلینگ ) کمتر نباشد.

ج- در مدت پانزده سال بعد یک شلینگ بابت هر تن از شش میلیون تن ( ۶/۰۰۰/۰۰۰ تن ) هفتی که بابت سنه گذشته مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزو ( الف ) از ماده ( ۱۰ ) میگردد و نه پنس بابت هر تن نفت اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد نمود.

د- کمپانی تضمین میکند مبالغی را که برطبق جزو ( ج ) ماقبل تأدیه مینماید هیچوقت از سیصد هزار لیبره استرلینگ ( ۳۰۰/۰۰۰ استرلینگ ) کمتر نباشد.

۲- قبل از سنه ۱۹۶۳ راجع به میزان مبالغی که کمپانی در ازای معافیت کامل عملیات خود در ایران از پرداخت هر گونه مالیاتی بفتح دولت و با ادارات محلی در مدت سی سال دوم که منتهی به سنه ۱۹۹۳ میشود باید پردازد طرفین توافق نظر حاصل خواهد نمود.

### ماده دوازدهم

الف- کمپانی راجع به عملیاتی که مطابق این قرارداد در ایران مینماید جمیع وسایل معمول و مناسب را برای تأمین صرفه جوئی و استفاده کامل از عملیات خود و برای

حفظ مخازن تحت الارضی نفت و برای استفاده از امتیاز خود بطرزیکه مطابق آخرین ترقیات علمی وقت باشد بکار خواهد برد .

ب- هرگاه درحوزه امتیاز غیر از نفت سایر مواد معدنی ویشه‌ها و جنگلهای متعلق بدولت موجود باشد کمپانی نمیتواند آنها را بکار انداخته و استفاده نماید و یا مانع عملیات و استفاده دیگران بشود ( مشروط براینکه مقررات جزو (ج) از ماده (۷) رعایت شود )

ولی در صورتیکه مواد معدنی ویشه و جنگلهای مذکور برای تجسس و استخراج نفت لازم باشد کمپانی حق استفاده از آنها را خواهد داشت .  
ج - کلبه حفریاتیکه منجر بکشف نفت نگشته و آب و یا مواد قیمتی دیگر در آن پیدا میشود باید برای دولت حفظ شود و فوراً کمپانی دولت را از کشفیات مزبور مطلع سازد و دولت هرچه زودتر ممکن باشد بکمپانی تمایل خود را نسبت به تصرف حفریات مزبور اعلام خواهد داشت در صورت تصرف آنها دولت مراقبت خواهد کرد که مانع عملیات کمپانی نشود .

#### ماده سیزدهم

کمپانی تعهد می نماید که بخرج خود و در يك مدت مناسبی هر موقعی که نماینده دولت تقاضا میکند سواد های صحیح از تمام طرحها و نقشه ها و رسم ها و سایر مدارك و اسناد راجع بوضعیت سطح الارضی و طبقات الارضی و حفر چاهها مربوط به حوزه امتیازیه که موجود دارد بوزارت مالیه بدهد .  
بعلاوه در تمام مدت امتیاز کمپانی تمام اطلاعات مهم علمی و فنی را که از نتیجه عملیات خود در ایران بدست آورده بدولت ارسال خواهد داشت .  
تمام اسناد و مدارك مزبوره را دولت بعنوان محرمانه تلقی خواهد نمود .

#### ماده چهاردهم

الف - دولت بسبب خود در هر موقع مناسبی حق خواهد داشت امر به تفتیش عملیات فنی کمپانی در ایران نموده و برای اجرای این مقصود از اهل خیره و متخصصین فنی مأمورین بگمارد .  
ب - کمپانی تمام مدارك و اسناد مربوط به اطلاعات علمی و فنی و تمام مؤسسات و وسائل و آلات اندازه گرفتن استخراج نفت را در دسترس مأمورین خیره و متخصصین دولت خواهد گذارد بعلاوه مأمورین مزبور در تمام ادارات کمپانی و در تمام شاخك ایران حق تحصیل هرگونه اطلاعی را خواهند داشت .  
دولت حق تعیین يك نفر نماینده را خواهد داشت و نماینده مزبور ( مأمور دولت شاهنشاهی ) نامیده شده و اختیارات ذیل را خواهد داشت :

- ۱ - اطلاعاتی را که در حدود حق صاحبان سهام کمپانی است از کمپانی تحصیل نماید .
- ۲ - در تمام جلسات هیئت مدیره و کمیته های آن و در تمام جلسات مجمع عمومی که برای مذاکره در مسائل راجع بروابط دولت و کمپانی تشکیل شده باشد حضور بهم رساند .
- ۳ - کمیته را که کمپانی بقصد توزیع اعتبار مذکور در ماده (۱۶) و برای نظارت در تحصیل ایرانیان در لندن تشکیل میدهد بعنوان رسمی و با حق رأی قاطع ریاست نماید .
- ۴ - تقاضا نماید که جلسات مخصوص هیئت مدیره هر وقت که لازم بدانند برای مذاکره در مسائلی که دولت پیشنهاد مینماید تشکیل گردد جلسات مزبوره در مدت پانزده روز بعد از وصول تقاضای کتبی به منشی کمپانی تشکیل خواهد شد .
- کمپانی بابت حقوق و سایر مخارج نماینده مزبور سالیانه دو هزار لیره استرلینگ بدولت خواهد پرداخت .
- دولت کتباً کمپانی را از تعیین نماینده مزبور و یا جانشین او مطلع خواهد ساخت .

#### ماده شانزدهم

- ۱ - طرفین تصدیق دارند و قبول مینمایند که اصلی که مدار اجرای این قرارداد میباشد آنست که در منافع طریق حفظ حداعلاهی منتج بودن و صرفه جویی در اداره و عملیات کمپانی در ایران ضرورت عالی دارد .
- ۲ - مسام است که کمپانی صنعتگران و مستخدمین فنی و تجارتهی خود را باندازه که اشخاص ذیصلاحیت و با تجربه در ایران یافت شود و از اتباع ایران انتخاب خواهد کرد و این نیز مسلم است که مستخدمین غیر فنی کمپانی منحصرأ از اتباع ایران خواهند بود .
- ۳ - طرفین موافقت مینمایند در اینکه طرح عمومی مطالعه و تهیه نمایند که برطبق آن هر سال و مرتباً مستخدمین غیر ایرانی را تقلیل داده و بجای آنها بطورتصاعدی در کوتاه ترین مدت ممکن از اتباع ایرانی بگمارند .
- ۴ - کمپانی سالیانه مبلغ ده هزار لیره استرلینگ برای اینکه اتباع ایران در انگلستان علوم و فنون مربوط بصناعت نفت را فراگیرند تخصیص خواهد داد . اعتبار مذکور بوسیله يك کمیته که مطابق ماده ۱۵ تشکیل میشود بمصرف خواهد رسید .

#### ماده هفدهم

کمپانی تشکیلات و مخارج تأسیسات و تفتیش و اداره و وسائل صحیحی و صحت عمومی را مطابق جدیدترین طریقه حفظ الصحة معموله در ایران در تمام اراضی و ابنیه

و مساکن اعضاء و عملجات خود که در حوزه امتیازیه کار میکنند بدهنده میگردد .

#### ماده پنجم

هروقت کمپانی اسهام جدیدی برای عامه اشاعه میدهد باید دفاتر ثبت تقاضای اشتراك آرا در همان موقع که در سایر نقاط شروع میشود در تهران نیز برقرار نماید .

#### ماده نوزدهم

کمپانی برای احتیاجات داخلی ایران و از آنجمله احتیاجات دولت بنزین (mo or s irit) و نفت لاسپ (kerosene) و مازوت (fuel oil) که از نفت ایران حاصل میشود بر اساس ذیل خواهد فروخت :

الف - در اول ژوئن هر سال کمپانی معدل قیمت‌های (فوب) رومانی را راجع به بنزین و نفت لاسپ و مازوت و معدل قیمت های (فوب) خلیج مکزیک را راجع به هر يك از مواد مذکور نسبت به مدت دوازده ماه گذشته تا تاریخ ۳۰ آوریل معین خواهد کرد - نازلترین معدل‌های مذکور اختیار و «اساس قیمت‌ها» برای سالی که از اول ژوئن شروع میگردد قرار داده میشود \*

قیمت‌های اساسی بمنزله قیمت در تصفیه خانه تلقی میگردد \*

ب - کمپانی بنزین و نفت لاسپ و مازوت را بترتیب ذیل خواهد فروخت :

۱ - بدولت برای احتیاجات اختصاصی خودش ولی نه برای فروش بدیگران مطابق « قیمت‌های اساسی » مذکور در جزو (الف) فوق با تخفیف بیست و پنج درصد ( ۲۵٪ )

۲ - سایر مصرف کنندگان مطابق همان (قیمت‌های اساسی) با تخفیف ده درصد ( ۱۰٪ )

ج - کمپانی حق دارد که قیمت های اساسی مذکور در جزء (الف) مخارج حقیقی حمل و نقل و توزیع فروش و همچنین مالیات و عوارض موضوعه بر محصولات مزبور را بیفزاید \*

د - دولت صادر کردن محصولات نفتی را که مطابق مقررات فوق کمپانی فروخته است قدغن خواهد کرد .

#### ماده بیستم

۱ - (الف) در مدت ده سال آخر امتیاز و یا در فاصله دو سال پس از اطلاع قبلی که راجع بترك امتیاز مطابق ماده ۲۵ داده میشود کمپانی جز بشركت های تابع خود حق فروش یا انتقال يك یا چندین قسمت از اموال غیر منقول خود را که در ایران موجود است ندارد - در مدت‌های مذکور نیز کمپانی حق انتقال و خارج کردن هیچ قسمتی از اموال منقول خود را ندارد مگر آنکه اشیاء مزبوره از حیث انتقال افتاده باشد .

ب — در تمام مدت قبل از ده سال آخر امتیاز هیچ قطعه از اراضی را که کمپانی مجاناً از دولت تحصیل کرده است نمیتواند انتقال دهد و همچنین هیچیک از اموال منقول خود را نیز باستثنای آنچه غیر مفید و یا اینکه دیگر مورد احتیاج عملیات کمپانی در ایران نیست نمیتواند خارج نماید.

۲ — در موقع ختم امتیاز خواه این ختم بواسطه انقضای عادی مدت و یا بهر نحو دیگری پیش آمد کرده باشد تمام دارائی کمپانی در ایران بطور سالم و قابل استفاده بدون هیچ مخارج و قیدی متعلق بدولت ایران میگردد.

۳ — جمله (تمام دارائی) مشتمل است بر تمام اراضی و ابنیه و کارخانه ها و ساختمانها و چاهها و سدهای دریائی و راهها و لوله های نفت و پل ها و رشته تقب های فاضل آب و وسائل توزیع آب و ماشینها و موسسات و تجهیزات (از آنجمله آلات و ادوات) از هر قبیل و تمام وسائط نقلیه (مثلاً از قبیل اتومبیل و گاری و آئروپلان) و تمام اجناس انبار شده و سایر اشیائیکه کمپانی در ایران برای اجرای این امتیاز از آن استفاده مینماید.

#### ماده بیست و یکم

طرفین متعهد اعلام میدارند که اجرای این قرار داد مبنی بر اصول متقابل حسن نیت و صداقت و تفسیر معقول و متناسب این قرار داد باشد. کمپانی صریحاً تعهد مینماید که در هر وقت و در هر موقع حقوق و امتیازات و منافع دولت را در نظر داشته و اقدام به هیچ عملی و یا خود داری از عملی که موجب زیان دولت باشد ننماید.

این امتیاز را دولت لغو نخواهد کرد و مفاد مقررات آن در آتیه بوسیله هیچ قانون عمومی خصوصی و یا هیچیک از دستورات و نظامات اداری و یا عملیات مقامات اجرائیه قابل تغییر نخواهد بود.

#### ماده بیست و دوم

الف — هر قبیل از اختلافات حاصله بین طرفین و مخصوصاً اختلافات ناشی از تعبیر مدلول این امتیاز نامه و حقوق و مسئولیتهای مقرر در آن و همچنین هر اختلاف نظر در مواردی که بموجب این امتیاز نامه محتاج بتوافق نظر طرفین است به طریق حکمیت قطع و فصل خواهد شد.

ب — طرفی که تقاضای حکمیت میکند باید تقاضای خود را بطرف دیگر کتباً ابلاغ نماید. طرفین هر يك يك حکم معین نموده و حکمین قبل از شروع بحکمیت يك حکم ثالثی انتخاب خواهند کرد — هر گاه حکمین نتوانند در ظرف دو ماه نسبت بتعیین حکم ثالث توافق نظر حاصل نمایند حکم مزبور را بتقاضای یکی از طرفین رئیس دیوان داورى دائمى بين المللى تعیین خواهد نمود — چنانچه رئیس دیوان داورى

دائمی بین المللی از حیث ملیت و تابعیت مطابق جزو (ج) حائز شرایط لازمه برای تعیین حکم ثالث نباشد حکم ثالث بوسیله نایب رئیس دیوان مزبور معین خواهد شد .  
 ج - حکم ثالث باید از ملت ایران و یا انگلیس نباشد و بعلاوه ارتباط نزدیک نیز نه با ایران و نه با انگلیس از حیث تعلق بیکی از مستملکات یا ممالک تحت الحمايه و یا مستعمرات و ممالک تحت قیمومیت و مالکی که بوسیله یکی از مملکتین مذکور در فوق اداره و یا اشغال شده و یا مثل اینکه در خدمت یکی از ممالک مزبوره بوده و یا میباشد نداشته باشد .

د - اگر یکی از طرفین شصت روز بعد از وصول تقاضای حکمیت طرف مقابل حکم خود را معین نکرد و یا تعیین آنرا بطرف دیگر ابلاغ ننماید طرف مزبور حق خواهد داشت که از رئیس دیوان داوری دائمی بین المللی ( یا از نایب رئیس در موردیکه مطابق قسمت اخیر جزو (ب) پیش بینی گردیده ) تقاضا نماید که یک حکم منفرد ذیصلاحیت مطابق مقررات مذکور در فوق تعیین کند و در این صورت اختلاف موجود بوسیله حکم منفرد مزبور قطع و فصل خواهد گردید .

ه - اصول محاکمات در حکمیت مطابق همان اصولی خواهد بود که در موقع حکمیت در دیوان داوری دائمی بین المللی معمول و مجری است .  
 وقت و محل حکمیت را بر حسب مورد حکم ثالث یا حکم منفرد مذکور در جزه (۵) معین خواهد کرد .

و - حکم حکمیت مستند بر اصول قضائی مذکور در ماده ۱۳۸ سالنامه دیوان داوری دائمی بین المللی بوده و قابل تجدید نظر نخواهد بود .  
 ز - مخارج حکمیت بنحویکه در رأی حکمیت معین می شود تأدیه خواهد گردید .

### ماده بیست و سوم

۱ - از برای تصفیه کلی تمام دعاوی گذشته دولت از هر قبیل تا تاریخ اجرای این قرارداد ( باستثنای آنچه مربوط بمالیاتهای ایران است ) کمپانی بشرح ذیل اقدام میکند:  
 الف - بفاصله سی روز از تاریخ مذکور مبلغ یک میلیون لیره استرلینگ ( ۱/۰۰۰۰/۰۰۰ ) خواهد پرداخت و بعلاوه :

ب - مبالغ لازم التادیه بدولت را بابت عمل کرد سنوات ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ بر مبنای مذکور در ماده ۱۰ این قرارداد نه مطابق اساس امتیاز داری پس از وضع دوست هزار لیره استرلینگ ( ۲۰۰۱۰۰۰ لیره استرلینگ ) که برسم مساعده در ظرف سنه ۱۹۳۲ بابت حق الامتیاز پرداخته و یکصد و سیزده هزار و چهارصد و سه لیره و سه شلینگ و دو پنس ( ۱۰-۳-۴۰۳-۱۱۳ لیره ) که باختیار دولت قبلا ودیعه گذارده شده تصفیه و تأدیه خواهد کرد .

۲ - در همان مدت مذکور در فوق در مقابل دعاوی دولت بابت مالیات گذشته از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰ الی ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ کمپانی مبلغی بر حسب مبنای مذکور در جزو (الف) از بند (۱) مساده ۱۱ محاسبه و بدون رعایت تضمین مذکور در جزو (ب) از بند مزبور بدولت تأدیه خواهد نمود .

#### ماده بیست و چهارم

هر گاه بمناسبت الغای امتیاز داری نسبت بقرار دادهای اجازه که قبل از اول دسامبر ۱۹۳۲ تا اندازه که امتیاز مزبور اجازه میداده است منعقد گردید اختلافاتی بین کمپانی و افراد تولید گردد اختلافات مزبوره مطابق قواعد تفسیر به ذیل فیصله خواهد یافت.

الف - اگر قرار داد بر حسب مدلول خود در آخر امتیاز داری باید خاتمه یابد تا تاریخ ۲۸ مه ۱۹۶۱ با وجود الغای امتیاز مزبور باعتبار خود باقی خواهد ماند .

ب - هر گاه در قرارداد پیش بینی شده باشد که علاوه بر اعتبار آن در مدت امتیاز داری در صورت تجدید امتیاز قرارداد مزبور نیز تجدید میشود اعتبار آن تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ باقی خواهد ماند .

#### ماده بیست و پنجم

در آخر هر سال مسیحی کمپانی حق خواهد داشت که این امتیاز را ترك نماید مشروط بر اینکه دو سال قبل از آن دولت را از نیت خود کتباً مطلع ساخته باشد .

در خاتمه مدت فوق الذکر کلیه دارائی کمپانی در ایران ( بطوریکه در قسمت ۳ ماده ۲۰ تصریح شده ) مجاناً و بدون هیچ قیدی بطور سالم و قابل استفاده ملك دولت خواهد شد و کمپانی در آتیه از هر گونه تعهدی بری خواهد بود .

چنانچه نسبت به تعهدات طرفین مربوط به قبل از انقضای مدت مذکور در فوق اختلافاتی حاصل شود بطریق حکمیت مذکور در ماده ۲۲ قطع و فصل خواهد شد .

#### ماده بیست و ششم

این امتیاز برای مدتی که ابتدای آن از تاریخ اجراء و انتهای آن در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ خواهد بود بکمپانی اعطاء میگردد .

قبل از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ این امتیاز نمیتواند خاتمه پیدا کند مگر در صورتیکه کمپانی مطابق ماده ۲۵ آنرا ترك کند و با آنکه محکمه حکمیت بر ائرار تکاپ تخلفی از طرف کمپانی نسبت باجرای مقررات این قرارداد ابطال آنرا اعلام بدارد .

تخلف بمعنی مذکور در فوق منحصر بموارد ذیل است .

الف هر گاه مبلغی که بر حسب رأی محکمه حکمیت باید بدولت پرداخته شود تا یکماه بعد از تاریخ صدور رأی تأدیه نگردد .

ب - هر گاه تصمیم بر انحلال اختیاری و یا اجباری کمپانی گرفته شود .



در مورد سایر تخلفاتی که نسبت بمقررات این قرار داد از هر يك از طرفین ناشی شود محکمه حکمیت درجه مسئولیتها و اثرات مترتبه بر آنرا تعیین خواهد نمود .  
 هر نوع انتقال امتیاز مشروط بتصویب دولت خواهد بود .

### ماده بیست و هفتم

این قرارداد پس از تصویب مجلس وتوشیح آن از طرف اعلیحضرت همایونی قابل اجرا میگردد .  
 در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ این قرارداد در تهران منعقد گردید .  
 این امتیاز که مشتمل بر بیست و هفت ماده است در جلسه هفتم خرداد ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید . رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

### ضمیمه ب

نامه نماینده کل شرکت نفت ایران وانگلیس در تهران به نخست وزیر ایران دائر باعتراض بر علیه تصمیم کمیسیون نفت مجلس مبنی بر ملی ساختن صنعت نفت .  
 تهران ۲۸ آوریل ۱۹۵۱  
 ( متن نامه ای که در اینجا درج میشود همان متنی است که بنماینده کل شرکت نفت ایران و انگلیس در تهران مأموریت ارسال آن داده شده است . رونوشت نامه ای که مشارالیه فرستاده است هنوز در لندن دریافت نگردیده . )  
 جناب آقای نخست وزیر

مطبوعات امروز متضمن شرحی میباشد دایر بر اینکه کمیسیون نفت قطعنامه برای تسلیم به مجلس بمنظور تحویل امور شرکت نفت انگلیس و ایران در ایران گذرانده است .

چنانچه اطلاعات مزبور صحت داشته باشد تقاضا میشود اعتراضات رسمی شرکت را علیه امکان چنین نقضی در مورد قرار داد بین دولت شاهنشاهی و شرکت بیئت دولت ومجلس ابلاغ نمایند .

بطوریکه کاملاً استحضار دارند ماده ۲۱ قرار داد مقرر میدارد که اجرای آن بایستی روی اصول حسن نیت و حسن عقیده صورت گیرد و قرار داد مزبور را نمیتوان لغو نمود و مفاد آن نبایستی بوسیله هیچگونه قانون و هیچگونه اقدامات اداری و اجرایی تغییر داده شود .

با اتکاء بمواعید صریحی که به موافقت مجلس رسیده و جزئی از قانون ایران را تشکیل داده این شرکت هیچجه سال برای توسعه صنعت نفت در ایران مجاهدت نمود و به مردم ایران در پیشرفت اقتصادی آنان مساعدت کرده است . ما نمی توانیم باور

کنیم که این گونه مواعید صریح را بتوان نادیده انگاشت.  
شرکت ضمن اینکه رسماً علیه مبادرت به تغییر یک جانبه شرایط عملیات و کار خود در ایران اعتراض مینماید خاطر چنانچه مالی را متذکر میسازد که برای افتتاح مذاکرات جهت تغییراتی در شرایط مذکور بمنظور عقد یک قرارداد بر اساس حسن نیت و حسن عقیده متقابل که همواره پایه و مبنای همکاری دولت شاهنشاهی و شرکت بوده است امتناع نداشته و اکنون نیز ندارد.

### ضمیمه ج

قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور که در جلسه شنبه هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ مطابق با ۲۸ آوریل ۱۹۵۱ مجلس شورای ملی و در جلسه دو شنبه نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ مطابق با سی ام آوریل ۱۹۵۱ مجلس سنا با اتفاق آراء بتصویب رسیده است:

ماده ۱ - به منظور ترتیب اجرای قانون مورخ ۲۴ و ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ راجع به ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیئت مختلطی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی به انتخاب هر یک از مجلسین و زیر داری وقت یا قائم مقام او تشکیل میشود.

ماده ۲ - دولت مکلف است با نظارت هر یک مختلط بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند و چنانچه شرکت برای تحویل فوری بجز وجود ادعائی بردولت متعذر شود دولت می تواند تا میزان بیست و پنج درصد از عایدات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره برداری برای تامین مدعی به احتمالی شرکت در بانک ملی ایران یا بانک مرضی الطرفین دیگر ودیعه گذارد.

ماده ۳ - دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط به مطالبات و دعاوی حقه دولت و همچنین بدعاوی و حقه شرکت رسیدگی نموده نظریات خود را به مجلسین گزارش دهد که پس از تصویب به مجلسین به موقع اجرا گذاشته شود.

ماده ۴ - چون از تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ که ملی شدن صنعت نفت بتصویب مجلس سنا نیز رسیده است کلبه درآمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایران است دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط بحساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیئت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تا تعیین هیئت عامله در امور بهره برداری دقیقاً نظارت نماید.

ماده ۵ - هیئت مختلط باید هر چه زودتر اساسنامه شرکت ملی نفت را که در آن هیئت عامله و هیئت نظارتی از متخصصین پیش بینی شده باشد تهیه و برای تصویب بمجلسین پیشنهاد کند.

ماده ۶ - برای تبدیل تدریجی متخصصین خارجی بمتخصصین ایرانی هیئت مختلط مکلف است آئین نامه فرستادن عده ای محصل بطریق مسابقه در هر سال برای فرا گرفتن

رشته‌های مختلف معلومات تجربیات مربوط بصنایع نفت بکشورهای خارج را تدوین و پس از تصویب هیئت وزیران بوسیله وزارت فرهنگ بموقع اجرا گذارد مخارج تحصیل این محصلین از عوائد نفت برداشته خواهد شد.

ماده ۷ - کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی ۱۹۴۸ تا تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۱) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده‌اند میتوانند از این بعد هم نرخ عادلانه بین‌المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهند داشت.

ماده ۸ - کلیه پیشنهاد های مختلط که برای تصویب مجلس شورای ملی تهیه و تقدیم مجلس خواهد شد بکمیسیون نفت ارجاع میگردد.

ماده ۹ - هیئت مختلط باید در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بکار خود خاتمه دهد و گزارش عمایات خود را طبق ماده ۸ بمجلس تقدیم کند و در صورتیکه احتیاج بتمدید مدت باشد با ذکر دلایل موجهه درخواست تمدید نماید و تازمانی که تمدید مدت بهرجهتی از جهات از تصویب مجلسین نگذشته است هیئت مختلط میتواند بکار خود ادامه دهد.

#### ضمیمه ۵

نامه نماینده کل شرکت نفت ایران و انگلیس محدود به نخست وزیر ایران مبنی بر درخواست ارجاع اختلاف با دولت شاهنشاهی ایران بدوری طبق مقررات ماده ۲۲ قرارداد.

تهران بتاريخ ۸ مه ۱۹۵۱

جناب آقای نخست وزیر

اینجانب از طرف سرویلیام فریزر رئیس شرکت نفت ایران و انگلیس محدود مأموریت دارم اعلامیه ذیل را بنام مشارالیه تقدیم آنجناب نمایم.  
جناب آقای نخست وزیر

اقداماتی که اخیراً درباره صنعت نفت در ایران صورت گرفته بطور وضوح هدفش یا خاتمه دادن بامتیاز شرکت نفت انگلیس و ایران محدود یا انقراض آن قبل از تاریخی که برای پایانش مقرر گردیده بوسیله اقدام یک جانبه دولت ایران و نقض مواد ۲۶ و ۲۱ قرارداد امتیاز نامه یا تغییر یک جانبه مقررات و مفاد آن و نقض مواد ۲۱ و ۱ قرارداد می باشد.

بدین جهت این جانب از طرف شرکت و طبق حقوقی که بموجب مواد ۲۶ و ۲۱ قرارداد امتیاز نامه برای شرکت منظور گردیده بدولت اعلام میدارم که شرکت بمنظور

تعیین این موضوع که آیا اهتمام دولت ایران بلفو با انقضای امتیازنامه یا تغییر قرارداد امتیازنامه طبق مقررات و شرایط قرارداد امتیازنامه میباشد و همچنین بمنظور تعیین مسئولیت و عواقب و نتایج نقض قرارداد بطوریکه مؤکداً گفته شد تقاضای داوری دارد مضافاً اشعار میدارد شرکت جناب لردراد کلیف را بعنوان داور خود تعیین نموده و مشارالیه نیز رضایت خود را با اقدام درعمل ابراز داشته است .

درخاتمه شرکت از نقطه نظر وضع و خیمی که در نتیجه اقدامات فوق پیش آمده امیدوار است براینکه دولت نیز داور خود را در نزدیکترین فرصت انتخاب نماید .

اینجناب خوشوقت خواهم بود که آنجناب وصول اعلامیه فوق را از طرف آقای سرویلیام فریز ابلاغ فرمایند .

با ابراز مراتب احترامات شرکت نفت ایران وانگلیس محدود

امضاء سدان

رونوشت : جناب آقای وزیر دارائی

#### ضمیمه هـ

نامه وزیر دارائی ایران به

« آقای نماینده شرکت سابق نفت ایران وانگلیس » بتاريخ ۲۰ ۱۹۵۱

آقای نماینده شرکت سابق نفت ایران وانگلیس

جناب آقای نخست وزیر باینجناب اجازه دادند پاسخ ذیل را بنامه ۸ مه جنابعالی

ارسال نمایم :

بموجب قوانین ۱۵ مارس و ۲۰ و ۳۰ آوریل که رونوشت آنها پیوست این نامه میباشد صنعت نفت در سراسر ایران ملی گردیده و دولت ایران موظف است استخراج - بهره برداری و تصفیه و انتفاع از منابع نفتی خود را برعهده گیرد . احتمال نمیدهد که توضیح مطالب ذیل لازم باشد .

اولاً - ملی ساختن صنایع اساسی حق حاکمیت ملل است همانطوریکه سایر دولتها هم منجمله خود دولت انگلستان و دولت مکزیک در موارد مختلف با اجرای آن مبادرت ورزیده اند

ثانیاً ملی ساختن صنعت نفت که براساس اجرای حق حاکمیت ملت ایران مستقر میباشد مشمول داوری نیست و هیچ مرجع بین المللی صلاحیت رسیدگی بآنها ندارند .

بدلائل و جهات فوق دولت ایران درقبال اوضاع حاضر وظیفه ای غیر از اجرای مواد قانون فوق الذکر نداشته و بهیچوجه با مقادنامه شرکت نفت سابق در خصوص ارجاع بدآوری موافقت نمیکند .

بوسیله این نامه از شرکت سابق نفت دعوت میشود بلافاصله نمایندگان خود را برای اجرای قانون فوق‌الذکر تعیین نمایند تاریخ ساعت و محل ملاقات آنها بعداً اعلام خواهد شد.

امضاء: محمد علی وارسته وزیر دارایی

### ضمیمه و

تذکاره سفیر کبیر انگلیس مورخ ۱۹ مه ۱۹۵۱ مطابق با ۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۰

بوسیله سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران در لندن پاسخ جنابعالی را به پیامی که در تاریخ ۲ می ۱۹۵۱ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۰) بتوسط اشان ارسال داشته بودم دریافت نمودم.

متأسفانه در پاسخ مزبور پیشنهاد دوستدار که بعداً نیز منتشر و تأیید گردید رعایت نشده است پیشنهاد مزبور مبنی بر این بود که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایلست که موضوع عملیات آینده شرکت نفت انگلیس و ایران در کشور ایران بوسیله مذاکره فیصله یابد ولیکن در عوض ضمن پاسخ مزبور ظاهراً چنین عنوان شده است که دولت شاهنشاهی حق دارد با اقدام یکجانبه خود خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران نماید.

۲- دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان کاملاً متوجه آرزوی دولت ایران که مبنی بر تقویت بنیان اقتصادی کشور و تأمین رفاه و آسایش عمومی ملت ایرانست بوده و نسبت باین آرزو نظر مساعد دارد دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان همواره عملاً نشان داده است که هدفهای مزبور مورد علاقه کامل آندولت نیز میباشد با این حال دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصور نمیکند که اقدام یکجانبه‌ئی را که دولت ایران در نظر دارند عملی نمایند بتواند بانجام منظورهای فوق‌کمک نماید.

۳- بعلاوه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نه میل و نه قصد آنرا دارد که ایراد باجرای ۱ هرگونه حق حاکمیتی بنماید که کشور ایران بتواند بطور مشروع از آن استفاده کند ولی تصور مینماید که اقدامی که علیه شرکت حال در نظر گرفته شده است استفاده مشروع از حق نامبرده نمیشد.

قرارداد ۱۹۳۳ قراردادی است بین دولت ایران و یک شرکت خارجی که در تحت نظر جامعه ملل تنظیم گردیده و انعقاد آن پس از موقعی بود که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نظر بکوشش ایران در محروم کردن شرکت از حقوقی که بموجب امتیاز نامه قبل مقرر بوده است موضوع را در جامعه ملل مطرح میکنند بعلاوه قرارداد مزبور بتصویب مجلس هم رسیده و بصورت قانون در می‌آید گذشته از این در قرارداد و موضوع بسیار مهم تصریح شده که باین قرار میباشد.

(الف) وضعیت شرکت بموجب قرارداد منقده هرگز با اقدام دولت شاهنشاهی

و یا حتی با وضع قانون تغییر نخواهد یافت ( ماده ۲۱) مگر در نتیجه موافقت دولت ایران و شرکت .

(ب) چنانچه دولت ایران شکایتی علیه شرکت داشته باشد و یا بالعکس و اختلاف را نتوان بخواه دیگری رفع نمود موضوع باید بحکمیت رجوع شود ( ماده ۲۲) و محکمه حکمیت باید تحت ریاست حکم ثالثی باشد که از طرف خود حکمها تعیین می شود و در صورت عدم توافق آنها تعیین او باریس دیوان داورى بین المللی در لاهه خواهد بود .

۴ - اصل مطلب این نیست که يك دولت مستقل حق داشته باشد یا نداشته باشد بوسیله وضع قانون مشاغل تجارتي را که در قلمرو کشور انجام میشود ملی نموده و یا چه مقدار غرامت برای آن پردازد در واقع دولت ایران تعهد نموده است که استفاده از چنین حقی ننماید و بنا بر این تفاوت موضوع انجام يك عمل خلاف است در موردی که يك دولت مستقل مبادرت به نقض قرارداد نماید که عالماً عامداً آن را منعقد نموده است .

۵ - هر گاه بطوریکه آنجناب مدعی هستند دولت شاهنشاهی شکایاتی علیه شرکت داشته علاج آن بطوریکه فوقاً متذکر گردید مراجعه بحکمیت بوده ولی باین رویه عمل نشده است بر عکس مجلس ایران قانونی وضع نموده که يك تغییر اساسی را در وضع شرکت پیش بینی میکند بنا بر این شرکت ناگزیر بوده از اینکه بدولت ایران اعلام نماید که قصد دارد کلیه موضوع را بحکمیت رجوع کند .

۶ - شرکت نفت انگلیس و ایران يك شرکت انگلیسی است که در کشور متحده انگلیس به ثبت رسیده و بعلاوه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان صاحب قسمت بیشتر سهام شرکت میباشد بنا بر این واضح است که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان کاملاً حق دارد که منافع آنرا بهر طریق صحیحی که بتواند حفظ نماید . حقوق عالیه شرکت که بموجب قرارداد محرز و مسلم است حال بوسیله وضع قانونی در ایران مورد لطمه شدید قرار گرفته در صورتی که ماده ۲۱ مقرر می دارد که چنین عملی جایز نیست .

شرکت حال به یگانه طریقی که برای آن مفتوح است توسل جسته و آن حکمیت بموجب ماده ۲۲ است چنانچه این راه هم از طرف دولت ایران عقیم گذاشته شود موضوع صورت قضیه ای را بین دو دولت بخود خواهد گرفت . بموجب قوانین بین المللی حق مسلم دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اینست که در قضیه وارد شده و چنانچه صلاح بدانند علیه دولت ایران بدیوان بین المللی داورى لاهه شکایت نماید . در آن صورت امیدوار است دولت شاهنشاهی معاضدت خواهند نمود تا دیوان داورى بتواند نظر خود را هر چه زودتر اعلام نماید .

۷ - از طرف دیگر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هنوز امیدوار است که موضوع بوسیله مذاکرات برضایت طرفین حل گردد .

منافع دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و شرکت نفت انگلیس و ایران در این امر یکسان است و اکنون میخواهم از موقع استفاده نموده بار دیگر تأکید نمایم که

دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان حاضر است فوراً هیئتی را بتهران اعزام دارد تا نسبت بشرایط یک قرارداد دیگر مذاکره نمایند.

اینجناب صمیمانه امیدوارم که آن جناب حاضر خواهند شد با این ترتیب موافقت فرموده و بایک هیئت اعزامی بر اساس عادلانه و منصفانه مذاکرات را آغاز نمایند.

۸ - درخاتمه بطوریکه ملاحظه می شود در قبال تمایل بحفظ روابط حسنه و تقویت مبانی دوستی بین ایران و کشور متحده انگلیس که ازطرف دوستدار ابراز شده بود آن جناب نیز اظهار تمایل متقابل فرموده اند با اینحال چون مسایلم صراحت لهجه بکار برم باید متذکر شوم که امتناع دولت شاهنشاهی ازآغاز مذاکره و یا هراقدامی از طرف آن دولت در اجرای قانون اخیر بوسیله عمل یکجانبه ناچار بروابط دوستانه مزبور که طرفین مایل بحفظ آن هستیم لطمه شدید وارد نموده و عواقب بسیار وخیمی در برخواهد داشت.

#### ضمیمه ز

نامه وزیر دارائی ایران به :

« آقای نماینده شرکت سابق نفت ایران و انگلیس » بتاريخ ۲۴ مه ۱۹۵۱

آقای نماینده شرکت سابق نفت ایران و انگلیس

عطف بنامه شماره ۹۵۸۲ مورخ ۲۰ مه اینجناب از آنجائیکه تاکنون نمایندگان خود را برای اتخاذ ترتیباتی جهت اجرای قوانین ملی شدن نفت تعیین ننموده اید لهذا اشعار میدارد :

اینجناب همه روزه در وزارت دارائی منتظر نمایندگان شما می باشم در صورت امتناع از انتخاب و اعزام نمایندگان خودتان در ظرف یک هفته یعنی از پایان ۳۰ مه که مصادف باچهارشنبه است دولت هیچ راهی نخواهد داشت جز اینکه طبق وظایف قانونی خود بنحوی که در قوانین ۱۵ مارس و ۲۰ مارس و ۳۰ آوریل ۱۹۵۱ مقرر گردیده عمل نماید.

امضاء : محمدعلی وارسته

وزیر دارائی

پیام وزیر خارجه انگلیس  
به آقای لاگتر مصدق نخست وزیر  
در تاریخ ۸ تیر ماه ۱۳۳۰

آقای وزیر

محترماً باستحضار خاطر آن جناب می‌رسانم که دستور دارم پیام ذیل را از طرف مستر هربرت مورین و وزیر امور خارجه انگلیس بعنوان جناب آقای نخست وزیر ایران ذیلاً بنظر جنابعالی برسانم .

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با کمال تأسف ملاحظه نموده است که دولت شاهنشاهی ایران نه فقط جواب تذکاریه را که سفیر کبیر اعلیحضرت پادشاه انگلستان در طهران در تاریخ ۱۹ مه ( ۲۸ اردیبهشت ) بعنوان جناب آقای نخست وزیر ایران ارسال داشته نداده‌اند بلکه حاضرهم نشده‌اند پیشنهادات مکرر شرکت نفت انگلیس و ایران و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را برای آغاز مذاکرات بمنظور تصفیه عادلانه و منصفانه موضوع مربوط بروابط آتیه شرکت و دولت ایران را مورد توجه قرار دهند .



بعلاوه با اینکه آقای وزیر دارائی ایران طی نامه مورخه ۳۰ آوریل (۹ اردیبهشت) خود بعنوان نماینده شرکت در طهران اشعار داشته بودند که دولت ایران مایل است از تجارب و اطلاعات فنی شرکت نفت انگلیس و ایران استفاده نماید معذک دولت ایران از وجود نمایندگانی که شرکت اخیراً برای مذاکره اعزام نموده بهیچوجه استفاده نکرد. گذشته از این اقدامات اخیر مقامات ایرانی مداخله شدید در جریان عادی عملیات شرکت بوده است. دوایر شرکت در طهران از طرف مقامات ایرانی تصرف گردیده مدیر شرکت در کرمانشاه جبراً از اجرای وظائف خود ممنوع و در حوزستان از عملیات شرکت از هر حیث جلوگیری بعمل آمده و می آید اعضای شرکت را تحریص کرده اند که از شرکت نفت ملی ایران تبعیت نمایند نطقهای آتشین و تحریک آمیز از طرف اعضای نمایندگی ایران در مناطق نفت خیز ایراد گردیده و یک سلسله تبلیغاتی که بر اساس تخویض اذهان بر علیه شرکت می باشد از طرف رادیو طهران و بوسیله جراید اجرا میگردد. مقامات ایرانی مقیم آبادان بکشتی های نفتکش که بآن بندر وارد شده اند اجازه بارگیری و صدور نفت را نداده اند مگر باین شرط که اوراق رسیدی را امضاء نمایند حاکی از اینکه نفت مزبور متعلق بشرکت ملی نفت ایران است. موقعی که مستر دریک مدیر کل شرکت بنام آقای کشتی های نفتکش B. T. C (شرکت کشتی های نفتکش انگلیسی) دستور داده که در موقع امضای اوراق رسید نامبرده جمله ای را اضافه نمایند مبنی بر اینکه حق قانونی شرکت نسبت به نفت مزبور محفوظ خواهد بود از طرف هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران طی نامه مورخه ۲۳ ژوئن (اول تیر) بمشارالیه اعلام گردیده که اینگونه اقدامات مشارالیه بمنزله سبوتائز محسوب است و بطوریکه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ملاحظه نموده طبق مندرجات یک فقره لایحه قانونی که بنام لایحه ضد سبوتائز بمجلس پیشنهاد شده کسانیکه متهم بسبوتائز گردند در یک دادگاه نظامی محاکمه و مشمول مجازات نهائی که حداکثر آن اعدام و شامل اعدام است خواهند بود.

آن جناب ملاحظه فرموده اند که ضمن اظهاراتی که دوستدار در تاریخ ۲۶ ژوئن (۴ تیر) در مجلس مبعوثان ایراد نمودم و یک نسخه از آن جهت جناب عالی ارسال گردیده قبلاً این مسئله را رد نموده ام که حوادثی که ناشی از مداخله در عملیات شرکت باشد بتوان آنرا منسوب بسبوتائز دانست.

بطوریکه آن جناب مسبوقاً دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان راجع باقدام دولت ایران در اجرای قوانین مربوط بملی کردن که برخلاف قرارداد امتیاز ۱۹۳۳ شرکت نفت انگلیس و ایران بشرکت مزبور تحمیل می شود بدیوان داوری بین المللی مراجعه کرده است و تا وقتی که این قضیه از طرف دیوان مزبور استماع نشده موضوع را باید بحث رسیدگی تلقی نمود.

بنظر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نفت خام و مواد نفتی تصفیه شده که شرکت نفت انگلیس و ایران تولید می کند متعلق به آن شرکت است بنا بر این شرکت نمی تواند قبول نماید که ناخدایان کشتی های نفت کش که بوسیله آنها نفت مزبور حمل می شود مجبور بامضای رسیدی گردند که مفاد آن تصدیق مالکیت نفت بغیر این ترتیب باشد .

نظر باینکه مقامات ایرانی ظاهراً حاضر نشده اند موافقت کنند که شرحی در رسیدهای مزبور مبنی برحفظ حقوق قانونی شرکت در این مورد علاوه شود بکلیه کشتی های نفتکش که در آبادان متوقف بوده اند دستور داده شده است که از آنجا حرکت نمایند و ضمناً بکشتی های نفتکش دیگر نیز اخطار شده است که بدانصوب حرکت نمایند مگر وقتی که رویه مقامات ایرانی تغییر یابد . نظر باینکه ظرفیت مخزن های نفت در آبادان محدود می باشد نتیجه آن خواهد بود که بمحض اینکه ظرفیت محازن مواد نفتی تصفیه شده تکمیل گردید پالایشگاه آبادان باید تعطیل شده و جریان نفت خام از پالایشگاه های نفت بزودی متوقف گردد و بنا بر این کارمندان انگلیسی حوزه های نفت خیز همین که وجود آنها در حوزه های مزبور دیگر مورد احتیاج نباشد موقتاً بآبادان اعزام خواهند گردید دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان لازم میدانند متذکر گردند که مسئولیت احضار کشتی های نفتکش و تعطیل شدن تدریجی تأسیسات شرکت که نتیجه آن از دست رفتن درآمد ایران و بیکار شدن دسته جمعی کارگران ایران خواهد بود . ناشی از رویه فعلی دولت ایران است که نه تنها از قبول پیشنهاد مکرر جهت انجام مذاکرات خودداری کرده اند بلکه بدون مطالعه صحیح بامشاور قبلی اصرار به تعقیب یک سلسله اقداماتی نموده اند که عواقب وخیمی را دربر خواهد داشت .

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمیتواند باور نماید که دولت ایران حتی در این لحظه آخر تشخیص ندهد که ناسازگاری آن دولت روش خردمندانه نیست .  
محترماً خواهشمندم پیام فوق را بنظر آقای نخست وزیر برسانند  
موقع را مغتنم شمرده احترامات فائمه خود را تجدید مینمایم .

مصاحبه آقای کینگز بوری اسپیت سرویس اروپائی  
 خبرگزاری اینتر نیشنال نیوز سرویس  
 با آقای نخست وزیر  
 در تاریخ ۱۱ تیر ماه ۱۳۳۰

سؤال — آیا جنابعالی اطمینان دارید که دولت شاهنشاهی ایران در سیاست خود مبنی بر اجرای قانون ملی کردن صنعت نفت از پشتیبانی کامل ملت ایران برخوردار است .

پیامهایی که در تأیید سیاست دولت از طرف مردم واصل شده تاچه اندازه پیام های مخالف را تحت الشعاع قرار داده است .

جواب — اگر ما از پشتیبانی کامل ملت برخوردار نبودیم هیچ کاری نمیتوانستیم انجام دهیم تاکنون من بهیچوجه پیام های مخالفی دریافت نداشته ام .

جواب — اگر ما از پشتیبانی کامل ملت برخوردار نبودیم هیچ کاری نمیتوانستیم انجام دهیم تاکنون من بهیچوجه پیام های مخالفی دریافت نداشته ام .

سؤال - بعقیده جنابعالی آیا هدف مبارزه فعلی برای ملت ایران بیشتر تأمین استقلال کشور و رهایی از سلطه نفوذ انگلستان است یا آنکه موضوع فقط تأمین درآمد بیشتری از منابع نفتی است ؟

جواب - در این باب سه موضوع را باید در نظر داشت .  
اول - دولت ایران باید بتواند خودش را کاملاً مستقل نگاهدارد تا هیچ دولت خارجی نتواند در امور داخلی او دخالت کند .  
دوم - وقتی يك دولت دخالت کرد چطور می توانیم از سایرین انتظار داشته باشیم که دخالت نکنند .

سوم - ما هیچ راهی برای برطرف کردن این فقر شدید و بیچارگی نداریم مگر از طریق عایدات نفت که متعلق به ماست و ما بدست خود بگیریم عدم دخالت دول خارجی در این کشور و اصلاح وضع مردم سبب خواهد شد که جنگ بین الملل لااقل از این مملکت درنگیرد .

ما صنعت نفت را ملی کردیم برای اینکه وضعیت ما بهتر شود ولی از این ملی کردن نفت هیچ وقت در نظر نداشتیم بدولی که از نفت ما استفاده میبرند ضرری برسد . تا وقتی که عده متخصصین فنی خود ما کافی نشود ما نمیخواهیم که متخصصین خارجی ما بروند .

ما حاضریم بدولی که از نفت ایران تاکنون متمتع می شدند آنچه لازم است اطمینان بدهیم که در بهره برداری و تقسیم نفت بین آنها خودداری نخواهیم کرد . ملت ایران از ملی شدن نفت خود يك هدف عمده دارد و آن این است که دیگران در امور داخلی ما دخالت نکنند .

سؤال سوم - نظر باینکه دولت شاهنشاهی ایران تصمیم گرفته است برای جلب اطمینان خاطر کارمندان انگلیسی و رفع نگرانی ایشان لایحه خراب کاری را مسکوت بگذارد آیا تصور نمیفرمائید که دولت انگلستان بهتر است برای نشان دادن حسن نیت متقابله رزمناو خود را از مجاورت آبهای ایران فرا بخواند ؟

جواب - ما این قانون را که از مجلس میخواستیم بگذرانیم برای متخصصین خارجی نبود بلکه برای اشخاص مظنون و ماجراجوی بود که ممکن بود از طریق خراب کاری در مناطق نفت خیز دول بزرگ باختر را از نفت محروم کنند و ترسی که انگلیس ها از این قانون نشان دادند فقط بهانه ای بود .

اوضاع آبادان و جنوب ایران هرگز تا این اندازه آرام نبوده است ولی انگلیس ها همیشه میگویند ما از ترس جان و مال اتباع خود باید آنها را از ایران تخلیه کنیم . برای رفع این بهانه ها بود که ما حاضر شدیم لایحه مزبور را در مجلس مسکوت بگذاریم . تکرار سؤال - چون دولت ایران لایحه خرابکاری را مسکوت گذارده آیا

تصور میفرمائید که انگلستان برای نشان دادن حسن ظن متقابله خود رزمنام و خویش را از آبهای ایران فراخواند بهتر است ؟

جواب — بودن و یا نبودن رزمنام و بحال مافوق نمیکند ما از کشتی جنگی نمی ترسیم .

سؤال — بمنظور تأمین ادامه جریان نفت بدنیای باختر و همچنین برای ادامه کار صنعت نفت یا حاضرید آقای گریدی سفیر کبیر امریکا بعنوان میانجی راه حل ساده ای برای رسیدن دادن بکشتی های نفت کش پیدا کند ؟

جواب — علاقه ما در این است که هر چه زودتر پول خود را دریافت داریم و هر کار سفیر کبیر امریکا بکند که ما پول خود را زودتر وصول کنیم ما با آن موافق هستیم .

سؤال — چون تعطیل کار صنعت نفت منتج به بیکاری عده ای خواهد شد آیا جنابعالی حاضرید برای رفع این خطر يك شرکت بین المللی که مرکب از نمایندگان ایران و کشورهای مصرف کننده عمده باشد موقتا بخدمت بپذیرید که عهده دار عملیات تصفیه و فروش نفت در جهان گردد بشرط آنکه بوکالت از طرف شرکت ملی نفت ایران اقدام کند .

جواب بهیچوجه ..... ما در نظر داریم اساسنامه شرکت ملی نفت را که هنوز تنظیم نشده طوری تنظیم کنیم که در هیئت عامله عده ای از متخصصین بین المللی از کشور هائی از قبیل سوئیس — سوئد بلژیک و هلند باشند تا دیگر برای هیچکس بهانه ای در دست نباشد که بگویند در تولید نفت موانعی خواهد بود . در عین حال ما حاضریم با دول مصرف کننده موافقت نامه هائی تنظیم کنیم که آنها مطمئن باشند سالها همان مقدار نفتی که در عرض سه سال اخیر دریافت میکرده اند بگیرند و وجه آنرا بقیمت بین المللی بپردازند .

سؤال — من چنین احساس میکنیم که کارمندان انگلیسی از این میترسند که اگر در شرکت ملی نفت ایران قبول خدمت کنند ممکن است در آینده حقوق آنها منظم و بموقع پرداخت نشود .

آیا دولت ایران حاضر است در يك بانک بین المللی مبلغ کافی برای تضمین حقوق آنها ودیعه بگذارد ؟

جواب — هر وقت که بآنها نرسید همیشه میتوانند خدمت خود را ترك کنند ولی دولت ایران حاضر است با آنها قرارداد هائی به بند که یکسال یا دو سال آنها را استخدام کند و اگر دولت حقوق آنها را نپرداخت حق خواهند داشت مطالبه خسارت کنند اگر کمپانی از کار هائی که حالا میکنند دست بردارد و دول مصرف کننده نفت را ببرند و وجه آنرا بپردازند هیچ وقت دولت ایران کسر پول نخواهد داشت که حقوق مستخدمین خود را نپردازد . همه این هیاهویی که برای افتاده برای آن است که شرکت نفت نمیتواند از این کشور برود و ما میل داریم هر چه زودتر برود .

سؤال - من میل دارم به مردم امریکا شرح بدهم که دولت ایران چگونه می‌خواهد عایدات بیشتری را که از نفت بدست می‌آورد مورد استفاده قرار دهد. اگر دولت ایران بتواند کلیه منابع نفتی خود را کاملاً مورد استفاده قرار دهد آیا پیش بینی می‌فرمائید که این کشور دارای مردمی مرفه و سعادتمند و سالم و صلحجو شود؟

جواب - وضع این مملکت از این جهت خراب است که ما سرمایه کافی برای آغاز کارهای تولیدی نداریم وقتی ما عایدات کافی داشتیم یک نفر هم بیکار نخواهیم داشت و دیگر تمام این فقر و فاقه پایان خواهد یافت.

خوب است در این مورد آزمایش ساده ای بکنیم. اگر شرکت نفت دست از سرما بردارد و مابول خود را دریافت داریم و اصلاحات را شروع کنیم آنوقت اگر ما نتوانستیم از عهده برآئیم شرکت نفت بیاید و ما را ملامت کند.

سؤال - آیا جناب آقای نخست وزیر تصور می‌فرمایند خوب باشد لایحه ای تنظیم شود که بموجب آن قسمت اعظم عایدات اضافی حاصله از نفت برای تأمین برنامه هفت ساله و طرح های دیگری برای بالا بردن سطح زندگی مردم ایران مصرف شود؟

جواب - ما دو میلیارد ریال کسر بودجه داریم و بنابراین برای فعالیت های تولیدی اعتباری نداریم.

وقتی ما عایدات نفت خود را بدست آوریم صرف هر گونه کار های تولیدی خواهیم کرد مهم ترین کاری که باید انجام شود جلوگیری از عدم رضایت است که در سراسر کشور وجود دارد و اگر این عدم رضایت رفع نشود صلح بین المللی در خطر خواهد بود.

سؤال - من در جایی خوانده ام که حضرت عالی وقتی خوابی دیده اید که در ضمن آن بشما ماموریت داده شده زنجیرهایی که برپای ایران بسته شده بود باز کنید آیا اخیراً الهامات روحی تازه ای راجع بکار خود بشما شده است؟

جواب - صحیح است من چنین خوابی دیده ام و در نتیجه همین خواب است که این کار را شروع کردم ولی در این ایام دیگر خواب ندیده ام.

سؤال - شرکت نفت می‌تواند جبران کافی برای لغو امتیازش با و داده نشود در صورتیکه موضوع ملی شدن نفت کاملاً شناخته شود. آیا حضرت عالی حاضرید حکمیت بیطرفانه ای را در باب ادعاهای قانونی شرکت نفت در باب از دست دادن امتیاز خود قبول کنید بشرط آنکه این هیئت بیطرف ادعاهای دولت ایران را در مقابل شرکت نیز مورد نظر قرار دهد؟

جواب - بلی کاملاً موافقم. ما هیچوقت نمی‌خواهیم اموال کسی را مصادره کنیم.

ما فقط مایلیم که دستگاه نفت مال ملت ایران شود ولی ما حاضریم ادعاهای احتمالی شرکت را مورد مطالعه قرار دهیم بشرط آنکه مطالبات ما از شرکت نیز مورد مطالعه قرار گیرد.

سؤال — آیا تصور می فرمائید ممکن باشد مجدداً مذاکرات با شرکت آغاز گردد .

جواب — فقط برای تصفیه حساب نه برای ادامه عملیات توسط شرکت .  
سؤال — آیا تصور می فرمائید فرمول مورد سازشی برای رسیدن دادن توسط کشتی های نفت کش پیدا شود که حقوق ایران را نسبت بنفت شناخته و در عین حال حقوق قانونی شرکت را در اداره کردن نفت حفظ کند .

جواب — ما وعده داده ایم ۲۵ درصد از عایدات خالص را ودیعه بگذاریم بنا بر این شرکت نمیتواند حقوقی برای اداره نفت ادعا کند .

بطوریکه خلاصه برنامه ما این است :  
اول آنکه دولت انگلیس موضوع ملی شدن صنعت نفت را بدون قید و شرط بپذیرد .

دوم کار شرکت نفت یکسره تصفیه و منحل شود و هر چه طلب داریم بگیریم و بدهی اگر داریم بپردازیم .

سوم آنکه بامیسیون انگلیسی و هر دولت دیگر داخل مذاکره شویم و آنها را مطمئن سازیم که در تحویل نفت بمقادیریکه در عرض سه سال اخیر دریافت میداشته اند هیچوجه کسر و نقصانی حاصل نخواهد شد .

چون دولت انگلستان اظهار نگرانی کرده است که در صورتیکه شرکت نفت از ایران برود نفت بمقدار سابق دریافت نخواهد داشت ما میخواهیم نظامنامه و اساسنامه شرکت ملی نفت را طوری تنظیم کنیم که تمام دول ذی نفع مطمئن باشند که در تحویل نفت بآنها مطابق مقادیر سه سال اخیر نقصانی حاصل نخواهد شد بشرط آنکه وجه نفت را بقیمت بین المللی پرداخته و ببرند .

سؤال — آیا ما یلید برای مردم امریکا پیامی بفرستید ؟

جواب — من اخیراً پیامی برای حضرت رئیس جمهوری امریکا فرستادم و حالا هم تکرار میکنم که ملت ایران همیشه انتظار دارد که ملت امریکا همانطور که همیشه از ما پشتیبانی کرده حالا هم پشتیبانی کند زیرا این پشتیبانی نه تنها بنفع ملت ایران است بلکه بنفع صلح جهانی نیز میباشد .

مصاحبه‌سفر کبیر انگلیس باخبر نگاران خارجی  
در تاریخ ۱۳ تیر ماه ۱۳۳۰

آقای شپرد سفیر کبیر انگلیس در تهران طی مصاحبه‌هفتگی که با خبرنگاران خارجی بعمل آورد اظهارداشت چنانچه پالشگاه آبادان بکلی تعطیل شود ممکن است بازهم عده‌ای از کارشناسان انگلیسی در مناطق جنوب ایران بمانند .

وی اضافه کرد فعلا قریب سه هزار تن کارشناس انگلیسی و یکهزار و پانصد تن کارمندان هندی و پاکستانی در مناطق نفت خیزایران مشغول کار هستند و چنانچه هنگام لزوم این کارمندان بخواهند دست از کار کشیده و ایران را ترک نمایند شرکت نفت جنوب حاضر است کلیه آنها را امانتدسایر کارشناسان انگلیسی از خاک ایران بیخارج انتقال دهد .

سفیر کبیر انگلیس در مصاحبه خویش اضافه کرد، طبیعی است اگر چنین تهمیدی اتخاذشود قبلا بدولت ایران اطلاع داده خواهد شد .



پیام آقای دکتر مصدق نخست وزیر  
به ملت ایران توسط رادیو تهران  
در تاریخ ۱۴ تیرماه ۱۳۳۰

بسیاری از هم‌میهنان ارجمندم توهم کرده اند که دولت اینجانب در مضیقه مالی است و ممکن است این امر بملی شدن صنعت نفت که آرزوی قلبی آنهاست لطمه‌ای وارد کند مخصوصاً بدینی و تطیر بعضی حراید و محافل خارجی که بی‌پولی دولت را وسیله برای بزای درآمدن ملت ایران بنظر می‌آورند این توهم را شدیداً تقویت نموده بود تا جائی که غریزه وطن پرستی و فداکاری مات نجیب را تحریک و آنها را برای یک جواب عملی بهمه تصورات و تطیرات و توهمات برانگیخت ناگهان بدون هیچگونه توقع و انتظار روی اینکه از این دولت خدمتگذار تقویت عملی کرده باشند سیل احساسات وطن پرستانه و اعتماد سخاوت مندانه از هر گوشه و کنار کشور بطرف دولت و شخص اینجانب روان و هر فردی بی‌منطق و بیان مخصوص در هر حرفه و پیشه و مقام و مسندی بود. پشتیبانی خود را بفرستادن تقدینه با تعهد «پرداخت حقوق خود» یا تقدیم مال منقول و غیر منقول

از دارایی خویش اثبات کرد .

روزی نیست که صدها تلگراف و نامه که محتوی حواله بانکی و پستی است و اصل نگردد یا کارمندان دوات قسمتی از حقوق ماهیانه خود را واگذار نمایند و یا کارگران و زحمت کشان با وجود عسرت و تنگدستی قسمتی از حقوق ناچیز خود را در راه انجام این مقصود بزرگ تخصیص ندهند و یا صاحبان سرمایه اسناد واگذاری اموال منقول و یا غیر منقول را در دفاتر اسناد رسمی ثبت نکنند و یا طلا آلات زنانه نقره آلات و ائانه خانه یا موجودی دفاتر پس انداز اشخاص و کودکان و نوآموزان و دانشجویان یا قلمک پسران و دختران را هدیه نمایند و یا تقدینه‌هایی از طرف پیرمردان و بیوه زنان ارسال ندارند حتی بعضی از تمام هستی و موجودی خود را که رقمهای درشتی است صرف نظر کرده و برخی این جانب را در تصرف اموال خود و کالت داده‌اند و جمعی مردم غیور و حساس خون خود را برای تهیه تابلوی شرکت نفت ایران تقدیم می‌دارند .

البته ابراز این خصیصه مردانه و شرافتمندانه از نظر علاقه بملی شدن نفت و اعتماد بدولتی که مجری افکار ملت خویش است خیلی بجا و بموقع و بمنزله ییکرای عمومی و یا رفتارندوم حقیقی بود و بدینا خاطر نشان ساخت روشی را که اینجانب انتخاب کرده‌ام مبنی بر ابراه شخصی نیست و مجری افکار ملت ایران میباشد .

اما چون از نظر خزانه عمومی فعلا نیازی باین مساعدتها نیست و خود شما ملت و وطنپرست از طریق پرداخت مالیاتهای قانونی و رسمی تا درجه‌ی دولت رابی نیاز ساخته و خواهید ساخت خواهشمندم ابراز این گونه احساسات و مساعدتهای گرانبها را در همین جا متوقف ساخته و بدانید که بهر منظور مقدسی این ایثار را نموده اید ، بعون الله باحسن اثر توأم و بدینا فهمانیده اید که ملت ایران اصالت و شهامت خود را بامواجه با هزاران تحولات خطرناک از دست نداده و بامدنیّت کهنسال خود مثل یک ملت جوان و تازه نفس ایفای وظیفه مینماید .

لذا دستور دادم که آنچه تا حال از هر کجا و هر کس رسیده است بفرستندگان برگردانند و اگر تا پانزده روز نرسید اطلاع دهند و آقایی هم که در بانگها بنام اینجانب یاد دولت و دیعه گذاشته اند خودشان بموجب همین اعلامیه اختیار دارند که دریافت فرمایند .

در خاتمه لازم میدانم توجه عموم را بمطلبی جلب نمایم که همواره با بیداری و هشیاری مخصوص بخود مراقب و آماده باشند .

چنانچه مصرف کنندگان سابق محصول نفت ایران بمنظور پیشرفت مقاصد خود نخواستند در مقابل پرداخت وجه از ما نفت خریداری کنند و با پافشاری از این راه مارا در مضیقه مالی گذاشتند بدیهی است دولت دست خود را بسوی ملت باهمت دراز و احتیاج خود را ابراز خواهد نمود در چنان موقعی رجاء و اتق دارم که هر کسی بقدر توانایی از اوراق دولتی که با تصویب مجلسین شوری و سنا منتشر خواهد شد خریداری خواهد نمود و با این ترتیب هم ملت با اجرای این عمل شرافتمندانه موفق شده و هم دولت از تنگدستی خلاص می‌شود و در ظرف مدت کوتاهی آنچه را از ملت گرفته است بضمیمه مسترد خواهد نمود .

تلگراف از دیوان لاهه بوزیر امور خارجه ایران

در تاریخ ۱۳ تیرماه ۱۳۳۰

شماره ۱۴۰۴۴

ژوئیه ۱۹۵۱

آقای وزیر

عطف به تلگراف شماره ۱۴۰۴۳ محترماً قرار مورخه امروز دیوان را که مدت مهلت تسلیم یادداشت و یادداشت جوابیه آنرا مربوط بموضوع شرکت نفت ایران و انگلیس تعیین نموده رسماً جهت دولت ایران توسط جناب عالی ارسال میدارد. موقع را منتهم شمرده مجدداً مقاد بند ۳ ماده ۳۵ مقررات دیوان راجع به تعیین پک نماینده جناب عالی یادآوری مینمایم.

احترامات فائقه

امضاء: رئیس دفتر دیوان

جناب آقای ب. کاظمی - وزیر امور خارجه - تهران

دیوان بین‌المللی دادگستری سال ۱۹۵۱

قرار مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۵۱

موضوع شرکت نفت ایران وانگلیس (انگلیس - ایران)

دیوان بین‌المللی دادگستری - نظر بماده ۴۸ اساسنامه دیوان - نظر بماده ۳۷

مقررات دیوان قرارزیر را صادر مینماید :

نظر بعرضحال مورخه ۲۶ مه ۱۹۵۱ که همانروز بدفتر دیوان تسلیم وثبت گردیده است و بدان وسیله عطف باعلام قبول ترتیبات اختیاری ازطرف دولت انگلستان و دولت شاهنشاهی ایران دولت متحده بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی موضوع شرکت نفت ایران و انگلیس را بدیوان مراجعه نموده است .  
 بادر نظر گرفتن اینکه همانروز عرضحال مطابق بند ۲ ماده ۴۰ اساسنامه بدولت ایران ابلاغ گردیده و نیز همان روز نتایجی که اعلام شده تلگرافا بکشور مزبور اطلاع داده شده است

نظربه تلگراف مورخه ۲۸ مه ۱۹۵۱ تهران که بوسیله آن وزیر امور خارجه ایران وصول عرضحال را اطلاع و تذکر داده است که دولت متبوعه مشارالیه دیوان رادر رسیدگی بساین موضوع صالح نشناخته و پس از وصول عرضحال جواب مقتضی خواهد داد .

نظربقرار صادره بتاريخ امروز که طبق آن در نتیجه تقاضای مورخه ۲۲ ژوئن ۱۹۵۱ دولت انگلستان دیوان قرار تأمین تعیین نموده و این تعیین بهیچوجه لطمه بصلاحت دیوان نسبت بشناسائی کامل امر وارد نمیآورد .  
 مدت مهلت تسلیم اسناد کتبی مربوط بطرز عمل را بدین طریق مقرر داشته است :

برای یادداشت دولت انگلستان تا ۳ سپتامبر ۱۹۵۱

برای یادداشت جوابیه دولت شاهنشاهی ایران تا ۳ دسامبر ۱۹۵۱

دنباله طرز عمل را محفوظ میدارد

بفرانسه وانگلیسی که متن آن معتبر میباشد در دیوان لاهه ۵ ژوئیه ۱۹۵۱ درسه نسخه تنظیم گردیده که یکی از آنها در بایگانی دیوان ثبت و دو نسخه دیگر جهت دولتین انگلستان و دولت شاهنشاهی ایران ارسال میگردد .

امضاء رئیس دفتر

امضاء رئیس

ابلاغ قرار تأمین دیوان دادگستری لاهه  
 بدولت ایران  
 در تاریخ ۱۳ تیر ماه ۱۳۳۰

تاریخ پنجم ژوئیه ۱۹۵۱  
 دیوان بین‌المللی دادگستری سال ۱۹۵۱ ۵ ژوئیه ۱۹۵۱  
 قضیه شرکت نفت انگلیس و ایران تقاضای تعیین اقدامات تأمین (انگلیس - ایران) - قرار  
 حاضرین - آقای بادوان رئیس - آقای گرو نایب رئیس  
 آقایان الوارز - مک‌ورث - وینیارسکی - زریچیک - دویشر - سرار نلد مک تیر  
 کدستاد - بدوی پاشا - رید - هسومو:  
 آقای هامبر رئیس دفتر دیوان که بشرح فوق تشکیل شده  
 پس از مشاوره در تالار شورا  
 نظر بمواد ۴۱ و ۴۸ اساسنامه دیوان  
 نظر بماده ۱۶ آئین نامه دیوان

دردعوی که بموجب عرضحال مورخ ۲۶ می ۱۹۵۱ از طرف دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی بر علیه دولت ایران در قضیه شرکت نفت انگلیس و ایران در حضور دیوان افتتاح یافته قرار زیر را صادر مینمایند :

نظربه درخواست مورخ ۲۲ ژوئن ۱۹۵۱ که در همانروز به دفتر دیوان تسلیم و ثبت شده و بموجب آن دولت انگلیس با اشاره بماده ۴۱ اساسنامه و ماده ۶۱ آئین نامه و عطف بعرضحال مورخ ۲۶ می که بموجب آن حق تقاضای اقدامات تامینی را برای خود محفوظ داشته از دیوان درخواست نموده که درانتظار صدور رأی قطعی دیوان در قضیه شرکت نفت ایران و انگلیس مقرر دارد که :

الف — دولت شاهنشاهی ایران باید به شرکت نفت انگلیس و ایران محدود و کارکنان و مامورین آن اجازه دهد که نفت را جستجو و استخراج و حمل و تصفیه نمایند و بهر طریق دیگر مورد عمل قرار دهند و آنرا برای تجارت آماده کنند و نفت استخراجی را بفروشند یا صادر کنند و بطور کلی بهره برداری ای را که شرکت قبل از اول ماه می ۱۹۵۱ مینمود ادامه دهند و دولت شاهنشاهی ایران و کارمندان یا مامورین آن یا هر هیئت و کمیسیون یا کمیته یا دستگاه های دیگری که از طرف دولت نامبرده تعیین شده باشد باید از هر گونه مداخله که منظور آن ممانعت یا بسبب بمخاطره انداختن عملیات شرکت باشد خود داری نمایند .

ب — دولت شاهنشاهی ایران نباید بوسیله هیچ اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا از طریق قضائی از اجرای عملیات فوق یا ادامه اجرای آن بتوسط شرکت نفت انگلیس و ایران جلوگیری و ممانعت نمایند یا سعی در جلوگیری و ممانعت از آن کنند .

ج — دولت شاهنشاهی ایران نباید بوسیله هیچگونه اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا از طریق قضائی هیچیک از اموال شرکت نفت انگلیس و ایران را توقیف یا ضبط نماید یا سعی در توقیف و ضبط آن کند و بهیچ وجه باین قبیل اموال بانضمام ( ولی بدون لطمه به تصمیمی که در ماهیت امر گرفته خواهد شد ) اموالی که دولت شاهنشاهی ایران تاکنون ملی کرده یا به نحو دیگری خلعید نموده لطمه وارد آورد .

د — دولت شاهنشاهی ایران نباید بوسیله هیچگونه اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا از طریق قضائی وجوه تحصیل شده شرکت نفت انگلیس و ایران یا وجوهی که در تصرف یا تحت نظر شرکت نفت انگلیس و ایران است بانضمام ( ولی بدون لطمه به تصمیمی که در ماهیت امر گرفته خواهد شد ) وجوهی که دولت شاهنشاهی ایران ملی کرده یا بنحو دیگری خلعید نموده یا وجوه حاصله از اموالی را که دولت نامبرده ملی کرده یا به نحو دیگری مورد خلعید قرار داده توقیف یا ضبط نماید یا سعی در توقیف یا ضبط آن کند .

ه - دولت شاهنشاهی ایران نباید بوسیله هیچگونه اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا از طریق قضائی به شرکت نفت انگلیس و ایران دستور دهد که وجوه مذکور در بند (د) فوق مورد استفاده قرار گیرد یا سعی در صدور چنین دستوری کند مگر آنکه استفاده از این وجوه بر طبق مفاد قرارداد ۱۹۳۳ یا بر طبق هر اقدام دیگری که از طرف دیوان معلوم میشود باشد .

و - دولت شاهنشاهی ایران باید ترتیبی دهد که هیچ اقدامی بعمل نیاید که به حقوق دولت انگلستان در اجرای رائی که دیوان در ماهیت امر بر له او صادر میکند (در صورتیکه دیوان چنین رائی صادر کند) اصرار کند .

ز - دولت شاهنشاهی ایران و دولت انگلیس باید ترتیبی دهند که هیچ اقدامی بعمل نیاید که اختلاف مرجوعه بدیوان تشدید یا توسعه یا بد منجمله دولت شاهنشاهی ایران باید از هر گونه تبلیغات بمنظور تهییج افکار عمومی ایرانیان بر علیه شرکت نفت انگلیس و ایران و دولت انگلستان خودداری کند .

نظر باینکه روز تسلیم درخواست تعیین اقدامات تامینی متن درخواست مزبور بدولت ایران ارسال شده و نیز در همان روز استتاجات مذکور در آن بوسیله تلگراف بدولت نامبرده مضایقه شد .

نظر باینکه دفتر دیوان عطف به بند ۲ از ماده ۴۱ اساسنامه درخواست مذکور را به دبیر کل ملل متحد ابلاغ کرده و بر طبق بند ۳ از ماده ۴۰ اساسنامه درخواست مزبور توسط دبیر کل به اعضای ملل متحد و سایر دولتی که در مقابل دیوان اجازه اقامه دعوی دارند ابلاغ شده است نظر به بیامی که رئیس دیوان تلگرافا در تاریخ ۲۳ ژوئن به نخست وزیر و وزیر امور خارجه ایران بضمون زیر فرستاده :

چون دیوان باید برای رسیدگی به درخواست تعیین اقدامات تامینی که در تاریخ ۲۲ ژوئن توسط نماینده دولت انگلیس تسلیم شده تشکیل گردد لذا اینجانب بر طبق ماده ۱۶ آئین نامه موظف اقداماتی را که لازم میدانم بعمل آورم تا دیوان بتواند به طرز مفیدی اظهار نظر نماید . برای این منظور محترماً بآن جنابان پیشنهاد میکنم که دولت شاهنشاهی ایران به دوایر خود دستور دهد که از هر گونه اقداماتی که ممکن است اجرای رأی دیوان را غیر مقدور یا متغیر سازد خودداری نمایند و مراقبت کنند که از تشدید اختلاف مرجوعه به دیوان جلوگیری شود . اقداماتی که دولت شاهنشاهی ایران برای این منظور مقرر خواهد داشت بانظریاتی که دولت نامبرده خواه در طرز رسیدگی نسبت به درخواست اقدامات تامینی که هر یک از طرفین حق اظهار در جلسه سی ام ژوئن خواهند داشت و خواه بعداً نسبت به عرض حال مورخ ۲۶ می انگلستان مقتضی بدانند به نظر دیوان برسانند منافات نخواهد داشت .

نظر به پاسخ پیام مزبور که در تاریخ ۲۹ ژوئن تلگرافا به سفارت ایران در لاهه مخایره شده و همانروز توسط وزیر مختار ایران در لاهه بر رئیس دیوان تسلیم گردیده و به ثبت رسیده و به نمایندگی دولت انگلستان ابلاغ شده .

نظر به متن قطعی پاسخ مزبور که مرکب از پیامی بامضای ب . کاظمی وزیر امور خارجه ایران بانضمام شرحی متضمن سه پیوست است و متن مزبور در تاریخ سی ام ژوئن توسط وزیر مختار ایران در لاهه به رئیس دیوان تسلیم شده و آن نیز به نمایندگی انگلیس ابلاغ گردیده .

نظر باینکه پاسخ مزبور اشعار میدارد که :

بنابر ملاحظات فوق دولت ایران امیدوار است که دیوان نظر به فقد اختیار قضائی مدعی و باتوجه باینکه اجرای حقوق حاکمیت قابل رجوع به دیوان نیست اعلام نماید که موضوع از صلاحیت او خارج است .

در این شرایط درخواست تعیین اقدامات تامینی بالطبع مردود است .

نظر باینکه ۲۳ ژوئن یعنی روز بعد از تسلیم درخواست تعیین اقدامات تامینی بدولت انگلیس بوسیله نماینده ای که در این قضیه تعیین کرده و بدولت ایران بوسیله وزیر امور خارجه آن اطلاع داده شد که دیوان جلسه خود را روز سی ام ژوئن تشکیل خواهد داد تا طرفین بتوانند ملاحظات خود را درباره درخواست اظهار نمایند .

نظر باینکه در موقع شروع جلسه ای که بدین طریق تعیین شده بود رئیس دیوان مشاهده نمود که نماینده دولت انگلیس سر اریک بکت ک . سی . ج . ک . سی . مشاوره حقوقی وزارت خارجه انگلیس و جناب سرفرانک ساسکیس ک . سی . م . پ دادستان کل و آقای . ح . لوئز پاکت ک . سی . استاد حقوق بین الملل در دانشگاه کامبریج و آقای ا . ک . راتنی از اداره شرق وزارت امور خارجه و آقایان ج . ا . پ فیشر و د . ح . ن جانسون مشاورین در دیوان حضور دارند .

نظر باینکه دولت ایران به این جلسه نماینده نفرستاده .

بیانات سرفرانک ساسکیس رادرباب ملاحظاتی که بنام دولت انگلیس راجع به درخواست تعیین اقدامات تامینی ابراز نمود استماع کرد .

نظر باینکه استنتاجات درخواست دولت انگلیس که در بالا ذکر گردید در جلسه تأیید گردید .

نظر باینکه دولت ایران در پیام ۲۹ ژوئن ۱۹۵۱ خود اظهار داشته که درخواست دولت انگلیس رامینی بر اقدامات تامینی رد مینماید و علل عمده آنرا عدم صلاحیت دولت انگلیس در مراجعه بدیوان در قضیه اختلاف حاصله بین دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس و همچنین کیفیات این اختلاف که مربوط باجرای حقوق حاکمیت ایران منحصراً در صلاحیت ملی این دولت است ذکر نموده و باین دلیل رسیدگی بآن را بعلت نوع اختلاف از اصول حل اختلاف مشروحه در منشور خارج میدانند .



نظر باینکه از عرضحال تقاضای رسیدگی دولت انگلیس مستفاد میگردد که دولت نامبرده در این قضیه برای يك شرکت انگلیسی تقاضای احقاق حق مینماید و بعنوان حمایت سیاسی اقدام میکند .

نظر باینکه شکایت مندرجه در عرضحال عبارت از ادعای نقض حقوق بین‌المللی است که بانقض قرارداد امتیاز مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ ایجاد گردیده و همچنین عبارت از استکف از دادرسی است که بعقیده دولت انگلیس ناشی از امتناع دولت ایران از قبول داورى مذکور در این قرار داد میباشد و بنا بر این نمیتوان ( a priori ) قبول کرد که درخواستی که مبنی بر چنین شکایتی باشد بکلی از حیثه قضاوت بین‌المللی خارج است .

نظر باینکه ملاحظات فوق کافی است که بدیوان از نظر حقوقی اجازه دهد که درخواست تعیین اقدامات تأمین را رسیدگی کند .

نظر باینکه تعیین این اقدامات بهیچوجه در صلاحیت دیوان از حیث رسیدگی بماهیت امر لطمه وارد نمیکند و حق مدعی علیه را از حیث اقامه وسایل خود بمنظور رد صلاحیت محرز نگاه میدارد .

نظر باینکه منظور از اقدامات تأمینی مذکوره در اساسنامه عبارت از حفظ حقوق هر يك از طرفین تازمان صدور رای دیوان است و از فورمول کلی که در ماده ۱۸ اساسنامه استعمال شده و از حقی که بند ۶ از ماده ۱۶ آئین نامه برای دیوان قائل گردیده که اساساً اقدامات تأمینی را تعیین نماید چنین نتیجه گرفته میشود که دیوان باید با این قبیل وسایل در حفظ حقوقی که حکم صادره دیوان بعداً خواه برای مدعی و خواه مدعی علیه احیاناً بشناسد اقدام کند

نظر باینکه اوضاع فعلی تعیین اقدامات تأمینی را متوجه میسازد .

بنا بر این جهات

دیوان

در انتظار رای قطعی در دعوی ای که دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی در تاریخ ۲۶ می ۱۹۵۱ بر علیه دولت شاهنشاهی ایران اقامه نموده اقدامات تأمینی ذیل را تعیین مینماید که بر اساس احترام متقابل اجرا شود:

۱ — دولت ایران و دولت انگلیس هر کدام مراقبت نمایند که از هر گونه عمل زیان آور نسبت بحقوق طرف دیگر در اجرای رأی که دیوان ممکن است در ماهیت امر صادر نماید جلوگیری کند .

۲ — دولت ایران و دولت انگلیس هر کدام مراقبت نمایند که از هر گونه عملی از هر قبیل که ممکن است اختلاف مرجوع بدیوان را تشدید یا توسعه دهد جلوگیری کند .

۳ — دولت ایران و دولت انگلیس هر کدام مراقبت نمایند که هیچگونه اقدامی از هر قبیل بمنظور ممانعت از ادامه بهره برداری صنعتی و بازرگانی شرکت نفت انگلیس و

ایران بنحوی که شرکت نامبرده قبل از اول می ۱۹۵۱ عمل می کرد اجرا نشود .  
 ۴ - بهره برداری شرکت در ایران تحت ریاست اعضای مدیره آن بشکلی  
 که قبل از اول می ۱۹۵۱ موجود بود باقید تغییراتی که ممکن است با موافقت کمیسیون  
 نظارت مذکور در بند ۵ بعمل آید ادامه یابد .

۵ - برای تامین اجرای کامل مقررات فوق که بهر حال اعتبار خود را حفظ  
 مینمایند با توافق دولت ایران و دولت انگلیس کمیسینی بنام کمیسیون نظارت مرکب از  
 دو عضو بتعین هریک از دول فوق و یک عضو پنجم تبعه یک دولت ثالث که با توافق دول  
 مزبور یادر صورت عدم توافق بنا بتقاضای مشترک طرفین توسط رئیس دیوان تعیین شود  
 تشکیل گردد .

وظیفه کمیسیون عبارت از این خواهد بود که مراقبت نماید که بهره برداری شرکت  
 مطابق مقررات مذکور فوق ادامه یابد منجمله وظیفه دار خواهد بود که در آمده های رسیدگی  
 کنندو مراقبت نماید که وجوه حاصله از درآمد های دریافتی که اضافه بر هزینه های ضروری  
 جریان عادی بهره برداری و سایر عوارض عادی متعلق بشرکت نفت انگلیس و ایران باشد  
 بمؤسسات بانکی که کمیسیون مزبور انتخاب خواهد نمود پرداخت شود و مؤسسات بانکی  
 مزبور تعهد نمایند که آن وجوه راجز بر طبق نتایجی که خواه از تصمیمات دیوان و خواه  
 از موافقت طرفین حاصل شود بمصرف نرسانند .

در کاخ صلح لاهه بتاريخ پنجم ژوئیه بانگلیسی و فرانسه ( متن انگلیسی معتبر است )  
 در چهار نسخه تنظیم شد که یک نسخه آن به بایگانی دیوان و نسخه دیگر بدولت شاهنشاهی  
 ایران و دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و دبیر کل ملل متحد برای ارسال بشورای  
 امنیت تسلیم خواهد شد .

رئیس امضاء : بادوان - رئیس دفتر : امضاء هامبرو

آقای وینارسکی و بدوی پاشا قضات اعلام می دارند که نمیتوانند باقرار  
 دیوان موافقت نمایند و شرح مشترك عقیده مخالف خود را بقرار دیوان  
 پیوست مینمایند .

پاراف ۱ - ج

پاراف ۳ - ب

### عقیده مخالف آقای وینارسکی و بدوی پاشا

هر قدر که اقدامات تأمینی مذکور در این قرار موجه بنظر رسد ما معتقدیم که  
 دیوان نبایستی این اقدامات را نظربه دلایل اصولی که ما خود را موظف باشعار آنها  
 بطور اختصار میدانیم تعیین نماید .

مسئله اقدامات تأمینی برای دیوان وابسته بمسئله صلاحیت است . دیوان نمی  
 تواند اقدامات مزبور را تعیین نماید مگر آنکه صلاحیت خود را برای رسیدگی بماهیت

امر ولو بطور موقت تصدیق کند. ماده ۴۱ اساسنامه بدیوان حق میدهد که اقدامات تأمینی را « در صورتیکه معتقد باشد اوضاع ایجاب بنماید » تعیین کند. مقررات این ماده بنا بر فرض قبلی صلاحیت دادگاه است. این ماده در فصل « طرز رسیدگی » مندرج است و صحبت از طرفین میکند: بنابراین باید طرز رسیدگی بمفهوم اساسنامه موجود باشد یعنی طرفهائی وجود داشته باشد.

مطمئناً نمیتوان تقاضا کرد که در صورت اعتراض صلاحیت دیوان موضوع صلاحیت خود را قبل از تعیین اقدامات تأمینی قطع کند: در چنین صورتی ممکن است درخواست بی موضوع گردد ولی دیوان باید صلاحیت خود را بطور احتمال عقلانی تشخیص دهد.

ماده ۴۱ بدیوان حق تشخیص دیگری میدهد ( این مسئله کاملاً طبیعی است ) و آن اینست که تشخیص دهد آیا کیفیات مستلزم تعیین اقدامات تأمینی هست یا نیست و از این نقطه نظر اختیار دیوان بین المللی دادگستری در اصل موضوع با اختیار دادگاه ملی تفاوت ندارد. انزلیتی رئیس دیوان در یک عقیده مخالف ( قضیه فرم، کشاورزی لهستان، ۱۹۳۳ ) تا آنجا رفته گفته است که اگر قضاوت اختصاری ( summaria cognitio ) که خاصه این نوع رسیدگی است اجازه میداد که امکان حق مورد ادعا و امکان خطری که حق مزبور مواجه با آن است مورد توجه قرار گیرد اقدامات تأمینی باید اعطاء شود. معیناً چون اقدامات تأمینی جنبه استثنائی دارد و خارج از حدود حقوق عمومی است دادگاه باید وضع را مجموعاً مورد نظر قرار دهد. بدین طریق است که مثلاً در کشور هائی که تعلیق موقت را ( temporary injunction ) معمول میدارند در صورتی که اقدامات مورد تقاضا برای مدعی علیه خیلی سخت باشد قاضی قرار اقدامات مزبور را صادر نخواهد کرد مگر آنکه مدعی بنظر وی روشن برسد و نیز بهمین ترتیب اگر احتمال کلی دهه که مدعی مهاکمه را خواهد باخت قرار اقدامات درخواستی را صادر نخواهد کرد. مسئله صلاحیت دادگاه ملی عملاً بیش نمیباید زیرا شاکه بدادگاه صلاحیت دار رجوع میکنند. اگر دادگاه صالح نباشد دستور اقدامات تأمینی نخواهد داد ولی در حقوق داخلی همیشه يك دادگاه صلاحیت دار هست.

در حقوق بین المللی رضایت طرفین بدیوان حق قضاوت میدهد و صلاحیت دیوان فقط دو حدودی است که طرفین حق قضاوت او را قبول کرده باشند. اختیاری که ماده ۴۱ بدیوان داده بلا شرط نیست بلکه این اختیار برای مقاصد دعوی و در حدود دعوی باو داده شده است. اگر صلاحیت ماهوی نداشته باشد صلاحیت تعیین اقدامات تأمینی نیز ندارد. این اقدامات در حقوق بین المللی خیلی بیشتر از حقوق داخلی جنبه استثنائی دارد و سهولت میتوان آنها را در حکم مداخله ای در امور يك کشور مستقل تلقی کرد که بزحمت قابل اغماض است. بهمین دلیل نیز دیوان نباید اقدامات تأمینی معین کند مگر آنکه صلاحیت آن در صورتیکه مورد تردید واقع شده باشد مع الوصف بنظر او بطور عقلانی محتمل باشد. این تشخیص باید پس از يك رسیدگی عمیق از طرف دیوان و قضاوت یا کلیه تصمیمات مقرر به موجب قواعد رسیدگی اتخاذ شود لطمه وارد آورد. برای ما

مشکل است که این نظریه را قبول کنیم که اگر در نظر اول (prima facie) عدم صلاحیت کامل مسلم نباشد و بالنتیجه اگر امکان صلاحیت دیوان هر قدر ضعیف باشد موجود باشد دیوان بتواند اقدامات تأمینی تعیین کند. این طریقه که خود نیز مشتمل بر یک عامل تشخیص است و آزادی اظهار نظر قطعی دادگاه را در صلاحیت خود با علا درجه حفظ نمیکند ظاهراً ناشی از فرض قبلی بر له صلاحیت دیوان میباشد و این اصول حقوق بین‌المللی مطابقت ندارد. برای اینکه با حقوق بین‌المللی مطابقت داشته باشیم باید موقیقتها را معکوس کرد: اگر دلائل قوی بر له صلاحیت مورد اعتراض موجود است دیوان میتواند اقدامات تأمینی تعیین کند ولی اگر بر علیه این صلاحیت تردید جدی یا دلائل قوی موجود باشد دیوان نمیتواند اقدامات مزبور را قائل شود.

برای اینکه اهمیت این مسئله را کوچک جلوه دهند نظائری از عمل دادگاههای مختلف حکمت اخذ و در مقابل دیوان بآن استناد کرده‌اند و حال آنکه این دادگاه ها که دستگاه های مشترک دو دولتند از حیث نوع و طرز رسیدگی با دادگاههای بین‌المللی و بالنتیجه با دیوان بین‌المللی دادگستری فرق دارند پس بنابراین نمیتوان چیزی از طرز قضاوت آنها اتخاذ کرد.

همچنین به طرز قضاوت دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی استناد کرده‌اند و حال آنکه طرز قضاوت مزبور بهیچوجه نظریه ایراکه اقامه شده است موجه نیسازد. در آنجا اقدامات تأمینی درشش مورد تقاضا شده ولی فقط در دو مورد قبول گردیده است. در قضیه چین و بلژیک (۱۹۲۷) رئیس ابتدا اقدامات تأمینی را رد کرد بعداً اعطاء نموده و بالاخره آنرا انشاء کرده است: در قرار مربوطه رئیس توجه کرده و گفته: بطور موقت در انتظار حکم قطعی که دیوان صادر خواهد کرد... خواه برای تشخیص صلاحیت خود و خواه برای اظهار نظر در ماهیت دعوی. در موقع انشاء اقدامات مزبور رئیس شرح داده که وضع چگونه بوده است: چون موعد مقرر جهت تسلیم یاد داشت جوابیه منقضی نگردیده مدعی علیه موقعیت نیافته که قبولی احتمالی خود را نسبت بقضاوت دیوان در قضیه اظهار بدارد. در قضیه کمپانی برق صوفیه و بلغارستان (۱۹۳۹) بلغارستان بدیوان اعتراض عدم صلاحیت نموده و این اعتراض توسط دیوان رسیدگی و نسبت بقسمتی از قضیه تصدیق شده و نسبت به بقیه دیوان صلاحیت خود را اعلام داشته است. فقط پس از این تشریفات بوده که دیوان اقدامات تأمینی را آنهم با عبارات خیلی کلی تعیین نموده است. مطمئناً مواردی هست که در صلاحیت فقط بعنوان وسیله ساده دفاع تلقی میشود و طرفی که اعتراضش رد میشود شرکت در محاکمه را ادامه میدهد ولی در مورد مواضع کاملاً فرق ندارد. ایران تأیید می نماید که قضاوت دیوان را در این مورد قبول ندارد و از نظر حقوقی بهیچوجه ملزم نیست. از حضور در دیوان خود داری کرده و علل روش خود را اندک نموده است. بنابراین دیوان باید بمنظور تصمیمی که در موضوع اقدامات تأمینی اتخاذ خواهد کرد بطور اجمال و موقت تشخیص دهد که از دو نتیجه ای که ممکن است بالاخره

در موضوع صلاحیت خود بدست آورد کدامیک محتملتر است .  
 در اینخصوص رسیدگی اجمال دلائل مختلف صلاحیتی که توسط دولت انگلیس  
 اظهار شده مارا باین نتیجه موقت میرساند که اگر دولت ایران حق قضاوت دیوان را  
 مطابق پیشنهادی که انگلستان در بند ۲۰ عرضحال خود نموده ( بمنظور فرعی خواه  
 دیوان حق قضاوت در این قضیه رداشته باشد یا نداشته باشد ... دولت انگلستان مطمئن  
 است که ... ایران ... داوطلبانه قبول خواهد کرد که در مقابل دادگاه حضور یابد )  
 قبول نماید دیوان در رای نهانی خود ناچار خواهد شد که عدم صلاحیت خود را  
 در این قضیه اعلام دارد و چون کیفیات چنین است اقدامات تامینی نمیبایست تعیین  
 شده باشد . .

بدوی پاشا

ب. وینارسکی

## گزارش آقای اردلان عضو هیئت مختلط

بمجلس شورای ملی

در تاریخ ۱۳ تیر ماه ۱۳۳۰

آقایان مستحضرند که در نهم اردیبهشت امسال قانونی از مجلس گذشت که ماده دوم آن دولت را مکلف کرده بود که با نظارت هیئت مختلط از شرکت سابق نفت خلع ید کند آقایان دکتر متین دفتری و مکی و بنده از طرف کمیسیون مختلط انتخاب شدیم تا در اجرای خلع ید نظارت کنیم

البته ماشش نفر یعنی نمایندگان دولت و هیئت مختلط در خوزستان حکم یک واحد رداشتیم وقتی باهواز و آبادان وارد شدیم اهالی خوزستان از ما چنان استقبالی کردند که در ایران سابقه نداشت .

کارگران فقیر ایرانی بایول خود صدها گوسفند قربانی کردند و این احساسات

واقعا بی نظیر بود و من بنام يك نماینده مجلس شورای ملی از احساسات بی شائبه ملت ایران تشکر میکنم .

البته این امر خصوصياتی هم داشت از جمله اینکه شیوخ اعراب بواسطه طرحی که آقای دکتر متین دفتری تنظیم و تقدیم کرده بودند نخلستان های آنها سر و صورتی پیدا کرده و از این رو آنها آمده بودند و ما را استقبال خوبی کردند از آقای مکی استقبال بی نظیری میکردند و همه جا او را سر باز فدکار ایران می خواندند و باشوق زیاد دست و صورت او را می بوسیدند .

عده ای از کارمندان هم شاگردان آقایان دکتر متین دفتری و مهندس بازرگان بودند و از لحاظ استادی و شاگردی ابراز احساسات نسبت ب ما میکردند . مجموعه اینها یکوضع بسیار تماشائی ایجاد کرده بود

مرکز کار ما در خرمشهر بود و هیئت شش نفری رفتیم بمركز کار خود مان . البته در مرحله اول قدری از لحاظ مکان و مسکن دچار مشکلات شدیم ولی این مشکلات بعد مرتفع شد و اولین برخورد ما با آقای دريك این بود که باین نکته برخوردیم که ایشان اهدا خودشان را آشنا با قانون ملی کردن نفت که از مجلسین گذشته بود نمیکردند و باز صحبت از قرار داد ۱۹۳۳ مینمودند و ما رامیهمان شرکت سابق میخواندند در برابر اینمدت ما میخواستیم بدنیای آزاد بگوئیم که حاضریم نفت خود را بآنها بفروشیم و حاضر نیستیم که چرخهای اقتصادی آنها از کسار بیفتد . این سیاست اصلی ما بود و در عین حال مسبوق بودیم که هئتی هم از انگلستان برای مذاکره بتهران می آید .

ما میدانستیم که دو ماه از قانون موجود است که میتوان در اطراف آن مذاکره کرد . با کمال تأسف بعدا اطلاع یافتیم که نمایندگان شرکت سابق کاغذی بدولت نوشتند و دولت هم نتوانست با آنها وارد مذاکره شود زیرا پیشنهادشان مطابق قانون ملی صنعت نفت نبود و وقتی نمایندگان شرکت سابق بانگلستان مراجعت کردند ما دیدیم دیگر مسامحه نمیتوان کرد . و خلع ید را عملی کردیم لازمست عرض کنم وضع کار گران ایرانی بسیار رقت بار بود و من بارها با آقای دريك در این خصوص مذاکره کردم .

هشتاد درصد کار گران ایرانی به تصدیق شرکت سابق منزل و ماوا نداشتند بعضی از اینها چادر های نازکی داشتند که خانواده بیچاره این کار گران در زیر ۸۵ سانتیگراد درجه حرارت در آن چادر های نازک زندگی میکردند و تازه شرکت ماهی نه تومان بابت کرایه چادر از آنها پول میگرفت .

بهر حال ما به آقای دريك گفتیم اگر شما مایلید که در شرکت نفت ملی ایران خدمت کنید حاضریم با کمال میل شمارا بپذیریم و اگر هم مایل نیستید آزادید که بروید بعدها هم گفتیم که ما بشما یکماه مهلت جواب میدهیم همانطور که آقای دريك به پیچوجه خودش را آشنا نیکرد که چنین قانونی از مجلس ایران گذشته است لذا نامه ای بدریک

نوشتیم و گفتیم اگر تا یک هفته دیگر قبولی خود را برای ادامه کار اعلام نکنید ما شما را مستعفی می‌شماریم.

این کاغذ سبب شد که او بی‌بصره رفت و نامه‌ای نوشت و گفت من از آنجا شرکت را اداره می‌کنم گمان می‌کنم آقای دریک وقتی فهمید که نفت ملی شده که ما آقای مهندس بازرگان را بجای ایشان بر سر کار نشان‌دیم و از این تاریخ بی‌عده ماده دوم مربوط بخلع ید اجرا شد. موضوع مهم دیگر مسئله کشتیها بود.

کشتیهای که در خسرو آباد و بندر معشور لنگر می‌انداختند حواله جاتی از شرکت سابق داشتند که برای ما ارزشی نداشت.

ما باینها گفتیم که شما باید رسیدی بدهید و فعلا هم اگر پول بدهید اشکال ندارد.

چون منظور اصلی ما این بود که بدنیای آزاد بگوئیم که ما نفت شما را قطع نخواهیم کرد و اگر قطع شود لاقول مامسئول آن نمی‌باشیم تا برای ما نروند در لاهه پرونده بسازند.

من نمونه این رسید را با خودم آورده‌ام یک طرفش بفارسی و یک طرفش بانگلیسی نوشته شده که من ناخدای فلان کشتی فلان مقدار نفت از شرکت ملی نفت ایران دریافت داشتم و طبق این سند ناخدای کشتی یکماه بعد پول نفت را می‌آورد و تحویل می‌داد در همان روزهای اول سه کشتی حاضر شدند که این رسید را امضاء کنند ولی آقای دریک بآنها امر کرد که آن را امضاء نکنند و شما آقایان نمایندگان و همچنین دنیای آزاد باید بدانند که باعث متوقف شدن جریان نفت بطرف جهان شرکت سابق نفت است نه ما (صحیح است) زیرا این رسید هیچ چیز فوق العاده در بر نداشت.

من دو نکته را باید عرض کنم اول اینکه چگونه قنسولگری انگلیس میخواست در این امر مداخله کند.

یکروز ما دیدیم بدون خبر آقای دریک و قنسول انگلیس در اطاق ما را باز کردند کردند و هر دو وارد شدند.

ما بالصراحه بآقای دریک گفتیم که با حضور قنسول انگلیس ماصحبت نمی‌کنیم زیرا ما با دولت انگلستان طرف نیستیم.

تنها کاری که توانستیم بکنیم این بود که از اطاق بیرون رفتیم و آقایان هم بعد خارج شدند.

چندروز قبل باز دیدیم که عین همین صحنه تکرار شد و باز ما از اطاق رفتیم بیرون اما چندروز بعد ژنرال قنسول از مادعوتی بعمل آورد و ما هم آنرا پذیرفتیم و در ملاقات خود با او گفتیم که ما کمال علاقه را نسبت بدوستی با دولت انگلیس داریم ولی نمیتوانیم شما را در امر نفت دخالت دهیم.

من با آقای ژنرال قنسول گفتم که تاریخ نشان میدهد که امپراطوری های برتر



هروقت اشتباهی مرتکب شدند روبه ضعف گذاشتند و من هنوز نفهمیدم چرا دولت انگلیس از شرکت سابق نفت حمایت میکند.

موضوع دیگر راجع بناو جنگی آنهاست که در شط العرب لنگر انداخته است البته هروز که از خرمشهر باآبادان میرفتم باکمال تاسف لوله‌های توپ این ناورا میدیدیم که متوجه خاک کشور عزیزماست و این امر موجب می‌شد که خاطر ما از دولت انگلستان جریحه دار شود.

گرچه ما باید از دولت عراق گله کنیم که چرا خاک خود را پایگاه کشتی جنگی انگلیسها کرده است.

ولی بنام نماینده مجلس شورای من ناچارم که از مردم رشید بصره تشکر کنم زیرا یکروز که اجتماع عظیم تشکیل دادند و علیه دولت خود که آبهای خود را پایگاه کشتی جنگی انگلیس کرده تظاهراتی بعمل آوردند و ما صدای آنها را در همسایگی خود می‌شنیدیم که ابراز احساسات کرده و نسبت به لنگر انداختن کشتی انگلیسی ابراز نفرت مینمودند.

این احساسات پاک مردم بصره در خور تشکر ملت ایران است ( نمایندگان صحیح است ).

بهر حال وقتی ما در موقع خلع ید قدرت نشان دادیم یکروز يك انگلیسی دسته‌ای کاغذ روی میز ما گذاشت و این کاغذها استعفای دسته جمعی انگلیسها بود اما فردای آن روز که جمعه بود آمدند و گفتند منظور ما از این کاغذها استعفا نبوده است.

بهر حال روز بعد همه بر سر کارهای خود رفتند چه همکاران در يك استعفای آقایان فعلا روی میز هیئت مامور خلع ید موجود است ولی مع الوصف آنها سرکار هایشان هم میروند.

مادر همان روزاول عده‌ای از انگلیسها را که کار آنها را ایرانی‌ها می‌توانستند بکنند بیرون کردیم و جای آنها افراد ایرانی گذاشتیم خیلی از کارها را ایرانیها میتوانند بکنند مثلا یک نفر آنجا هست که کانه دارد و ماهی هفت هشت هزار تومان پول میگیرد درحالی که یک نفر ایرانی هم میتواند جای او را بگیرد یا اینکه یک نفر دیگر در آنجا است که خانه وزندگی و حقوق مرتب دارد و کار او اینست که شپهای یکشنبه انگلیسها را جمع کند و ببخنداند قسمت دوم عرایضم این بود که ما باید در آینده چه بکنیم؟

اولا باید عرض کنم که تصمیم مجلسین ایران که پیروی از افکار عمومی گرفته شد يك تصمیم مهمی است که ممکن است در آینده بخاطر آن مشکلاتی در پیش داشته باشیم ولی البته این مشکلات بامتان و بردباری قابل حل خواهد بود

یکی از این مشکلات همین موضوع کشتی های نفتکش است. آقایان باید بدانند که در دنیای امروز از صد کشتی نفتکش فقط پنجاه و پنج درصد آن متعلق بشرکت سابق است و چهل و پنج درصد بقیه آزادند و میتوانند نفت ما را حمل و نقل کنند.

ما با کمال خوشوقتی پیشنهادی از آقای انتظام‌آسفر گبیر ایران در یافت کردیم که یک شرکت مختلط که مقرش در امریکاست و مرکب از چند دولت اروپائی و امریکائی است حاضر شده نفت مارا با کشتیهای خود بیازار ببرد. علاوه هندها هم پیشنهادهای متعددی کرده‌اند و چند نفر ایتالیائی هم آمده‌اند که دارند مطالعاتی میکنند ایتالیائیها بطور پایاپای از شرکت سابق سی و سه در صد نفت مورد احتیاج کشور خود رامیخریدند و ما هم میتوانیم اینکار را بکنیم

عرض دیگر بنده راجع بهیئت مدیره موقت است که بسیا زنده است که ما اسم این هیئت راموقت بگذاریم.

اساسنامه شرکت ملی نفت در سی صفحه نوشته شده و اکنون در کمیسیون موردشور است و من خواستم پرسش آیا تصویب این همه مواد در مجلس کار سهل و ساده ایست.

چون مسلما این امر کار ساده‌ای نیست من پیشنهاد میکنم که ماده واحده‌ای در این خصوص بگذرد و اساسنامه یکبارہ تصویب شود تا هیئت مدیره موقت رسما مشغول کارشود.

بنظر من اگر یک یک مواد اساسنامه مزبور بخواهد در مجلسین تصویب شود وقته عظیمی در کار ما ایجاد خواهد نمود

من با اطمینان یقین دارم که قانون ملی شدن صنعت نفت باعث نجات مملکت ما خواهد شدو اگر هم عجله‌ای شده یا شود صد در صد بِنفع کشور بوده وهست.

زیرا سیل طلاست که هر روزه از مملکت ما خارج میشود و اگر این طلاها مال ما باشد از بدبختی امروز بیرون خواهیم رفت

نکته سوم اینستکه ما باید وضع کارگران ایرانی خوزستان را بهبود بخشیم زیرا واقعا وضعشان رقت بار است و ما امید واریم وضع زندگی آن هارا عوض کنیم.

بهر حال آقایان اروپای غربی محتاج نفت ماست و من خیال نمیکنم شرکت سابق بتواند آنها را در مضیقه بگذارد و تا مدت زیادی جلوی کشتیهای نفتکش را بگیرد.

بالاخره خودشان خواهند آمد و از نفت ما استفاده خواهند کرد.

روز اول بمن آمدند و گفتند در تلفن که صحبت میکنید آنها میشوند من در جواب گفتم بشنوند مایک تقاضای مشروع داریم که دنیای آزاد آنرا قبول می کند و آن اینستکه ما میخواستیم خودمان سرنوشت نفت خود را بدست بگیریم.

مسئله دیگر وضع کارمندان انگلیسی است که استعفایشان را نوشته اند ولی بیرون هم نمیروند. ما باید بآنها بنویسیم یا بروند یا اینکه اگر بمانند باید کاملا تابع شرکت ملی نفت ایران باشند زیرا وضع فعلی آنها ممکن است مضراتی در بر داشته باشد مسئله دیگر اینکه آقایان باید اطمینان داشته باشند که آبادان امن ترین نقاط

کشور است مایبوسته مردم را دعوت به آرامش میکردیم و روزی که ما پرچم ایران را بالا میبردیم روز کار بود و در عرض چند دقیقه سی هزار نفر کارگر برای ابراز احساسات در مقابل جنرال افیس جمع شدند و چون تعطیل کار صلاح نبود آقای مکی از آنها خواهش کرد که متفرق شوند و بسرکار خود بروند و خدا شاهد است که در عرض ده دقیقه این سی هزار نفر مثل اینکه آب شدند و بزمین رفتند .

اینست که به یقین عرض می کنم که آبادان منظم ترین و امن ترین نقاط ایران است .

بهر حال دنیا باید بداند که آوردن رزمنان برای حفظ جان و مال اتباع انگلیسی جز مغلطه چیزی نیست و ملت ایران خواهان اجرای این قانون است ( صحیح است )

این نکته را هم باید بعرض برسانم که بدنیت ما در سال اول کار خودمان صدی دویاسه در فروش نفت نسبت به قیمت بین المللی تخفیف بدهیم تا مشتری جلب کنیم و البته اینکار را شاید عملی کنیم تا ۲۵ روز دیگر انبارها گنجایش نفت دارد و البته اگر کشتیها برای بردن نفت نیابند استخراج متوقف خواهد شد . این بود گزارش بنده ( احسنت . احسنت )

## متن یادداشت دولت انگلستان بدولت ایران

در تاریخ ۱۵ تیر ماه ۱۳۳۰

### آقای وزیر

برحسب دستور دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان محترماً باطلاع آن جناب می‌رساند.

بطوریکه قبلاً نیز برای اطلاع عموم اعلام گردیده دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با کلیه توصیه‌های دادگاه بین‌المللی لاهه که بر حسب تقاضای کشور متحده انگلیس جهت تعیین اقدامات موقت حفاظتی مربوط باختلافات فعلی نفت بعمل آمده است موافقت دارد.

بتصور اینکه دولت شاهنشاهی ایران نیز بهمین نحو با توصیه‌های مزبور کاملاً موافقت دارند دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان برای تعیین نمایندگان خود بفضویت هیئت نظارتی که از طرف دادگاه توصیه شده مشغول مطالعه می‌باشد و امیدوار است در

آتیه خیلی نزدیکی دولت شاهنشاهی ایران را از اسامی نمایندگان خود آگاه سازد .  
دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مسرور خواهد شد بموقع از اسامی دو  
نفر نمایندگانسی که از طرف دولت شاهنشاهی ایران تعیین خواهند گردید اطلاع  
حاصل نماید .

بعلاوه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان امیدوار است بزودی بتواند پیشنهاداتی  
راجع به تعیین عضو پنجم هیئت که نام او مسرور موافقت دو دولت قرار گیرد بدهد و نیز  
مشعوف خواهد شد از هر گونه پیشنهادیکه دولت شاهنشاهی ایران در این زمینه داشته  
باشند آگاه گردد .

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان يك یادداشت دیگری راجع باجرای مشروح  
توصیه های دادگاه مخصوصاً درباره اقداماتی که بناست بعمل آید تا ادامه عملیات شرکت  
نفت را بر اساس پیشنهادی دادگاه ممکن سازد بعنوان دولت شاهنشاهی ایران ارسال  
خواهد داشت .

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید مینمایم . -

( اف . ام . شپرد )

## متن رأی دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه در تاریخ ۱۵ مرداد ماه ۱۳۳۰

لاهه - ل ۳۱۵ د ۰ ل ۰ ن ۱۹۵۱

وزارت امور خارجه - تهران

۱۴۰۴۸ مفتخر اطلاع میدهد که دادگاه امروز در خصوص تقاضای دولت انگلیس

مبنی بر اتخاذ تدابیر موقتی قرار صادر نمود .

در تعقیب بند اجرایی متخذ از آنجائی که در شکایت متضمن دو عرضحال که در آن دعوی تخلف از قانون بین‌المللی بعلت نقض قرار داد امتیاز ۲۱ آوریل ۱۹۳۳ شده و بعلت استنکاف از دادخواهی که دولت انگلستان در صورت امتناع دولت ایران از قبول دآوری طبق همان قرارداد بایستی تعقیب نماید و چون بطریق اولی نمیتوان قبول نمود دعاوی که براساس چنین شکایتی قرار گرفته بکلی از حیطه قضائی بین‌المللی خارج میباشد و نظر باینکه مسراتب مشروجه در جمله قبل برای اختیار دادن بدادگاه کافی میباشد درخواست اتخاذ تدابیر موقتی برای حفاظت میشود از آنجائی که تعیین این تدابیر

در صلاحیت دادگاه برای رسیدگی بماهیت دعوی بهیچوجه نباید بعنوان قبلی تلقی شود و نسبت بحق مدافع که بر علیه چنین صلاحیتی ادله ابراز میدارد تاثیری ندارد و از آنجائی که منظور از تدابیر موقتی حمایتی است که در اساسنامه برای حفظ حقوق مربوطه طرفین تا صدور رای دادگاه پیش بینی شده است و از آنجائیکه مقررات عمومی ماده ۴۱ اساسنامه و موجب اختیاراتی که ماده ۶۱ و بند ۶ آئین نامه دادگاه مبنی بر تعیین تدابیر موقتی حمایت مقرر میدارد برای خودمان (Proprio Motu) چنین نتیجه گرفته میشود که دادگاه بایستی بوسیله آن اقدامات حفاظت حقوقی را که ممکن است بعداً بوسیله رای خود بعهده یکی از طرفین مدعی و مدعی علیه محول سازد مورد توجه قرار دهد و از آنجائی که وضع حاضر امر تعیین اقدامات موقتی حفاظت را ایجاب میکند باین دلائل دادگاه تا تصمیم نهائی خود نسبت بعرضحال مورخ ۲۶ مه ۱۹۵۱ که دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی بر علیه دولت شاهنشاهی تسلیم نموده اقدامات موقتی ذیل را که بر اساس رعایت متقابل بایستی اجرا شود تعیین میکند :

اول دولت ایران و دولت انگلستان بایستی هر يك مراقبت نمایند هیچگونه اقدامی که ممکن است حق طرف دیگر را در خصوص اجرای هر گونه تصمیمی نسبت به رای دادگاه بعداً صادر نماید تضییع نماید بعمل نیارند .

دوم دولت ایران و دولت انگلستان بایستی هر يك مراقبت نمایند هیچگونه اقدامی که ممکن است موجب تشدید یا بسط اختلافی که بدارگاه مراجعه شده بعمل نیارند . سوم دولت ایران و دولت انگلستان هر يك بایستی مراقبت نمایند هیچگونه اقدامی بمنظور جلوگیری از اجرای عملیات بازرگانی و صنعتی شرکت نفت ایران و انگلیس محدود بهمان نحوی که قبل از اول مه ۱۹۵۱ معمول بوده بعمل نیارند .

چهارم عملیات شرکت در ایران بایستی تحت اداره مدیران خود شرکت ادامه یابد بهمان نحو قبل از اول مه ۱۹۵۱ مقرر بوده مشروط به تغییراتی که ممکن است با موافقت هیئت نظارتی که در بند ۵ آن اشاره میشود بمنظور تأمین اجرای کامل مقررات بقوه خود باقی بود داده شود و بایستی با توافق بین دولت ایران و دولت انگلستان هیئت بنام هیئت نظارت متشکل از دو عضو از طرف هر يك از دولتین نامبرده و يك عضو پنجمی که بایستی از اتباع کشور ثالثی باشد و طبق توافق بین دو دولت مزبور انتخاب شود تشکیل گردد و در صورت عدم توافق بایستی بر حسب تقاضای مشترك طرفین از طرف رئیس دادگاه انتخاب شود این هیئت وظیفه اش تأمین اجرای عملیات شرکت سابق مقررات فوق میباشد .

این هیئت موظف است حسابها و مخارج را ممیزی نموده و مراقبت نماید که کلیه عایدات اضافه بر مبالغی که طی جریان عادی عملیات و سایر هزینه هائی که برای شرکت پیش میآید ببانک هائی که از طرف هیئت انتخاب شده برداشت شوند با تمهید باینکه آن بانکها بایستی وجوه مزبور را بدون تصمیمات دادگاه با موافقت طرفین به مصرف برسانند . متن کامل بوزیر مختار ایران در لاهه تسلیم شد .

هائپر و رئیس دادگاه

پیام آقای نخست وزیر به ملت ایران  
توسط رادیو تهران  
در تاریخ ۱۶ تیر ماه ۱۳۳۰

بطوریکه در بعضی از جراید نوشته اند عده‌ای از هم‌وطنان عزیز در نظر گرفته اند برای قدردانی از زحمات این خدمتگزار مجسمه‌ای تهیه نموده و در محلی نصب کنند هر چند روش اینجانب و راهی که تا کنون در زندگانی سیاسی و اجتماعی خود در پیش گرفته‌ام مجاللی برای تذکر در این قبیل موارد باقی نمی‌گذارد ولی از نظر رعایت اصول بهتر دیدم که در این مورد بخصوص عقیده خود را صریحاً اظهار کنم و در معرض افکار عمومی بگذارم :

اولاً — شخصاً عقیده دارم که پاداش خد متکذران ملی و اجتماعی را موقعی باید داد که نتایج خدمات آنان مشهود گردد و به حاصل برسد و در حقیقت آن خدمت ملی چنانکه در خور است پایان یافته باشد و این خدمت گزار ملت هنوز قدمی چند در این راه



دشوار و دراز برداشته و بمراحل نهائی نرسیده است وحقاً لایق آن نیست که خود را شایسته پاداش درقبال این خدمت ملی بدانند ، بخصوص که ملت قدرشناس ایران قبلامکرر بصورت بهتر و شایسته تری بزرگترین پاداشها رادر حقم مبذول داشته و در همه جا و همه وقت بموافق روشی که بمصلحت آنها درپیش گرفتیم ازهرگونه ابراز احساسات و پشتیبانی مادی و معنوی دریغ نداشته است .

ثانیا - اصولاً عقیده دارم هر کس خود را برای خدمتگزاری ملت و ایجاد نهضتی اجتماعی آماده میکند اثر معنوی اقدامات خویش را هیچگاه نباید بازخارفزود گذر مادی برابری کند و بفروشد و یقین است که با پیروی از این اصل بهتر خواهد توانست درراهی که میرود توفیق پیشرفت داشته باشد بزرگترین پاداش خدمات ملی و اجتماعی آرامش وجدان است که هر خدمت گزاری در صورتی که درست بوظایف خود عمل کند و تکالیف خویش را بحسب طاقت بشری انجام دهد از آن برخوردار خواهد گشت و باید اقرار کنم که اینجانب تا کنون بهیچوجه چنین آرامشی در وجدان خود احساس نکرده ام هنوز راه دراز درپیش است که باید بکمک عموم هموطنان عزیز باثبات واستقامت طی شود با این مقدمات که عرض شد و از آنجا که در تشکیل دولت فعلی جز پاسخ بندای وجدان خویش نظری نداشتم در این مبارزه مقدس بزرگترین پاداش من آن خواهد بود که رضای قلبی عموم افراد جامعه از روش دولت اینجانب بتواند وجدانم را قانع کند و مرا در این راه دشوار یار و مددکار باشد .

شما هموطنان عزیز بهتر میدانید که مجاهدات اجتماعی اینجانب از آغاز کار تا کنون هیچ گاه بر اساس شهرت خواهی و امیال نفسانی نبوده و شك نیست که پیرانه سر در این هنگام که بهره خود را از این جهان فانی مادی گرفته ام دلیلی ندارد که در این روش دیرین خود تغییری داده باشم در روزهای اول اردیبهشت که ماموریت تشکیل دولت باین خدمت گزار تکلیف شد با کسالت شدید که هر آن بینم خطر میرفت از قبول این مسئولیت خطیر سرباز نزد و اکنون با پشتیبانی ملت که بحمد الله بتمام و کمال حاصل است از مواجهه با هر خطری باک ندارم و امیدوارم هر چه زود تر بیاری خداوند متعال این مقصود بزرگ حاصل گردد و ملت ایران از نتایج مجاهدات عظیم خود برخوردار شود

با ذکر این مقدمه بصدائی رسا که تا پایان حیات و بلکه بعد از مرگ من نیز اثر خود را در ضمیر وطن پرستان باقی بگذارد اعلام میکنم که بلعنث خدا و نفرین رسول گرفتار شود هر کس که بخواند در حیات و مماتم بنام من بتی بسازد و مجسمهائی بریزد زیرا هنوز رضایت وجدان برای من حاصل نشده و آنروز که بخواست خداوند این مقصود حاصل شود تازه نشانه انجام وظیفه است که هر کس بدان مکلف میباشد وحقاً سزاوار خوشباش پاداش نیست .

نطق آقای کاظمی وزیر امور خارجه  
در مجلس شورای ملی  
در تاریخ ۱۶ تیر ماه ۱۳۳۰

دوسه نفر از ناطقین محترم راجع به رای دیوان لاهه تذکراتی دادند که اگر مقتضی باشد بنده از طرف دولت چند کلمه در این خصوص عرض میکنم .  
در موقعیکه شکایت دولت انگلیس بوسیله دیوان دادگستری لاهه بایران رسید بلافاصله ماعدم صلاحیت دیوان مزبور را اعلام کردیم ( صحیح است ) بنده خودم تلگراف مختصری همانموقع راجع بعدم صلاحیت دیوان مزبور تلگراف کردم .  
ما معتقد بودیم نه دیوان صلاحیت رسیدگی باینکار را دارد و نه دولت انگلیس صلاحیت ارجاع این موضوع را بدیوان لاهه دارد .  
در مورد اینکه دیوان صلاحیت رسیدگی ندارد برای آنستکه مسائلی که ناشی از حق حاکمیت ملتی است قابل طرح در دیوان مزبور نمی باشد . ( صحیح است )

امادولت انگلیس صلاحیت ندارد بر اینکه طرف مایک شرکت نه دولت انگلیس (صحیح است)

اما اگر دولت انگلیس معتقد است که سهامی در این شرکت دارد و حق ارجاع امر را بدین ترتیب بدیوان لاهه دارد این هم مثل سایر سهامداران است و اگر ادعا هائی دارد باید مطابق حقوق بین الملل خصوصی بمحاکم معمولی مراجعه نماید . طبق خبری که از دیوان لاهه رسیده دولت انگلیس تقاضای اتخاذ تدابیر احتیاطی کرده است .

باز مارویه سابق خود را ادامه دادیم و باینکه وقت ما کم بود باز دلائل خود جمع کردیم و فرستادیم و نه تقاضای استمهال کردیم و نه نماینده فرستادیم و نه غامل تعیین کردیم بلکه فقط نظریات خود را بدیوان لاهه دادیم وقتی رای عجیب و غریب دیوان رسید معلوم شد رای داده اند که تاکنون کمتر در دنیا سابقه داشته و دور از انصاف و مروت و عدالت بوده (صحیح است صحیح است) بلافاصله رولت ایران نظر خود را اعلام کرد و گفت ما دیوان لاهه را صالح نمیدانیم (صحیح است) و ارزشی هم برای این رای قائل نیستیم (صحیح است)

البته این اقدام فوری ما بوده اما راجع باشاره ای که آقای اسلامی فرمودند عرض میکنم که دولت متوجه این نکته نبوده زیرا در ماده ۳۶ جزع دوم اساسنامه موضوع مربوط بقضاوت اجباری است که خیلی از دول آن را قبول نکرده اند و فقط ۲۶ دولت آنرا اعضاء کرده اند .

اما برای این که درست اطراف کار را بسنجیم و در باره حکم دادگاه رسیدگی شودهیئت انتخاب و مامور شده اند که اینکار را رسیدگی کنند و اکنون هم مشغول مطالعه هستند . اما چیزی که دیروز در ملاقات خود به آقای سفیر انگلیس گفتم اینست که دولت ایران ارزشی برای این رای قائل نیست (صحیح است) ایشان آمده بودند که بگویند دولت انگلیس رای دیوان را قبول کرده است .

( نمایندگان — لطف فرموده اند ) و گفتند که دولت انگلیس نماینده خود را هم تعیین کرده است وقتی ما گفتیم که برای رای دادگاه ارزش قائل نیستیم پرسیدند چه خواهید کرد گفتیم تا هر جا که مقتضی باشد برای تامین مصالح ایران جلو خواهیم رفت . ( نمایندگان — احسنت صحیح است )

از قضات مصری و لهستانی که رای خود را از روی حق و عدالت داده بودند ما تشکر کردیم و همین الان هم از نمایندگان دو دولت مزبور دعوت شده که بوزارت خارجه بیایند و در این ملاقات رسماً از طرف دولت ایران از نمایندگان مزبور تشکر خواهد شد .

چیزی که خواستم از طرف دولت اعلام کنم اینست که ما با پشتیبانی از افکار عمومی ملت ایران و با تقویت مجلسین شورایی و سنا از حقوق ایران دفاع خواهیم کرد و تا هر جا که مقتضی باشد جلو خواهیم رفت . ( احسنت = احسنت )

## پیام آقای ترومن با آقای دکتر مصدق نخست وزیر در تاریخ ۱۷ تیر ماه ۱۳۳۰

نخست وزیر عزیزم

بی اندازه متشکرم که جنابعالی در نامه اخیر خودتان شرح کامل و صادقانه درباره جریان‌های اختلاف نامناسب و نامساعدی که بین دولت شما و منافع نفتی بریتانیا در ایران پیش آمده است مرقوم فرموده بودید. این موضوع برای سعادت کشور شما و بریتانیای کبیر و همه کشورهای آزاد دنیا بعدی خطر دارد که من با نگرانی شدید همواره فکر خود را معطوف باین قضیه نموده‌ام. امیدوار بودم که منافع مشترک دو کشوری که مستقیماً در این قضیه دخالت دارند و همچنین زمینه مشترکی که طی مذاکرات طرفین ایجاد شده بود راهی برای حل مسائل پر زحمت و دشواری که ایجاد شده است باز نماید جنابعالی میدانید که امریکاییان نسبت بمیل ایران برای کنترل منابع طبیعی خود علاقه و همدردی دارند از این نقطه نظر ما خوشوقت شدیم که دولت انگلستان به سهم خود اصل ملی شدن را قبول کرده است.

نظر باینکه مهارت و اطلاعات فنی متخصصین انگلیسی میتواند به صنایع نفت ایران بی‌اندازه مفید باشد من امیدوار بودم و هنوز هم امیدوار هستم که بشود طرفی پیدا کرد تا بین اصل ملی شدن و منافع بریتانیا توافقی بنفع هر دو طرف حاصل گردد. بدین جهت من با نگرانی ناظر قطع جریان مذاکرات بوده ام و میبینم دارد وضعی پیش می‌آید که عملیات تصفیه و استخراج نفت بهم فرو ریخته و از این راه ضررهای بسیاری بایران و دنیا وارد میشود. یقیناً این پیش‌آمد مصیبتی است که میتوان با تدبیر و سیاستمداری راهی برای جلوگیری آن پیدا نمود.

اخیراً باین عقیده رسیده‌ام که برای آنکه مسائل مختلف و بفرنجی که در میان است و ممکن است بعلت کمبود وقت سبب بسته شدن پالایشگاه گردد بطور کلی تصفیه شود (زیرا ادامه وضع حاضر حتماً منجر به بستن پالایشگاه میشود) لازم است قرار موقت قابل اجرائی داده شود که در عملیات تصفیه و استخراج نفت وقفه حاصل نگردد و ضمناً با چنین قرار موقت لطمه بمنافع هیچکدام از طرفین وارد نشود. پیشنهادات مختلفی که در این باره شده است منتج به نتیجه نشده و زمان بسیار کوتاه است.

در این موقع يك امر مهم و تازه نیز انجام گرفت و دیوان دادگستری بین‌المللی که دولت شما و دولت بریتانیا و دولت ما همگی در آن عضو هستیم و با سایر ملل همکاری میکنیم تا عدالت بیطرفانه و انصاف در دنیا حفظ گردد پیشنهادی برای يك قرار موقت نموده است.

صرفنظر از جهات فنی دستدار اهمیت زیادی بعمل دیوان دادگستری میدهد. دستدار میدانند که دولت شما و دولت بریتانیا هر کدام نظری را که در مذاکرات اتخاذ کرده‌اید صادقانه است و هر کدام بنظر خود کاملاً معتقد هستید معیناً اطمینان دارم که دولت جنابعالی و دولت بریتانیا هر دو بیشتر بدنیائی معتقد هستید که در آن قانون و عدالت حکمفرما باشد و از زمان کنفرانس سانفرانسیسکو تا حال حاضر چنین دنیائی تنها امید مردم جهان بوده است صرفنظر از موضوع صلاحیت دیوان دادگستری بین‌المللی هیچکس هیچگونه تردیدی در بیطرفی دیوان مزبور نخواهد داشت و همچنین نسبت به مقام شامخ و احترامیکه همه ملل امضاءکننده منشور ملل متفق به این دیوان میگذارند تردیدی نیست.

بنابراین دستدار میخواهد جنابعالی جفاً توصیه کند که به پیشنهاد دیوان بین‌المللی توجه خیلی عمیقانه مبذول فرمائید. دستدار صلاح میداند که جنابعالی باینکه این نظر با موارد فنی و قانونی تطبیق میکنند و یا نمیکند توجهی بفرمائید بلکه نظر دیوان را بعنوان پیشنهاد يك هیئت بیطرفی که هم خود را جهت عدالت و انصاف و برای دنیائی متکی بببانی مزبور وقف مینماید تلقی فرمائید. اطمینان دارم که دولت جنابعالی و دولت بریتانیا با مطالعه پیشنهاد دیوان لاهه خواهند توانست طرفی برای اجراء این پیشنهاد پیدا کنند که مقصود عاقلانه و بیطرفانه آن انجام شود و ضمناً عملیات صنعت نفت

و وضع هر دو دولت حفظ گردد . یقیناً هیچ دولتی با عطف توجهات ممکنه و احترام به اظهار نظر این دیوان بزرگ بهیچوجه حق حاکمیت خود و یا جزئی از آن را از دست نمیدهد و از طرفداری و حمایت ملت خود محروم نمیماند . دولت و ملت ما باین موضوع کاملاً ایمان دارد . چنانچه جنابعالی با چنین پیشنهادی موافقت فرمائید یقین دارم که مقام و منزلت ایران در نظر مردم جهان بی اندازه افزوده خواهد شد .

جناب آقای نخست وزیر - دستدار ضمیمه آرزو مندم که تا آنجا که بتوانم در این مورد کمک نمایم . من با آقای اورل هریمان که همانطور که اطلاع دارید از مشاورین نزدیک بنده و یکی از امریکائی های عالیقدر میباشد مفصلاً در این باره مذاکره کرده ام . چنانچه جنابعالی مایل باشید ایشان را بپذیرید من با کمال خوشوقتی ایشان را بعنوان نماینده شخصی خود روانه تهران میکنم تا درباره این مسئله فوری و مشکل با جنابعالی مشاوره نماید .

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را نسبت بآن جناب تجدید و اعتماد خود را نسبت بخوشبختی و سعادت آینده ایران اظهار میدارم .

هاری . س . ترومن

## تلگراف دولت ایران بدبیر کل سازمان ملل متحد

در تاریخ ۱۸ تیر ماه ۱۳۴۰

جناب آقای تریگولی دبیر کل سازمان ملل متحد - نیویورک  
دیوان بین‌المللی دادگستری به تقاضای دولت شاهنشاهی انگلستان قراری در  
تاریخ ۵ ژوئیه ۱۹۵۱ راجع با اقدامات تامینیه در موضوع نفت صادر نموده است .  
این جانب از طرف دولت خود ماموریت دارم مراتب ذیل را باستحضار جنابعالی  
برسانم .

۱ - بر طبق ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری باموریکه  
اطراف دعوی باو رجوع می‌کنند و یا در موارد خاصی که بموجب منشور ملل متحد مقرر  
گردیده و یا بموجب عهدنامه‌ها و قرار دادهای جاری پیش بینی شده صلاحیت رسیدگی  
دارد در بند ۲ از ماده ۳۶ مذکور مقرر شده است که « دولتهای امضاء کننده میتوانند  
در هر موقع اعلام دارند که قضاوت اجباری این دیوان را نسبت باختلافاتی که جنبه قضائی

داشته و مربوط بموضوعات معینی باشد در مقابل هر دولت دیگری که این تعهد را متقبل گردد بخودی خود وبدون قرارداد خاصی قبول مینمایند « دولت شاهنشاهی ایران تاکنون چنین اعلامیه راجع بشناسائی قضاوت اجباری دیوان بین المللی دادگستری صادر نکرده است .

بنا بر این صلاحیت دیوان مزبور نسبت بقضاوت اجباری درباره مسائل ودعاوی مربوطه با ایران مشمول بند (۵) از ماده ۳۶ مذکور است که می گوید :

اعلامیه هائیکه بموجب ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین المللی برای مدت معینی بعمل آمده وهنوز آن مدت منقضی نگشته در روابط بین امضاکنندگان آن اساسنامه در حکم آن خواهد بود که قضاوت اجباری دیوان بین المللی دادگستری برای بقیه مدت مذکور در آن اعلامیه هاوبرطبق مقررات آنها قبول شده است ؟ »

الحاق دولت ایران بمقررات ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین المللی سابق بموجب اعلامیه مورخ دهم مهرماه ۱۳۰۷ ( ۲ اکتبر ۱۹۳۰ ) و قانون مصوب ۲۳ خردادماه ۱۳۱۰ در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۲ صورت گرفته است که بموجب آن صلاحیت الزامی دیوان راجع باختلافات ناشی از احوال و اعمالی است که مستقیماً یا غیر مستقیم مربوط باشد با اجرای عهدنامه ها وقراردادهائی که دولت ایران بعد از تصویب این اعلامیه قبول کرده است .

بعلاوه در اعلامیه مزبور اختلافات راجع بمسائلی که بر طبق حقوق بین المللی منحصرأ تابع قضاوت ایران می باشد از صلاحیت الزامی دیوان بین المللی مستثنی شده است .

بنابراین مسلم است که قرار داد های ناشی از حقوق خصوصی و داخلی مانند اعتبار نامه ها که دولت ها با اتباع خود ویا اتباع دولت های بیگانه برای بهره برداری از بعضی منابع ثروت و یا امور تجارتي دیگر منعقد مینمایند وهمچنین اموری که مربوط بحق حاکمیت ایران ومنحصراً تابع قضاوت ایران است از صلاحیت الزامی دیوان دائمی دادگستری بین المللی سابق ودیوان دادگستری بین المللی فعلی خارج بوده وهست .

۲ - درسال ۱۹۳۳ با اسباب چینی و ایجاد شرائط خاصی که شرح آن در اینجا لزوم ندارد وفراهم آورنده آن سیاست دولت انگلستان بوده امتیاز نامه جدیدی بین دولت ایران و شرکت سابق نفت ایران و انگلیس برای اکتشاف و استخراج و بهره برداری از منابع نفت ایران در قسمت معینی از کشور ایران منعقد گردیده این امتیاز نامه تجملی بدون اینکه بخواهیم وارد ماهیت و اثبات بطلان آن از لحاظ قضائی بشویم بهرحال وبر فرض صحت واعتبار مربوط بحق داخلی ایران و امتیازی بوده است که دولت ایران بایک شرکت یعنی یک شخصیت حقوقی خصوصی منعقد داشته واعطای امتیازات بر طبق اصل ۲۴ قانون اساسی ایران اگرچه صاحب امتیاز از اتباع داخله هم باشد باید بموجب قانون وتصویب پارلمان صورت بگیرد .

در امتیاز نامه مزبور بهیچوجه دولت انگلستان دخالت وعنوانی نداشته و حق



و اختیاری برای آن پیش بینی نشده است بنابراین امتیازنامه مزبور عنوان عهده و قرار دادهای بین المللی که در اساسنامه دیوان دائمی سابق و دیوان دادگستری بین المللی فعلی بآن اشاره شده ندارد.

۳ — دولت و ملت ایران بنا بر تشخیص مصالح عالی ملی خود و بمقاد بند (۲) از ماده ۱ منشور ملل متحد که آزادی و اختیار هر ملتی را در تعیین سرنوشت خود اعلام داشته است و برای نجات خویش از چنگال شرکت غاصبی که سالیان دراز بوسیله مداخله در شئون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ملت ایران بوده در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ مطابق با ۲۰ مارس ۱۹۵۱ و ۹ اردیبهشت ۱۳۲۰ مطابق با ۳۰ آوریل ۱۹۵۱ بموجب دو قانون که باتفاق آراء بتصویب مجلسین شورای ملی و سنای رسیده است صنایع نفت را بدون تبعیض نسبت باتباع داخله و خارجه در سرتاسر کشور ملی اعلام کرد و ترتیب عادلانه جبران خسارات احتمالی صاحب امتیاز و همچنین ترتیب صادرات و فروش نفت را بکشورهاییکه تاکنون خریدار آن بوده اند معین و مقرر داشت.

ملی کردن صنعتی از صنایع کشور حق مسلم هر ملتی است اغلب کشورهای دمکرات جهان بصورتهای مختلف و بجهت مختلف از این قدرت و اختیار قانونی خویش در گذشته و حال استفاده کرده و میکنند چنانکه دولت فعلی انگلستان بعضی از صنایع خود از آنجمله ذغال و فولاد را ملی کرده است و هیچ دولت و هیچ مقام بین المللی منکر این حق نشده و هیچ قرارداد و امتیازنامه اگرچه بنفع اتباع کشور های خارجه منعقد شده باشد مانع اجرای آن نگردیده است.

۴ — مع الوصف شرکت سابق نفت انگلیس و ایران و دولت انگلستان که سیاست او منشاء و محرک اصلی آن شرکت بوده است برخلاف حق و قانون بین المللی در مقام مداخله در امور داخلی ایران و مخالفت با اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت در ایران برآمده از طرفی دولت و ملت ایران با تحریکات داخلی و ایجاد اعتصابات و با اعزام کشتی جنگی و تقویت نیروهای زمینی و هوایی در مجاورت ایران تهدید کرد و این خود داستان مفصلی دارد که ممکن است موجب مراجعه و شکایت بعدی دولت ایران بسازمان ملل متحد بشود.

از طرف دیگر دولت انگلیس به دیوان دادگستری لاهه شکایت کرده و باستناد امتیازنامه مخدوش ۱۹۳۳ تقاضا نمود که قوانین ملی شدن صنایع نفت ایران موقوف الاجراء مانده و شرکت سابق نفت در ادامه عملیات خود کما فی السابق مختار باشد و سپس عرض حال دیگری بدیوان مذکور تقدیم داشت و در خواست اقدامات احتیاطی نمود.

لازم است این نکته کاملاً مورد توجه قرار گیرد که دولت انگلستان اهلیت اقامه چنین دعوائی نداشت زیرا دولت ایران در اینخصوص با دولت مزبور عهدنامه ای منعقد نکرده است و از طرف دیگر بشرحی که در قسمتهای ۱ و ۲ این اعلامیه تصریح گردیده دیوان دادگستری نیز صلاحیت رسیدگی باین دعوی بی اساس را فاقد بود زیرا دولت

ایران در طرح این موضوع موافقتی کرده بود و نه منشور ملل متحد دیوان را در این مورد مخصوص مجاز میداشت و نه عهد نامه و قرار داد بین المللی در این موضوع موجود بود که بدیوان صلاحیت رسیدگی بدهد و نیز اعلامیه ۲ اکتبر ۱۹۳۰ دولت شاهنشاهی راجع به شناسائی داوری اجباری دیوان دادگستری دائمی سابق منحصر در مورد اختلافات ناشی از اجرای عهد نامه و قرار دادهای بین المللی بود درباره امتیاز نفت دولت ایران با دولت انگلستان و هیچ دولت دیگری قرار دادی منعقد نکرده است بعلاوه بشرحی که گذشت دولت ایران در اعلامیه مزبور اختلافات راجع بمسائلی را که منحصر تابع قضاوت ایران است از صلاحیت دیوان بین المللی خارج کرده بود .

بنا بر این دولت ایران در پاسخ اخطار تلگرافی دفتر دیوان رسماً و صراحتاً عدم صلاحیت دیوان مزبور را تذکر داد و بعداً نیز در جواب اخطار ۲۲ ژوئن ۱۹۵۱ دفتر دیوان راجع به شکایت دولت انگلستان مبنی بر تقاضای اقدامات تأمینیه در لایحه خود که رو نوشت آن بعداً جداگانه برای جناب عالی فرستاده می شود این نکته را مشروح مدلل بیان کرد .

مع الوصف اقداماتی که بشرح ذیل تا کنون دیوان دادگستری بین المللی بعمل آورده و بخصوص در نتیجه صدور قرار مورخه پنجم ژوئیه ۱۹۵۱ بدبختانه اعتمادی را که ملت و دولت ایران همواره بدادگستری بین المللی داشته بکلی متزلزل ساخته است .

الف — چون عدم اهلیت دولت انگلستان در شکایت خود و عدم صلاحیت دیوان در رسیدگی بمورد شکایت محقق و اظهار من الشمس بود دیوان میبایست قبل از هر اقدام و تصمیمی عدم صلاحیت خود را اعلام دارد .

ب — اخطار رئیس دفتر دیوان راجع بتقاضای دولت انگلستان برای اقدامات تأمینیه عصر دوشنبه ۲۵ ژوئن ساعت ۷ بعد از ظهر بدولت ایران در تهران واصل گردید و وقت رسیدگی دیوان بروز شنبه ۳۰ ژوئن موکول شده بود این مهلت که بزحمت کافی برای تهیه و ارسال جواب بود و برخلاف فقره ۸ ماده ( ۶۱ ) آئین نامه دیوان است که مقرر میدارد در تقاضای اقدامات احتیاطی باید مهلت کافی بطرفین دعوا داده شود این شتابزدگی غیر منتظر باعث کمال تعجب دولت و ملت ایران است .

ج — دیوان دادگستری بین المللی در قرار مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۵۱ خود مقرر داشته است که دولت ایران هیچگونه اقدامی بمنظور جلوگیری شرکت سابق نفت ایران و انگلیس بهمان نحویکه قبل از اول ماه مه ۱۹۵۱ معمول بوده نباید بعمل آورد و عملیات شرکت در ایران بایستی تحت اداره مدیران خود شرکت ادامه یابد

نتیجه این قرار ( در صورتیکه قابل اجرا بود ) این است که قانون و حاکمیت ایران دریک امری که در صلاحیت داخلی او است باستناد دعوائی که در اهلیت دولت انگلستان و صلاحیت دادگستری بین المللی نبوده باید نقض شود .

البته اعضای سازمان ملل متحد و ملت ها و مردمان و افراد آزاد دنیا متوجه

خواهند شد که این وضع متضمن چه آینده شوم و خطر ناگهی برای حقوق و عدالت بین المللی خواهد بود.

مفهوم مستقیم این قرار این است که یکنوع رژیم کاپتولاسیون جدید بفتح اتباع دولت های قوی بر علیه اتباع دولت های کوچک و ضعیف برقرار گردد زیرا اگر دولت ها اختیار داشته باشند که از حق حاکمیت خود و حق ملی کردن صنایع در داخله خود نسبت باتباع خود استفاده نماید ولسی بتوانند این حق را در مقابل اتباع دولتهای پیگانه قوی و زورمند بکار برند مفهومی جز ایجاد امتیاز نامشروع بفتح اتباع خارجی نخواهد داشت و این امر جز احیاء کاپتولاسیون بصورت یک بدعت عجیب چیز دیگری نخواهد بود.

بعلاوه لازم میدانند این نکته را مجدداً واکیداً خاطر نشان نماید که چنین تریسی مخالف با نقض و روح منشور ملل متحد و مدلول بندیک از ماده دومی باشد که مقرر می‌دارد سازمان بر روی اصل تساوی حق حاکمیت اعضاء خود مبتنی میباشد.

د - دیوان دادگستری با قرار غیر عادلانه مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۵۱ خود نه تنها برخلاف صلاحیت و برخلاف حق و عدالت و بر خلاف آزادی طلبی ملل جهان اقدام کرده است بلکه بند (۷) از ماده ۲ منشور ملل متحد را که میگوید هیچ یک از مقررات منشور ملل متحد را مجاز نمیدارد در کارهاییکه اساساً مربوط بصلاحیت ملی یک مملکت است مداخله نماید نقض کرده است.

ه - برای تکمیل بیعدالتی خود دیوان مزبور بدون ادعای شاکه و حتی یش از آنچه که دولت انگلستان تقاضا کرده مقرر داشته است که هیئتی مرکب از دو تن نماینده دولت انگلستان و دو تن نماینده دولت ایران بسا یکنفر دیگر از اتباع دولت ثالث بر اداره شرکت سابق نفت ایران و انگلیس نظارت نماید که بر طبق قرارداد امتیاز عمل کند.

دولت ایران در موضوع نفت تا کنون بایک شرکت خصوصی طرف بوده و دولت انگلستان بهیچ عنوانی حتی بر طبق همان قرار داد مخدوش هم حق هیچ نوع مداخله را نداشته و ندارد و اینک بموجب قرار (اگر قابل اجرا بود) دیوان خواسته است نماینده دولت انگلیس را در امر داخلی ایران مداخله دهد و باین ترتیب استقلال و حق حاکمیت دولت ایران را نقض نماید.

و - بعلاوه دیوان دادگستری در پایان قرار خود مقرر داشته است که هیئت سابق الذکر موظف است کلیه عایدات را پس از وضع مخارج در بانک‌هایی که از طرف هیئت انتخاب شود ودیعه بگذارد باتعهد آنکه آن بانگها نبایستی وجوه مزبور را بدون تصمیمات دیوان بامواقت طرفین بمصرف رسانند در این مورد نکته شایان تذکر این است که بنا بر ادعای دیوان هر گاه امتیاز نامه سابق هم موقتاً قابل اجرا بود بر طبق آن امتیاز نامه می‌بایستی مرتباً وجوهی بدولت ایران (که این حق مورد انکار شرکت سابق نفت نموده و تقاضای هم در این باب از دیوان ننموده) پرداخت شود.

شاید بقضات دیوان چنین اطلاع داده باشند که دولت و ملت ایران فعلا در مضیقه مالی است .

ضبط و توقیف عواید نفت مربوط بدولت ایران و تعیین موعد رسیدگی بماهیت دعوی در يك مدت طولانی ( مهلت برای رسیدگی باقدمات تأمینیه پنجروز معین شده بود ولی موعد رسیدگی بماهیت دعوی وصلاحیت پس از صدور قرار مربوط باقدمات تأمینیه بشش ماه دیگر موکول گردیده است ) در نظر اشخاص مزبور کافی بنظر رسیده است که دولت و ملت ایران را بتسلیم وادار کرده و از تعقیب هدف ملی خویش منصرف سازد.

نظر بجهات فوق چون دیوان مزبور ازجابه عدالت خارج شده و اعتمادعمومی را نسبت بخود متزلزل ساخته باکمال تاسف باطلاع آن جناب میرساند که دولت ایران ازاین تاریخ اعلامیه مورخ ۲ اکتبر ۱۹۳۰ خود را راجع بقبول قضاوت اجباری دیوان مزبور مسترد میدارد .

رو نوشت این اعلامیه بدفتر دیوان داد گستری نیز علیحده تلگراف شده است .

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم میشمارد .

وزیر امور خارجه - باقر کاظمی

## متن گزارش آقای دکتر متین دفتری به مجلس سنا در تاریخ ۱۹ تیرماه ۱۳۳۰

مقدمتاً باید عرض کنم از روزیکه آقایان بنده را بسمت عضویت هیئت مختلط مامور اجراء قانون ملی شدن صنعت نفت فرمودند بنده این مأموریت را با ایمان کامل و باین نیت قبول کردم که این تصمیم خلل ناپذیر ملت ایران را باسرع وقت و طوری عملی کنیم که با اجراء کامل خلع ید این صنعت بزرگ محفوظ بماند و درآمد سرشار آن هر چه زودتر صرف حوائج ضروری کشور یعنی ترقی سطح زندگی و رفع محرومیت های غیر قابل ادامه مردم و جلوگیری از مخاطرات اجتماعی ما بشود .

میتوانم بآقایان اطمینان بدهم که این فکر را هم در تنظیم مقرراتیکه هیئت مختلط با موافقت دولت برای ترتیب اجراء قانون وضع کرد تعقیب کردیم و هم در قدمهایی که ما هیئت اعزامی یکی بعد از دیگری بطور مرتب در اجراء خلع ید برداشتیم رعایت

کردیم من باب مثل و برای توضیح عرض میکنم .

هیئت مدیره موقت با این دستور مأموریت یافت که نظامات داخلی شرکت سابق را تا آنجا که با قانون ملی شدن منافع نداشته باشد در تمام مؤسسات مرعی بدارد و کلیه کارمندان و کارشناسان و کارگران ایرانی و خارجی را در خدمت ایران ابقاء نماید .

بنده و آقایان اردلان و مکی هم که بنمایندگی از طرف هیئت مختلط برای اعمال نظارت و تقویت از هیئت مدیره معین شدیم خودمان را از آن آقایان جدا ندانستیم و با خلوص عقیده و ایمان راسخ با اهمیت این مأموریت خطیر ملی و امیدواری بتأییدات الهی که تاکنون بزرگترین پشتیبان ملت ایران بوده و انشاءاله خواهد بود صمیمانه همکاری کردیم و بجمداله موفق هم شدیم .

بنده اگر بخوام وارد بشوم در شرح احساساتی که از طرف مردم غیور خوزستان علی‌الدوام نسبت بما ابراز میشد باید تمام وقت این جلسه را بگیرم تا شاید بتوانم تا اندازه حق مطلب را ادا کنم در این صورت از گزارش کارها باید صرف نظر کنم و اگر بخوام این قسمت را مسکوت بگذارم حق ناشناسی کرده‌ام .

بلی حق ناشناسی نسبت بیک مردمی که از هیچگونه مهربانی درباره مافروگذار نکردند و حاضر بودند همه چیز خودشان را در راه موفقیت ما بذل کنند .

غیر از احساسات بی نظیر روز ورود ما بآبادان و اجتماعاتی که صنوف مختلف متوالیاً در باشکاهای خودشان ترتیب داده بودند که هر کدام بدرک و لایوصف است ممکن نبود مردم مساراحتی یکدفعه در معابر ندیده بگیرند و دور ما حلقه نزنند و تظاهرات نکنند .

من هرچه فکر میکنم از عهده سپاسگزاری از این مردم برنمیآیم مگر اینکه خداوند توفیق بدهد و ما حق ملت را از ثروت نفت استیفاء کامل بکنیم و اعتباراتی تحصیل نمایم مرحمی بزخمهای اهالی از همه چیز محروم خوزستان بگذاریم . علاوه احساساتی که بما ابراز میشد منحصراً با اهالی خوزستان نبود روزی نمیگذشت که تلگرافهای بیشماری با امضا های زیاد از تمام ولایات دریافت نمیکردیم که همه آمادگی خود را برای فداکاری و بذل مال اعلام میداشتند .

آقایان — بنده در این مسافرت در تماس با مردم بخوبی دریافتم که مردم این مملکت بیدار و هوشیار شده‌اند — همه چیز را خوب می‌فهمند — جزئیات اعمال ما را نمایندگان مجلسین را میدانند و قضاوت میکنند .

از آنچه مردم ناشناس در معابر لطفاً بخود میگفتند صرف نظر میکنم ولی شاهد بودم که آقای مکی را برای مجاهدتی که روزهای آخر عمر مجلس پانزدهم کرده اند تحسین و تجلیل می نمودند .

از طرف دیگر خوب ظاهر و معلوم بود که مردم در خوزستان بسیار و موقع

شناس هستند یا تمام نامالایماتی که دارند بحفظ نظم و آرامش علاقه نشان میدهند و فهمیده‌اند که در این موقع باریک نباید عملی بشود که بهانه بدست خارجیها بیفتد. هیئت اعزامی هم از بدو ورود در تفهیم و امنیت و حسن سلوک با خارجیها کوشش فراوانی نموده است و میتوانم امروز با آقایان اطمینان بدهم که امنیت کامل در آن منطقه حکمفرماست بحدی که تصور میکنم ادامه حکومت نظامی در آنجا دیگر ضرورت نداشته باشد.

چند روز قبل از مراجعت بتهران تلگرافی از تیمسار سرلشکر زاهدی داشتم که توصیه فرموده بودند مراقبت کنم موقعی که ییگانگان ایران را ترك میکنند از طرف مردم آنها اهانت و تعرض نشود. بنده بایشان چه جواب عرض کردم؟

چون همان روزيك خبر نگار خارجی تازه وارد به بنده گفته بود من از خواندن روزنامه ها در خارج انتظار داشتم در کوچه های آبادان خون بینم و خوزستان بلکه تمام ایران را يك پارچه انقلاب مشاهده کنم اکنون میبینم همه جا امن و امان است بنده هم با آقای سرلشکر تلگراف کردم بنام تبلیغات خارجی را که حتی وزیر کشور مملکت را مشتبه و مشوش کرده است.

بعد از طی این مقدمه باید عرض کنم که اولین مسئله که فکر بنده را در موقع عزیمت بخوزستان مشغول کرده این بود که خلع بد را چگونه شروع کنیم که هم مفید و مؤثر باشد و هم موجب اختلال امور نشود و لطمه بعمل تولید و تصفیه صدور نفت نزنند.

پس از مطالعه باین نتیجه رسیدم که از هر چیز باید ماده چهارم قانون را پیش بکشیم و اولاً حساب گذشته را مطالبه کنیم یعنی درآمد از تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ را بخواهیم و ثانياً حساب بهره برداری و عایدات از تاریخ ورود خودمان را نگاه داریم وقتی که در اولین برخورد بامدیر عامل کل شرکت سابق دیدیم که او صراحتاً ما را بعنوان مهمان تلقی می کند و ابتدا بقانون ملی شدن نفت نمی خواهد آشنا شود برای جواب گوئی باو و رفع نگرانی و التهاب فوق العاده مردم پرچم ایران را برفراز عمارت اداره مرکزی برافراشتیم و تابلوی هیئت اعزامی را نصب کردیم.

سپس آنچه لازمه تذکر و نصیحت و تفهیم قانونی بود گفتیم بنده در مجلس اول خود بمدیر عامل شرکت سابق خاطر نشان کردم که قانونی باتفاق آراء از مجلسین گذشته و در قلمرو ایران لازم اجراء است و هر کس با آن مقاومت کند مسئول و قابل تعقیب است اورا دعوت کردیم که با مامکاری کند و مجبور نشویم برخلاف میل خودمان برای حفظ حقوق دولت و جمع آوری عایدات شدت عمل نشان بدهیم

وقتی که او بعذر نداشتن دستور از هیئت مدیره شرکت سابق درلندن امتناع کرد و تهدید نمود که اگر اعمال ورزی شود کارمندان انگلیسی خدمت را ترك میکنند و مؤسسات را تعطیل خواهند کرد باو با کمال صراحت جواب دادیم هرگز در هیچ موردی

اعمال زور نخواهند شد و مستقیماً متوسل بمداخله نظامی یا ژاندارم یا پاسبان نخواهیم شد قانون راطابق النعل بالنعل و قدم بقدم اجرا میکنیم و هر وقت هم محتاج بسانکسیون هائی برای تامین حقوق بشویم بقوه قضائیه مملکت رجوع خواهیم کرد و امیدواریم احتیاجی هم باین مراجعه پیدا نکنیم .

خلاصه بنده مکرر بمدیرعامل خاطر نشان کردم که ما پیش خودمان عهد کرده ایم که تمام محصول نفت را باختیار دنیای آزاد بگذاریم و توقع داریم که بهای آنرا بما بپردازد که برای بهبود حال مردم این کشور فوق العاده بآن احتیاج هست و مادر درجه اول اینجا آمده ایم که ازمحل ۷۵ درصد درآمد نفتی که صادر شده یا خواهد شد پول برای دولت بفرستیم و فعلا نظردیگری نداریم و شما می توانید با کمال دلگرمی بخدمت خودتان ادامه دهید و نظریات شمارا برای حفظ دیسیپلین و انضباط و حسن جریان بهره برداری رعایت خواهیم کرد .

روزهای اول چون مصادف با آمدن نمایندگان شرکت سابق بتهران بود خیلی مدارا میکردیم که مبادا به مذاکرات تهران از ناحیه ما اخلالی بشود مخصوصاً وقتی که معلوم شد مدیرعامل راز آبادان بتهران خواسته اند بنده از او خواهش کردم نمایندگان شرکت توصیه بکنند که بیش از این در شناختن قانون ملی شدن نفت پافشاری نکنند و افکار عمومی را خشکین تر نکنند .

برعکس يك پیشنهادت عملی بدهند که افکار تسکین یابد و اطمینان داشته باشند که بعداً اگر تقاضا هائی داشته باشند در محیط آرامتر رسیدگی خواهد شد و به شرط انطباق با اصول اساسی قانون ملی شدن صنعت نفت مورد توجه قرار خواهد گرفت .

در مراجعت ایشان اظهار داشتند که نمایندگان سعی کرده اند پیشنهادهائی بدهند که نظر ایران را تامین کند ولی از ذکر این نکته خودداری نکرد که اگر شما فکر کرده اید که ۷۵ درصد اذر درآمد را بردارید و ۲۵ درصد را برای تصفیه حساب گذشته کنار بگذارید برای مادر آینده چه سودی باقی میماند .

از این اظهار فهمیدم این آقایان اصلاً نمی خواهند خودشان را بحرفهای ما آشنا کنند و از سود هائی که عاید شرکت می شده است دست بردار نیستند و آن ها که مثل بنده تصور کرده اند وقتی که ما حاضر باشیم تمام نفت را بدنیای آزاد تحویل بدهیم و در مقابل تمام وجوه بهای آن را مطالبه کنیم دیگر چه اختلافی باقی میماند دچار اشتباه شده اند .

در هر صورت ما از روز اول تا آخر درس مسئله تصرف در عایدت ایستادگی

کردیم .

اولاً — برای رسیدگی بحساب گذشته یعنی از ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ تا موقعی که هیئت اعزامی شروع بکار کرده است .

چند نفر حسابدار قسم خورده گماشتیم که با مراجعه بدفاتر اداره حسابداری کل شرکت سابق معلوم دارند چه میزان مواد نفتی از خوزستان بخارج صادر شده است تا وجوه



حاصله از فروش پس از وضع مخارج در اختیار هیئت گذاشته شود .  
 ثانیاً — برای اینکه تا تعیین خریداران سابق مطابق ماده ۷ قانون و احراز هویت آنها وقفه در صدور مواد نفتی حاصل نشود موافقت شد که تا یک ماه از تاریخ آگهی که از طرف هیئت مدیره موقت صادر می شود .

طبق برنامه موجود شرکت سابق نفت در مقابل اخذ رسید بخریداران سابق نفت داده شود ولی خریداران مکلف خواهند بود در این مدت به هیئت مدیره موقت مراجعه نموده ترتیب پرداخت قیمت مواد نفتی را که در مدت مذکور برده اند بشرح عادلانه بین المللی بدهند .

باین منظور دستور دادیم دفتری برای نظارت صادرات در آینده تشکیل و در هر صورت وجوه حاصله از آن در اختیار هیئت مدیره موقت گذاشته شود این نکته را هم شفافاً .  
 وهم در طی یک تذکاریه کتبی اعلام کردیم که از کلیه وجوه حاصله تا ۲۵ درصد در یک بانک مرضی الطرفین برای ادعاهای احتمالی شرکت سابق و دیعه گذاشته شود .

بامورین نظارت در صادرات از طرف هیئت معین و مشغول کار شدند و در قدم اول باین مشکل بر خوردند که کشتیها بر اثر تلقین عمال شرکت سابق از دادن رسید امتناع دارند و اگر هم رسید میدهند در عبارت قبض قیودی می خواهند بکنند که حقوق شرکت سابق را حفظ کنند یعنی در واقع رسید را از اعتبار بیندازند مذاکرات مفصل و پی در پی راجع عبارت رسید بامدیر عامل کل بعمل آمد و هر عبارتی پیشنهاد می کردند در متن آن میخواستند قرارداد ۱۹۳۳ را احیا کنند و برای ما قابل قبول نبود .

هر چه تذکر دادیم عبارت رسید را طوری تنظیم کنید که با قانون ملی شدن منافع نداشته باشد بجائی نرسید و هیئت مجبور شد دستور بدهد که هر کشتی از دادن رسید امتناع کند حق بارگیری ندارد .

یک نامه هم که عین عبارت آن را میخوانم در تاریخ اول تیر ماه از طرف هیئت باقای دریگ صادر شده ( چندی قبل بشما ابلاغ شد که دفتری برای نظارت صادرات مواد نفتی و گرفتن رسید از کشتی هائیکه نفت حمل میکنند باید داده شود و شما انجام اینکار را بعهده گرفتید ولی تا کنون عملی نشده است و کشتیها از دادن رسید امتناع کرده اند باین قیودی در رسید خواسته اند بکنند که آنرا از اعتبار بکلی می اندازد .

باتسهیلاتی که از طرف هیئت مدیره برای ادامه صدور نفت شده و میشود این رویه جزء سوء نیت و سبوتاز تعبیر دیگری ندارد .

در صورت دادن رسید طبق مصوبات کمیسیون مختلط از طرف هیئت هیچ گونه مانعی برای صدور نیست .

معهداگر وقفه در صادرات پیش بیاید و کشتیها از تحویل گرفتن نفت خود داری کنند مسئولیت آن بعهده شماست )

این نامه شاید بواسطه تصادف با تنظیم لایحه مجازات سبوتاز و تقدیم آن از طرف دولت ب مجلس شورا برای حفظ مؤسسات نفت از خرابکاری آتش سوزی و غیره تولید

هیجان فوق العاده کرد و مستر دريك شدیداً اعتراض میکرد که اورا متهم بساوتاًژ کرده اند و خود را مورد تهدید و نگرانی نشان میداد و متوسل بسر کنسول انگلیس شد که هیئت اعزامی دخالت ماموریت انگلیس را قبول نکرد و باوتذکر داده شد که مقصود از صدور این نامه تعقیب جزائی نبوده بلکه تذکر مسئولیت تاخیر در صدور نفت بوده است که متوجه آن کسی میشود که از دادن رسید از طرف کشتیها جلو گیری میکند .

مقارن این گفتگوها مذاکرات بین نمایندگان کمپانی سابق در تهران و دولت قطع شد و دولت با موافقت هیئت مختلط تصمیمات شدید دیگری اتخاذ نمود و از جمله این که تصمیمات و دستورات هیئت مدیره یا مدیر عامل شرکت سابق نفت دیگر قابل اجرا نیست مگر اینکه آن تصمیمات و دستورات بامضاء هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران نیز رسیده باشد این تصمیمات در تاریخ سی ام خرداد ماه بمدیر عامل ابلاغ و از او سؤال شد که آیا حاضر است مطابق آن تحت نظر هیئت مدیره بخدمت خود ادامه دهد یا خیر و چون تا پنج روز جوابی از او نرسید بلکه شفاها همان نظریه روز اول را تکرار میکرد و خود را تابع هیئت مدیره لندن میدانست و در رویه خود راجع ببنع کشتیها از دادن رسید بنام شرکت ملی نفت ایران پافشاری مینمود و جز يك کشتی نروژی و يك کشتی فرانسوی که رسید دادند بقیه در بندر معطل مانده بودند .

هیئت اعزامی در تاریخ سوم تیر ماه یعنی همان روزی که او اصرار داشت که نامه مبنی بر توجه مسئولیت امتناع کشتیها از قبض دادن را به هیئت اعزامی پس بدهد و تحت عنوان موهوم اینکه این نامه تهدیدی است برای جلب او بمحکمه جزائی و سر کنسول انگلیس راهمراه آورده بود برای اداء این شهادت که هیئت مدیره نسبت باو اعمال تهدید مینماید و مقصود او این بود که پرونده برای استناد در دیوان دادگستری لاهه تنظیم کند هیئت اعزامی تصمیم گرفت باین گفتگوها خاتمه داده و طی نامه جدیدی باوتذکر داده شد که چون برای هیئت مدیره انجام وظیفه بایک مدیر عاملی که خود رامسئول اونداند امکان ندارد و ادامه این وضعیت موجب اختلال امور موسسات نفت و وقفه صدور آن بدنیای آزاد خواهد شد برای آخرین دفعه اخطار میشود چنانچه تا روز ۵ شنبه ششم تیر ماه ساعت ۸ صبح جواب مثبت ندهد و به هیئت مدیره تمکین ننماید هیئت او را مستعفی شناخته و جانشین او را معین خواهد کرد .

آقای دريك مفاد این نامه را خود بمخبرین خارجی افشاء کرد و بلا درنگ با عجله هر چه تمامتر عازم بصره گردیده معینا هیئت اعزامی تا موعده اخطار صبر کرد و فقط ۵ شنبه قبل از ظهر حتی يك ساعت بعد از حلول موعده باشغال مقام بلا متصدی او اقدام نمود و زمام امور را مستقیماً بدست خود گرفت .

بلافاصله يك مشت استعفا نامه های کارمندان انگلیسی را که بتاریخ یکروز قبل از موعده مقرر تنظیم شده بود ببنده تسلیم کردند و مضمون همه این بود که آنها با شرکت سابق کنتراتی دارند که نمیتوانند فسخ کنند و قبول هر گونه خدمتی که یا کنتراتی آنها منافات داشته باشد برای آنها مقدور نیست .

و بهمه آنها از طرف هیئت فوراً جواب داده شد دلیل استعفاء آنها موجه نیست. برای اینکه استخدام آنها برای خدمت در ایران و بمنظور مؤسسات نفت ایران بوده و طبق قانون مصوب مجلسین ایران شرکت ملی نفت ایران قائم مقام قانونی شرکت استخدام کننده سابق محسوب میشود.

بعلاوه باید آقایان متذکر باشند که اولاً مکرر بکارمندان انگلیسی اعلام شده است که میتوانند با حفظ کلیه حقوق و مزایای سابق حتی حقوق بازنشستگی و با اطمینان کامل بامنیت و مهمان نوازی در ایران بخدمت خود ادامه دهند و هیچگونه اجبار و الزام و فشاری نه برای ماندن آنها در خدمت و نه برای ترك خدمت وارد نشده و نمی شود.

معیناً هر گاه بابتکار خود و بصرافت طبع مبادرت باستعفا نمایند باید متوجه باشند که مسئولیت هر گونه وقفه یا تقلیل در امر تولید و تصفیه و توزیع و صدور نفت در نتیجه این اقدام وارد شود بعهده آنها خواهد بود.

ثانیاً — در اعلامیه مورخ اول تیرماه هیئت مدیره موقت برای ترتیب خاتمه خدمت استعفا دهندگان یکماه مدت معین شده بود و اینک که آقایان مهلت و تاریخی برای موعود ترك خدمت خود معین نکرده اند مسلم است لااقل تا مدت يك ماه بمنظور انجام تشریفات و عملیات تحویل و تحول باقی خواهند ماند.

ثالثاً — بدیهی است که تا موقع ترك خدمت هر يك از استفاد دهندگان کلیه دستگاه ها و دوایر و قسمتهائی که مسئولیت آنها را تا بحال بعهده داشتند و ابواب جمعی آنها محسوب می شده است بطور سالم و کامل تحویل مامورین شرکت نفت ملی ایران خواهند داد.

اکنون کارمندان انگلیسی غیر از سه نفر معاون مدیر عامل همه سرپستهای خودشان هستند فقط مدتی است خانواده های خودشان را بانگلستان فرستاده اند و میخواهند وانمود کنند که امنیت ندارند از دو هفته باین طرف مراجعه می کردند که کارمندان انگلیسی میخواهند مشاغل خودشان را در مناطق نفت مسجد سلیمان — آغا جاری — هفت گل و غیره ترك کنند و بعداً شروع بترك هم کرده بودند بآنها گفته شده است که هر وقت چاهها و تمام دستگاههای آنها را تحویل بدهند مانعی نیست و کارمندان ایرانی عمل استخراج نفت را ادامه خواهند داد و واقعا از عهده اینکار هم بر خواهند آمد لیکن کارمندان انگلیسی آبادان که محل تصفیه خانه است قصد ماندن دارند و وطن قوی هم میرود که تهدید بکناره گیری از طرف آنها بکثرت و هندی هستند که با خلوص نیت انجام وظیفه می نمایند گرچه بعضی عناصر بین آنها تحریکات میکنند که خدمت شرکت ملی نفت ایران را قبول نکنند و ایران را ترك کنند ولی خود آنها بایران علاقه دارند و ما هم از آنها تحجیب کردیم و اطمینان دادیم که با کمال دلگرمی مشغول کار خودشان باشند.

این بود خلاصه ما و در امر خلع یدع که این قسمت را تحقیق یافته میتوان

تتلقى نمود ..

اما وضع فعلی چون بارگیری کشتیها بر اثر امتناع آنها از دادن رسید متوقف شده است قبل از حرکت بنده بتهران فعالیت تصفیة را تدریجاً بنصف کمتر تقلیل دادند و بالتبع عمل استخراج هم بهمین تناسب تقلیل یافته است بلکه تا دوسه هفته باین ترتیب کچ دارو مریز بگذرد و در فاصله یا انشاءالله يك راه حلی برای گرفتن رسید پیدا شود یا اینکه بالمره عمل استخراج و تصفیة تعطیل شود ضمناً در این فاصله انبارهای موجود راز مواد نفتی پرمی کنند که ذخیره برای مصرف اقلابکسال و نیم داخله ایران خواهد شد .

بنده و آقای اردلان باین لحاظ موقتاً بتهران آمده ایم که با هیئت مختلط و دولت تماس بگیریم و چاره برای این وضعیت بیاندیشیم - قسمت اول ماموریت ما که اجراء خلع بد بوده تمام شده است . قسمت دوم که نظارت در بهره برداری است اگر علیر غم میل و کوشش شبانه روزی ما دستگاه تعطیل شود بلا موضوع خواهد شد .

اگر خدای نخواستہ چنین شود باید خود را برای مواجهه بایک فشار اقتصادی چندماه آماده نمائیم در آنصورت دستگاهها را باید حفاظت کامل کرد کارمندان و کارگران ایرانی را باید نگاهداشت و حقوق آنها را مرتباً پرداخت متفرق کردن آنها بهیچوجه صلاح نیست .

زیرا بقاء صنعت بزرگ نفت ایران که در دنیا کم نظیر است بسته بوجود این کارمندان و کارگران است که در کار خود آزموده هستند و تدریجاً جمع و جور شده اند و در مدت توقف هیئت اعزامی مکرر آمادگی خود را برای هر گونه فداکاری در راه حفظ و توسعه بهره برداری با قید قسم شرافت و اطمینان داده اند بعد از تعطیل احتمالی هر آن بخوایم از نو شرع بهره برداری بکنیم بدون آن ها ممکن نیست لذا باید همه آنها را نگاهداشت خوار بار و دستگاه برق آب را برای آنها بایندتأمین نمود و از حالا پیش بینی های لازم برای این امور مهمه شده است . مسئله مهمی که ما اکنون با آن مواجه هستیم همین موضوع جلب کشتیها برای بارگیری و صدور نفت است .

آقایان البته میدانند که در بهره برداری نفت اگر موضوع باربری بازار فروش از استخراج و تصفیة مهمتر نباشد کم اهمیت تر نیست . هیئت اعزامی از روز اول متوجه این مسئله بوده و بموجب قانون خریداران سابق را بوسیله آگهی دعوت کرده است که برای معرفی خود و انجام معاملات حاضر شوند .

ولی بطوریکه از نماینده شرکت ملی نفت ایتالیا که یکی از خریداران سابق نفت خام ما است شنیدم شرکت سابق با شرکت ایتالیائی قرارداد ده ساله دارد و مادام که شرکت سابق از تسلیم نفت اظهار عجز نکند .

ایتالیاییها نمی توانند قرارداد را فسخ کنند و بهمین ملاحظه آنها فعلا نمیتوانند -  
 شرکت ملی نفت ایران مستقیما مراجعه کنند لابد سایر مشتریان سابق هم همین  
 محظورات را کمابیش دارند که از مراجعه بما و فرستادن کشتی برای تحویل گرفتن نفت  
 تا کنون خودداری کرده اند .

البته ما بعد از انقضاء مدت يك ماه که برای مراجعه مشتریان سابق ضرب الاجل  
 معلوم کرده ایم میتوانیم سایر مشتریان و طالبین نفت ایران را دعوت کنیم و پیشنهادهائی هم  
 رسیده است اما ما حتی المقدور میخواهیم نفت را بمالکی که تا کنون از صادرات ما  
 استفاده میکردند برسانیم بعلاوه مسئله باربری نفت و بازار آن در دنیا بین ترست ها تقسیم  
 شده و رخنه کردن در ندویست های آنها کار آسانی نیست کاریکروز دوروز نیست و مدت  
 معتنا بیهی وقت میخواهد و باید حوصله داشت .

آقایان بخاطر دارند که عمل ملی شدن صنعت نفت در مکزیك مواجه با همین  
 موانع شد و قریت نه سال طول کشید تا موفق شدند - از طرف دیگر مسئله باربری و  
 تامین بازار نفت را باید طوری حل کرد که رقابت آزاد از بین نرود و ما دستخوش  
 امیال يك خریدار انحصاری نشویم ما با بعضی ازدول برای فروش امتعه ایرانی از قبیل  
 پنبه و غیره خرید کالاهای آنها قرار داد تجارتي داریم و میل هم داریم از این قبیل قرار  
 دادها باز هم ببندیم .

چه مانعی دارد که ما دول ذی علاقه مخصوصا با دولت انگلیس قرار داد فروش  
 مواد نفتی منعقد سازیم و باین وسیله نگرانی انگلیسها را از لحاظ تامین نفت بحریه و صنایع  
 انگلیس رفع کنیم .

و اگر چنانچه از نماینده ایتالیائی شنیدیم دول غربی از اینکه ما بتوانیم نفت  
 موضوع قرار دادهای فروش را بموقع تولید و تسلیم کنیم تردید دارند قصاص قبل از  
 جنایت جایز نیست مدتی اقل تا آخر سال ۱۳۳۰ امتحان کنند اگر تخلف کردیم آن  
 وقت در مقام شکایت و اعتراض برآیند .

صنعت بزرگی در ایران موجود است و ما مصمم بحفظ آن هستیم و آن را حفظ  
 هم خواهیم کرد موضوع این نیست که ما وعده بکنیم که يك صنعتی می خواهیم بوجود  
 آوریم که آنها در امکان آن تردید داشته باشند موضوع برعکس يك صنعت موجودی  
 است که نگاهداری آن دشوار نیست

متاسفانه يك محیط متشنجی فراهم شده و خبط هائی میشود که بر وخامت  
 اوضاع میافزاید و مادام که تشنج باقی است و افکار عمومی مادر غلیان است حل مسئله  
 و حصول توافق مشکل است .

اگر طرفداران کمپانی سابق از نقطه نظر حقوقی خودشان همین طور پافشاری  
 کنند و بقرارداد ۱۹۳۳ محکم بچسبند و باصل ملی شدن صنعت نفت در ایران نخواهند  
 آشنا شوند هرگز این اختلاف حل نخواهد شد .

اگر فشار اقتصادی را بخواهند ادامه دهند و ما هم نتوانیم تحمل کنیم و هلاک شویم از تباهی ما معلوم نیست دنیای غرب خوشبخت شود . و من عاقبت این فشار ها را وخیم می بینم دنیای غرب بدانند که اگر اینطور عرصه را بر ملت ایران روز بروز تنگتر کنند و حال یاس برین ملت عصبانی و گرسنه مستولی شود می ترسم راهی را پیش گیرند که تاکنون از آن احتراز داشتند .

پس صلاح خود آن ها آن است که از تهدید و فشار صرف نظر کرده با ما راه بیابند و مشکل های ما را خودشان حل کنند و بعقیده بنده باحسن نیت بوسیله همین قانون ملی شدن صنعت نفت و اساسنامه که باید هرچه زودتر بتصویب مجلسین برسد می توان راه حل های اطمینان بخش پیدا کرده و اختلافات را رفع نمود .  
لجاج و عناد بهیچوجه صلاح نیست هم روزگار مارا تباه می کند و هم آن ها طرفی نخواهند بست .

آقایان محترم — این بود خلاصه گزارش و نظریات بنده و امیدوارم طرز انجام وظیفه بنده که خود را مامور و نماینده آقایان در هیئت مختلط میدانم رضایت آقایان را جلب کرده باشد بنده در انجام این ماموریت سعی کرده ام از نظر آقایان که میدانم پیودن راه مسالمت است پیروی نمایم اما مقصود بنده از مسالمت البته همیشه مسالمت توام با استحکام و متانت است .

اگر آقایان مایل باشند باین ماموریت ادامه میدهم و اگر از بودن بنده رضایت نباشد ممکن است دیگری را بجای بنده مامور فرمایند .  
بنده قبل از اینکه تریبون را ترک کنم دو عرض دیگر دارم که یکی تشکر و دیگری تاسف است .

تشکر بنده ابتدا از جناب آقای اردلان است که در مجلس شورای ملی در ضمن گزارشی نسبت به بنده اظهار لطف فوق العاده فرموده اند که حاکی از پاکی طینت خودشان است و همکاری ایشان در این مسافرت واقعا لذتی بود و بعد هم از سایر همکاران محترم است چه آقایان هیئت مختلط که در تهران زحمت میکشند و چه آقایان اردلان و مکی که با اتفاق بنده باآبادان آمدند و آقایان مهندس بازرگان و دکتر علی آبادی و مهندس بیات اعضاء هیئت مدیره موقت که واقعا با کمال صمیمیت با بنده همکاری کرده اند و بعراض و تذکرات و صلاح بینی های بنده توجه فرموده اند و بنده لازم میدانم از آقایانی که هنوز در گرمای خوزستان با کمال شهامت انجام وظیفه مینمایند و انتظار مراجعت بنده و آقای اردلان را دارند و همچنین از آقایان کارشناسان فنی که همراه ما بودند در این مجلس محترم تقدیم نمایم .

اما تاسف بنده از بی لطفیهای است که بعضی آقایان میکنند آن هم در چنین روزی که همه ایرانیان باید مثل برادر باشند و نفاق را بخود راه ندهند . باور فرمایید که بنده بعد از طی همه مقامات این کشور و تجربیات بسیار تلخ که تحصیل کرده ام دیگر طالب جاه و مقامی نیستم و بقیه عمر خود را میل دارم اگر توفیقی داشته باشم صرف

انجام خدمات هر قدر کوچک و ناقابل باشد بکنم شاید بتوانم خود و اعقابم کسب افتخاری نمایم .

بطوریکه عرض کردم عضویت بنده در هیئت مختلط افتخاری است که بامر آقایان همکاران محترم نصیب بنده شده خود را مامور مجلس سنا میدانم و باید مطابق فکر آقایان و تشخیص وجدانی خودم عمل نمایم اگر این ماموریت بنده مصادف با زمامداری جناب آقای دکتر مصدق شده است گناه نیست . خویشاوندی بنده با ایشان نه در این کار و نه در سایر کارهای مملکتی کوچکترین تاثیری نداشته و نخواهد داشت زیرا بنده خودم را یک مرد بتمام معنی مستقل الفکر میدانم اگر اشخاصی با ایشان مخالفتی دارند چرایی انصافی میکنند و بنده را بمیان میکشند و سیاست را باقوم و خویشی آلوده می کنند همینطور اگر کسی با بنده مخالف است انصاف نیست که با آقای دکتر مصدق بگناه بستگی با بنده تعرض کند .

بنده از روزی که وارد در هیئت مختلط شده ام باین جهات هدف تیر های تهمت واقع شده ام و احتمال میدهم که باز هم بشوم و میخواستم عرض بکنم که اگر این سوء استفاده که بعضی ها از بستگی بنده با آقای نخست وزیر میکنند برای آقای محترم یک محظوری است ممکن است منت بر بنده بگذارند و دیگری را بجای بنده انتخاب فرمایند زیرا برای خود بنده ممکن نیست از تعقیب خدمت آنهم در یک چنین امر مهم مملکت شانه خالی کنم و مثل یک سر باز فراری عمل نمایم

آقایان محترم — بنده این گزارش را دیروز حاضر کردم وقتی که تمام شد شنیدم راجع به بنده در یکی از روزنامه های تهران خبر عجیبی با آب تاب منتشر شده است .

عاقبت این تحریکات و وسوسه های خلاف انصاف با این حسادت ها و دسیسه ها را بمطبوعات خارجی هم سرایت داده اند و حالا دیگر بنای تفتین بین بنده و آقای دکتر مصدق را گذاشته اند .

روزنامه را خواستم و دیدم نوشته است از قول یک نفر که می گویند در لندن یکی از روزنامه های پاریس که مرکز انتریک و مقاله پرانیهای ایرانی هاست تلفن کرده است که انگلیسها بنده را برای تامین منافع انگلیس در مسئله نفت کاندیدای نخست وزیری کرده اند .

مثل این است که تا توله در هوا پاشیده اند .

نمیدانم این قبیل اخبار چه ارزشی ممکنست داشته باشد .

انگلیسها تا بحال هر کس را می خواستند روی کار بیاورند از اوظاهر آ تبری می جستند و هر کس را می خواستند خراب کنند باو علنا اظهار علاقه میکردند .

از کی تا حالا این اندازه بی کله شده اند و تغییر رویه داده اند .

بنده اهل تظاهر و رجز خوانی نبوده و نیستم و تا کنون هم به مغیرین از خودم چیزی نگفته ام . حالا که می خواهند بفرض ناحق بنده را خراب کنند و فداکاری بنده را

اینطور پاداش بدهند باید بگویم .

روزی که سرکنسول انگلیس وارد اطاق هیئت اعزامی شد اولین کسی که غدر او را قبل از نشستن خواست من بودم و روزی که دفتر مستردریک را اشغال کردیم و معاون او اظهار داشت که مشارالیه را جانشین خود معین کرده است کسی که او را نپذیرفت و با نصراحت جوابداد دریک مستغفی است و دیگر سمتی نداد که کسی را انتخاب کند تنهامن بودم حالا اینطور دوست جان جانی شده ایم که بنده را کاندیدای نخست وزیری میکنند . خیر ! نخست وزیر در مملکت ماقط بفرمان همایونی و برحسب تمایل مجلسین باید انتخاب شود .

یکی از جهات مبارزه امروز مادر مسئلہ نقت اینست که دیگر درانتخاب زمامداران ایران این صحبت ها بمیان نیاید و خود بنده درطی نطقیکه روز تصویب قانون طرزاجراء ملی شدن نقت در مجلس سنا ایراد کردم همین نکته را باصراحت هرچه تمام تر تذکر دادم و بیان کردم برو این دام بر مرغ دگر نه ! اگر بنده طالب زمامداری از این طریق بودم در این مدت ده سال بعد از شهر یور ۱۳۲۰ از دولت برکنار نمیاندم .

آقایان ما از لجن مال کردن خدمت گزاران و دلسرد کردن آنها بجائی نخواهیم رسید همکاران بنده اصرار دارند که بنده بخوزستان برگردم در صورتیکه با این غرض آنها روحیه بنده را دیگران خراب میکنند . برگشتن بخوزستان و کار کردن در گرمای طاقت فرسا با این روحیه حقیقتا مشکل است .